
۱۸
علم مفاهیم شناسی
در قرآن
نویسنده: رسول ملکیان اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحيم

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکیان اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد هیجدهم– حرف ط

مشخصات کتاب

سرشناسه:رسول ملکیان اصفهانی،۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور:علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد هیجدهم- حرف ط/ رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم – مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : BP۶۵/۴ ۵آ/

رده بندی دیویی : ۳۷۲/۲۱ د۵۷۷آ ۱۳۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱–قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس وبشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و ازمعجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که درطول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمرخود را گذاشته اند. هرزمانی که ازاین کتاب می گذرد تازه هائی ازمعارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. درپرتو این تلاشهای شایسته علومی زیادی ازمعارف و علوم قرآنی برای ما به یادگارباقی مانده است . که ازمهمترین آن می توان از تفسیرقرآن نام برد. این علم براساس مقدماتی ازعلوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراترازآن است و نه می توان آن را علم تفسیرنامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصوری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع، تعریف،هدف، فایده، پیش

انگاره ها (مبانی و مبادی) و ... است. ازاین رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش ها، معیارها و قواعد آن آشنا می سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می شود: ۱) مبانی تفسیر؛ ۲) قواعد تفسیر؛ ۳) منابع تفسیر؛ ۴) شرایط مفسر؛ ۵) سنجه های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ ۶) روش های تفسیری؛ ۷) گرایش ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدّی خدا (مقاصد آیات).

۲-اگرمفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شودمقدمه تفسیرخواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانشهای نوین زبانشناسی است می باشد . زبانشناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که دردورهای مختلف شامل کلام های مقدس(کتابهای آسمانی) نیز شده است . زبان شناسی شامل: زبان شناسی نظری؛ آواشناسی ؛ واج شناسی ؛ واژه شناسی ؛ ساخت واژه ؛ نحو ؛ معناشناسی ؛ معناشناسی واژگانی ؛ معناشناسی آماری ؛ معناشناسی ساختاری ؛ سبک شناسی ؛ تجویز و توصیف ؛ کاربردشناسی ؛ زبانشناسی کاربردی ؛ اکتساب زبان ؛ زبان شناسی روان شناختی ؛ زبان شناسی جامعه شناختی ؛ زبان شناسی شناختی ؛ جامعه شناسی زبان ؛ زبان شناسی محاسباتی؛ زبان شناسی توصیفی ؛ زبان شناسی تاریخی ؛ زبان شناسی تطبیقی ؛ رده شناسی زبان ؛ دستور گشتاری ؛ریشه شناسی. و همچنین توجه به نظریات هرمنوتیک ومتودولوژی می

تواند تاثیرات خوبی درمباحث شناخت قرآن داشته باشد وفضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳-اگر تفسیرما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است . این مسئله برای هرکس که باتفسیرقرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکارقرآن بیش از ده هزارکتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوزبه صورت کامل ازاین ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم راازاین گنج الهی نکرده است.

۴-بعضی آیات قرآن قرنها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است .و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است.چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیرکرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکارشدن این مدعی تفاسیرقرآن را براساس قرون طبقه بندی کرده و سیرپیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیرآیات را درآن براساس استاندارهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵-متاسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند وکتابهائی به همین نام تالیف شده است واسم کتاب خود را مفا هیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقداربیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و دراین زمینه مراکز قرآنی

وعلمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶-علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژ ه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قران بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد . و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن درتمام حالات علمی و ادبی درقرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب-معرب القرآن که در آن در مورد واژه هائی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونکی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د-مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندا ن بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهائی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند : معجم الادباء ، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و .....آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به مجله بینات شماره

هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکارو نهان یک لغت است؛ وبررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. واین تقریبا یک علم کاملا جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن درقالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد.تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کارساده ای نیست وافراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کارکنند . مفهوم شناسی قرآن بعد ازآشنائی علوم ادبی و منطقی وفلسفی و عرفانی و تاریخی وفقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم درقرآن است ؛ حال آنکه اگرما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه ویا یک سوره دیگربررسی کنیم ؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی(ابرارایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هرحال کاری است که باید درآینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸-قران را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصوراست اگرشما به یک آجردریک ساختمان بسیاربزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجردرکل مجموعه را بررسی کنید یک تصورمفهومی بدست آورده اید که جایگاه ومعنای آن را درمنظومه این

ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود ونبود آن دراین منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید درنظرداشت هریک ازکلمات قرآن مفهومی دربردارد که باتمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که درطول تاریخ تفسیرقرآن کشف نشده است . و ازاین مبنا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که درلابلای بعضی از تفاسیرآمده است.

۹–البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیراکه بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده ازابزارو امکانات جدید بویژه رایانه وبرنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوزوارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته درضمن مطالب دیگربیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند وبسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد ازحدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی وقرآنی و بعد تمرکزبرروی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) وکشف آن در تفسیرشریف راهنما به این امرخطیرنائل شدم و خداوند رحیم افق نوردیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و نقش آن درکل

قرآن فکرودل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد ؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم ؛ هرلحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی درمعرض دیگران قراردهم ؛ ولی عظمت کارونداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه درحیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را درسینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردنند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بارقابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمائی می کند.کاری که ازعهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی برنمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی درتفسیرقیم راهنما انجام داد ه اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرد ه ام ؛ هرچند که قبل ازمن به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰-ازخوبیهای علم دردوران جدید این است که آنچه را درتصورذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم درآورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت . شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن ونامرئی شدن و صدها نمونه

از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علومی که ازقواعد و ضوابط مثل تفسیرقرآن برخورداراست.

۱۱- بسیاری ازتفاسیر که دردوران قدیم نوشته شده است درمحدوده علم آموزی ودانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که دراختیارداشته و گرایش و هدفی که داشته است.درصورتیکه درزمان معاصرباید ازنوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیرخودداری کرد و زیرنظرمجموعه ای ازاساتید ، تفسیرهمه جانبه نوشت.وحوزهای پژوهشی عظیمی به این امرمهم اختصاص یابد. امید است درآینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی درراستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش ازآن چیزی که امروزوجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن درطول نگارش تفاسیرازنکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی ازموارد یک مفهوم را دریک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و درجاهای دیگرقرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه(صلوة) را به این شکل و درجاهای دیگرقرآن بصورت (صلاة) بنویسیم. اگرما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و ....درقرآن برسیم باید بااین ملاک واحد درکل قرآن به تحقیق بپردازیم.

۱۳-اگرخواستیم عظمت قرآن را درنظربگیریم باید اینطورتصورکرد که تمام عالم هستی دو بارتکرار شده است یکباربصورت عینی درعالم خارج و یکباربصورت مکتوب به صورت قرآن و اگرگفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت استکه وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴-قرآن کریم در آیه ی بیست و یکم سوره ی

حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معيّن آنها اشاره كرده، مى فرمايد:

(وَ إِن مِّن شَیْ ءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَآئِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هيچ چيزى نيست جز آن كه منابعش نزد ماست؛ و [لى] جز به اندازه معيّن آن را فرو نمى فرستيم.

«خزائن» در اصل به معناى حفظ و نگه دارى چيزى است و در اصطلاح به معناى محلى است كه افراد، اموالشان را در آن گردآورى و حفظ مى كنند.

اين مفهوم در مورد انسان ها صادق است كه قدرت محدود دارند و نمى توانند در هر عصرى همه چيز را فراهم كنند، اما در مورد خدا تصور نمى شود.

پس خزاين الهى، يا به معناى «مقدورات الهى» است؛ يعنى همه چيز در منبع قدرت الهى جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار كه لازم باشد ايجاد مى كند و يا به معناى مجموعه ى امورى است كه در عالم هستى و جهانِ ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، كه در اين مجموعه همه چيز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ايجاد مى شود.

قرآن خداوند نيز ازهمين سنخ است كه متصل به درياى بى كرانه وجود خداوند است و هروقت خداوند بخواهد مقدارى از معناى آن را براى ما ايجاد مى كند . و چهره كامل آن درزمان حكومت حضرت ولى عصر(عج) ظهور مى كند. انشاء الله.

۱۵- قرآن كريم در آيه ى چهل و يكم سوره ى بقره با اشاره به رابطه ى قرآن با كتب آسمانى پيشين، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن مى دهد و مى فرمايد:

(وَآمِنُوْا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقاً لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِى ثَمَناً قَلِيلًا وَإِيَّاىَ فَاتَّقُونِ)

و به آنچه فرو فرستادم

(/ قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدروقیمت وعظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی ازموارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است . کسانیکه خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظرداشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازدکه دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

–

۱۶- دراین قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبرعظیم الشان انقلاب اسلامی دردنیای معاصرحضرت امام خمینی(ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی(ره)- صفحه ۹۱ تا ۹۳- پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی "):

(از انس با قرآن کریم ، این صحیفه الهی و کتاب هدایت ، غفلت نورزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده ازبرکات سرشار این کتاب مقدس است . و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شی ءاست و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تابیده است ، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی – الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات وبینات است و

از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضتهای قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ،که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم وزیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواسته مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم ومعرفت و استعدادهای اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ،براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبنی ربی " دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت بارقه ای

از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن رابرآورند و در ابعاد سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، نظامی ، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است ؛ از عرفان و فلسفه تاادب و سیاست ، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست وریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است ، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیاست . یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است . و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق ! بپاخیزید و قرآن کریم را ازشرجاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی ، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم . و شما ای فرزندان برومند اسلام ! حوزه ها ودانشگاهها را از توجه به شئونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار

کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلای خود قرار دهید. مبادا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهمانند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فروبسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مخیّل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل نطق ظاهر که

با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن استعدادهای معرفتی او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً توأم و همراه با اندیشه های درونی آدمی است. ثانیاً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمی به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ بپردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایدار که عمرآن لحظه ای بیش نیست و فقط هنگام رویارویی با دیگران بکار می رود. اما آدمی مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته های خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و یک سلسله علایم دیگر نیز وضع کرده که همان خط یا علایم مکتوب یا الفباست. علایمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علایم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین ، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است ، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علایم کتبی یا خطی) — وجود لفظی (

علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) – وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) – وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی . از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مبحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستورزبان که اختصاص بزبانی معین دارد.(علم منطق – رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگربراین مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیتهای علمی و قرآنی ما ازچهارحالت خارج نیست:

الف–وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی ؛ روان خوانی ؛ تندخوانی؛ صوت ولحن؛ علم تجوید ؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛و تمام فعالیتهائی که دراین حوزه لفظی قرآن می شود.

ب–وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط ونوشتن قرآن ؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج–وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه درذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسرومحقق قرآن وجود داردو بر روی آن تدبرو تفکرمی کند و آن را نشر وارائه می دهد.و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د–وجود عینی قرآن که به دوصورت جلوه می کند یا بصورت فردی که دریک انسان قرآنی درخارج مصداق پیدا می کند و حقیقی

ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهرعینی کامل قرآن درعالم خارج است و قرآن ناطق است و درزمان ما حضرت امام ولی عصر(عج) می باشد ویا بصورت جمعی تجلی و ظهورپیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله درآینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هرحال هرکس که عالم وخادم قرآن باشد بصورت حصرعقلی ازیکی ازاین چهارقسم خارج نیست ؛ و کسیکه درحوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند دربخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد ووقتی درعرصه نشرمکتوب می پردازد درجایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگربخواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست ؟ باید کتابهای مستقلی تالیف گردد ؛ که امیدواریم این مهم درآینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷-ما در اینجا براساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش ازهزارتا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی وبراساس حروف الفبا استخراج کرده ایم ؛ باشد که انشا ء الله در آینده این علم(مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیرتفسیرراهنما را ملاک قرارداده ایم که نسبت به تمام تفسیرهای قرآن بعضی ازاستاندارهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را درمقدمه آن تفسیرشایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی ازکلمات مشترک لفظی و بعضی ازآنها مشترک معنوی می باشند ؛ وتعدادی ازکلمات نیز عربی وفارسی می باشد ؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدورفهرست کلمات را بررسی کند. . این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتربرای محققین و پژوهشگران قرآنی و کسانیکه می

خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند ویا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

طائف از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

طائف

اهمیت طائف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳۱ – ۸

۸ – مکه و طائف ، دو شهر مهم جامعه عصر بعثت ، نزد عرب جاهلی

و قالوا . .. علی رجل من القریتین

تاریخ طائف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳۱ – ۸

۸ – مکه و طائف ، دو شهر مهم جامعه عصر بعثت ، نزد عرب جاهلی

و قالوا . .. علی رجل من القریتین

توقع نبوت اشراف طائف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳۱ – ۱

۱ – توقع بی جای مشرکان مکه در لزوم انتخاب پیامبر ، از میان اشراف < مکه > و < طائف >

و قالوا لولا نزّل هذا القرءان علی رجل من القریتین عظیم

عموم مفسران مراد از <قریتین> را مکه و طائف دانسته اند.

طارق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

طارق

ابزار شناخت ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۲ - ۲

۲ - ابزار شناخت حقیقتِ ستاره < طارق > و ویژگی های آن ، در اختیار همگان نیست .

و ما أدریک ما الطارق

خطاب در <ما أدراك> در این موارد، مخصوص شخص پیامبر(ص) نیست; بلکه روی سخن با هر مخاطبی است که این سخن را دریافت کند.

سوگند به ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱ - ۲

۲ - سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب (زهره یا زحل یا ثریا و یا . . .)

و الطارق

<طارق>; یعنی،

کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را <طَرْق> (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، <طارق> نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب <قاموس> آن را بر <ستاره صبح> (زهره) تطبیق داده است; گرچه به نقل <لسان العرب>، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

عظمت ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۲ - ۱

۱ - عظمت ستاره < طارق > ، فراتر از حد بیان است .

و ما أدریک ما الطارق

فلسفه نامگذاری طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۲ - ۴

۴ - < عن ضحاک بن مزاحم قال سئل علی (ع) عن الطارق قال : هو أحسن نجم فی السماء و لیس تعرفه الناس و انما سمّی الطارق لأنّه یطرق نوره سماءً سماءً إلی سبع سماوات ثمّ یطرق راجعاً حتّی یرجع إلی مکانه ;

از ضحاک بن مزاحم روایت شده است: از امام علی(ع) از معنای <طارق> سؤال شد، حضرت فرمود: نیکوترین ستاره ای است که در آسمان است و مردم آن را نمی شناسند و همانا <طارق> نامیده شده; چون نور آن در آسمان ها، یکی پس از دیگری تا هفت آسمان نفوذ می کند. سپس در بازگشت نیز هم چنان نفوذ می کند تا به محل اول برسد>.

مراد از طارق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۲ – ۴

۴ – < عن ضحاک بن مزاحم قال سئل علی (ع) عن الطارق قال : هو أحسن نجم فی السماء و لیس تعرفه الناس و انما سمّی الطارق لأنّه یطرق نوره سماءً سماءً إلی سبع سماوات ثمّ یطرق راجعاً حتّی یرجع إلی مکانه ;

از ضحاک بن مزاحم روایت شده است: از امام علی(ع) از معنای <طارق> سؤال شد، حضرت فرمود: نیکوترین ستاره ای است که در آسمان است و مردم آن را نمی شناسند و همانا <طارق> نامیده شده; چون نور آن در آسمان ها، یکی پس از دیگری تا هفت آسمان نفوذ می کند. سپس در بازگشت نیز هم چنان نفوذ می کند تا به محل اول برسد>.

نورانیت ستاره طارق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۳ – ۱

۱ – < طارق > ، ستاره ای است دارای پرتوی نافذ و شکافنده تاریکی ها در صحنه آسمان .

النجم الثاقب

<ثَقْب>; یعنی، دریدگی کم عمق (مصباح) و چون نور ستاره نفوذ می کند، آن را <ثاقب> گویند. (مقاییس اللغه) استفهام از شناخت <طارق> در آیه قبل و توصیف آن به <نجم ثاقب> در این آیه بیانگر آن است ستاره ای خاص مورد نظر است.

ویژگیهای ستاره طارق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۲ – ۲

۲ – ابزار شناخت حقیقتِ ستاره < طارق > و ویژگی های آن ، در اختیار همگان نیست .

و

ما أدریک ما الطارق

خطاب در <ما أدراک> در این موارد، مخصوص شخص پیامبر(ص) نیست; بلکه روی سخن با هر مخاطبی است که این سخن را دریافت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۱

۱ - < طارق > ، ستاره ای است دارای پرتوی نافذ و شکافنده تاریکی ها در صحنه آسمان .

النجم الثاقب

<ثَقْب>; یعنی، دریدگی کم عمق (مصباح) و چون نور ستاره نفوذ می کند، آن را <ثاقب> گویند. (مقاییس اللغه) استفهام از شناخت <طارق> در آیه قبل و توصیف آن به <نجم ثاقب> در این آیه بیانگر آن است ستاره ای خاص مورد نظر است.

طاغوت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

طاغوت

آثار اجتناب از طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۶

۶ - سعادت و نیک بختی انسان در عرصه دنیا و آخرت ، در گرو اجتناب از عبادت طاغوت و اطاعت سردمداران ضلالت و توبه و روی کرد به خداوند است .

و الذین اجتنبوا الطغوت . .. لهم البشری

مقصود از بشارت در آیه شریفه، بشارت به بهشت و سعادت بشری است.

آثار اجتناب از عبادت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۵

۵ - کسانی که از عبادت طاغوت و اطاعت سردمداران ضلالت ، پرهیز کرده و به خدا روی آورند و توبه کنند ، شایسته بشارت الهی اند .

و الذین اجتنبوا الطغوت أن یعبدوها و أنابوا إلی اللّه لهم البشری

آثار پیروی از طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۰ – ۴

۴ پیروی از طاغوت ها و سرکشان ، موجب دوری از رحمت خدا در دنیا و آخرت است .

و اتبعوا أمر کل جبار عنید. و أُتبعوا فی هذه الدنیا لعنه و یوم القیمه

آثار حاکمیّت طاغوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۷ – ۱۱

۱۱ حاکمیّت طاغوت ، منحرف کننده جامعه ، به سوی ظلمت ها و تباهیها

اولیاؤهم الطّاغوت یخرجونهم من النّور الی الظّلمات

آثار عبادت طاغوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۷ – ۳،۸

۳ – عبادت طاغوت و اطاعت از سردمداران گمراهی ، شرک است .

و الذین اجتنبوا الطغوت أن یعبدوها

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه در توصیف مؤمنانی است که در برابر مشرکان قرار داشته و در عقیده مخالف آنان می باشند.

۸ – عبادت طاغوت و اطاعت از سران ضلالت ، مانع توبه و باریافتن به درگاه الهی است .

و الذین اجتنبوا الطغوت أن یعبدوها و أنابوا إلی اللّه

آثار قبول طاغوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۲ - ۳

۳ مراجعه به طاغوت ، در پی دارنده عذاب در قیامت *

فکیف اذا اصابتهم مصیبه بما قدّمت ایدیهم

برداشت فوق را فرمایش امام باقر و امام صادق (ع) تأیید می کند که فرمودند: المصیبه هی الخسف و اللّه بالمنافقین عند الحوض.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۴۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۹، ح ۳۶۷ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۱۸۱.

آثار

قضاوت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۲ - ۱

۱ ارجاع داوری به طاغوت ، موجب ابتلای مراجعه کنندگان به مصائب و مشکلات

یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت . .. فکیف اذا اصابتهم مصیبه بما قدّمت

با توجه به آیه پیش، از مصادیق مورد نظر برای <ما قدمت ایدیهم> مراجعه به طاغوت برای داوری است.

آثار گرایش به طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۲ - ۷

۷ زیر پا گذاشتن مقررات شرعی و گرایش به طاغوت ، از عوامل ابتلای جوامع به مشکلات و گرفتاریها

و اذا قیل لهم . .. فکیف اذا اصابتهم مصیبه بما قدّمت ایدیهم

اجتناب از طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۱،۲،۷

۱ - پرهیز از عبادت و اطاعت طاغوت ها و سردمداران کفر و شرک ، از اوصاف مؤمنان و بندگان خالص خدا

و الذین اجتنبوا الطغوت أن یعبدوها

<طاغوت> در اصل به هر متجاوز و رئیس گمراه گر گفته می شود. این کلمه در قرآن، هم به این معنا آمده و هم در بت و صنم به کار رفته است. چنانچه این واژه در آیه شریفه در معنای نخست به کار رفته باشد، مقصود از عبادت (أن یعبدوها) اطاعت خواهد بود. گفتنی است آیه شریفه درصدد توصیف مؤمنان و بندگان خالص خداوند است (که از آیات بعد نیز قابل استفاده است).

۲ - لزوم اجتناب از عبادت طاغوت و اطاعت از سردمداران ضلالت

و الذين اجتنبوا الطغوت أن يعبدوها

۷ - اجتناب از عبادت طاغوت و

اطاعت از سران ضلالت ، شرط توبه و رویکرد به خداوند است .

و الذین اجتنبوا الطغوت أن یعبدوها و أنابوا إلی اللّه

تقدم طرح مسأله اجتناب از طاغوت، بر موضوع توبه و رویکرد به خداوند، می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۱

۱ - عبادت خالصانه خدا ، اجتناب از عبادت طاغوت ، توبه ، پیروی از بهترین سخن و خردورزی ، از اوصاف تقواپیشگان

و الذین اجتنبوا الطغوت أن یعبدوها و أنابوا إلی اللّه . .. الذین یستمعون القول .

<الذین اتّقوا ربّهم> بیان تفصیلی برای آن دسته از افراد مؤمنی است که در آیات قبل توصیف شده اند; یعنی، <الذین اجتنبوا الطاغوت. .. الذین یستمعون القول...>.

استهزای طاغوت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۳

۱۳ گرفتاران به لعنت و غضب خدا ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان اهل کتاب خود سزاوار استهزا و نه مؤمنان به خدا و کتب آسمانی

الذین اتخذوا دینکم هزواً . .. منهم القرده و الخنازیر و عبد الطغوت

اطاعت از طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۵

۱۵ فرمانبری از طغیانگران ، ناسازگار با ایمان به خدا و کتب آسمانی

هل تنقمون منا الا ان ءامنا باللّه . .. و عبد الطغوت

توصیف پیشینیان یهود و نصارا به بندگی و اطاعت طاغوت در پاسخ استهزای اهل کتاب نسبت به مؤمنان، حاکی از

ناسازگاری ایمان به خدا با اطاعت طاغوت است.

اهل کتاب و طاغوت

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۱ – ۲

۲ گرایش و ایمان برخی اهل کتاب و علمای یهود به جبت (معبودی غیر از خدا) و طاغوت

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون بالجبت و الطّاغوت

<جبت> در لغت به معنای هر چیزی است که در آن خیری نباشد و نیز به معبودی غیر از خدا گفته می شود.

اهمیت اجتناب از طاغوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۶ – ۲

۲– عبادت خدا و اجتناب از طاغوت ، دو رکن اساسی تعالیم انبیا

و لقد بعثنا فی کلّ أُمّه رسولاً أن اعبدوا الله و اجتنبوا الطغوت

ایمان به طاغوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۱ – ۲،۱۳

۲ گرایش و ایمان برخی اهل کتاب و علمای یهود به جبت (معبودی غیر از خدا) و طاغوت

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون بالجبت و الطّاغوت

<جبت> در لغت به معنای هر چیزی است که در آن خیری نباشد و نیز به معبودی غیر از خدا گفته می شود.

۱۳ ایمان حُیبی بن اخطب و کعب اشرف به جبت و طاغوت ، و گفتار ناروای آنان نسبت به مسلمانان

الم تر الی الّذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون بالجبت و الطّاغوت و یقولون

ابن عباس می گوید: این آیه درباره حیبی بن اخطب و کعب اشرف نازل شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۲ – ۲

۲ ایمان به جبت

و طاغوت (کفر و شرک) موجب لعن خداوند

الم تر . .. اولئک الّذین لعنهم اللّه و من یلعن اللّه فلن تجد له نصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۱۷

۱۷ مراجعه به طاغوت ها برای داوری ، ایمان به آنان و تأیید ظلم و تجاوزگری آنان است .

یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت و قد امروا ان یکفروا به

تقویت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۵

۵ تقویت طاغوت ، از ویژگی های کافران

و الّذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت

توطئه طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱۱

۱۱ سست بنیادی نقشه ها و ترفند های طاغوت ها و شیاطین

و الّذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت . .. انّ کید الشّیطان کان ضعیفاً

جایگاه طاغوت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۶،۱۷

۱۶ گرفتاران به لعنت الهی و غضب الهی ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه اللّه . .. و عبد الطغوت أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل که روی سخن را با اهل کتاب قرار داده بود.

۱۷ بدترین جایگاه دوزخ از آن مسخ شدگان ، پرستندگان طاغوت ، گرفتاران به لعنت و غضب الهی است .

من لعنه اللّه و غضب علیه و جعل منهم . .. أولئک

شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

برخی از مفسران <مكاناً> را جایگاه دوزخی توصیف شدگان دانسته اند.

جنگ با طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ جنگ با دوستان شیطان (کافران و طاغوت ها) مصداق بارز نبرد در راه خدا

الّذین امنوا یقاتلون فی سبیل اللّه . .. فقاتلوا اولیاء الشّیطان

جنگ در راه طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۳،۴،۱۵

۳ جنگ های کافران ، در راه طاغوت است .

و الّذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت

۴ نبرد در رکاب طاغوت ها ، نشانه کفر

و الّذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت

۱۵ کافران پیکارگر در جبهه طاغوت ، ضعیف و ناتوان

و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت . .. انّ کید الشّیطان کان ضعیفاً

حاکمیت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۹،۱۱،۱۴،۱۶

۹ کفر ، زمینه ساز سرپرستی و حاکمیّت طاغوت و انحراف از نور به ظلمتها

و الّذين كفروا اولياؤهم الطّاغوت يخرجونهم من النّور الى الظّلمات

۱۱ حاكميّت طاغوت ، منحرف كننده جامعه ، به سوى ظلمت ها و تباهيها

اولياؤهم الطّاغوت يخرجونهم من النّور الى الظّلمات

۱۴ اتحاد اهل ايمان به علّت ولايت واحد الهى و تشتت صفوف اهل كفر ، به لحاظ حاكميّت اولياى متعدد طاغوتى بر آنان

اللّه ولىّ الّذين امنوا . .. و الّذين كفروا اولياؤهم الطّاغوت

چون مؤمنان از يک <ولى> برخوردارند، پس به وحدت مى رسند، و در مقابل، كافران داراى اوليايى متعددند و در نتيجه

متشتت خواهند شد.

۱۶ توجّه به عاقبت و عقوبت اهل کفر ، زمینه ساز پرهیز از انحراف به کفر و پذیرش حاکمیّت طاغوت

اولئک اصحاب النّار هم فیها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۳

۳ حاکمیّت و سلطه طغیانگران ، داده ای از جانب خداوند

ان ءاتیه اللّه الملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۲۰

۲۰ ارجاع داوری به حاکمان خودکامه و سلطه گر ، پذیرش حاکمیت طاغوت است .

الم تر الی الّذین یزعمون انّهم امنوا . .. یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت

امام صادق (ع) فرمود: . .. انّه لو کان لک علی رجل حقّ فدعوته الی حکّام اهل العدل فأبی علیک اِلا انْ یرافعک الی حکام اهل الجور لیقضوا له لکان ممّن حاکم الی الطاغوت و هو قول اللّه عزّ و جل: الم تر الی الّذین یزعمون ... .

کافی، ج ۷، ص ۴۱۱، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۸، ح ۳۶۱ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۸۷، ح ۲، ۳ و ۵ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۱۸۰.

دوستان طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۷

۷ طاغوت ها و هموارکنندگان راه آنان ، دوستان و یاوران شیطانند .

و الّذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت فقاتلوا اولیاء الشّیطان

مراد از اولیـای شـیطان به قرینه فای تفریع در <فقاتلوا>، کافران و طاغوتها هسـتند. گفتنی است که در برداشت فوق، شـیطان، غیر طاغوت گرفته شده است.

سبیل الله و

طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۸

۸ تضاد راه خدا با راه طاغوت و شیطان

الّذین امنوا یقاتلون فی سبیل اللّه و الّذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت فقاتل

شیطنت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۹

۹ طاغوت ها ، شیطانند و کافران ، یاوران آنها

و الّذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت فقاتلوا اولیاء الشّیطان

بدان احتمال که مراد از شیطان همان طاغوت باشد ; در این صورت مقصود از اولیاء شیطان به دلیل فای تفریع کافران خواهد بود.

طاغوت پرستان در جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۷

۱۷ بدترین جایگاه دوزخ از آن مسخ شدگان ، پرستندگان طاغوت ، گرفتاران به لعنت و غضب الهی است .

من لعنه اللّه و غضب علیه و جعل منهم . .. أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

برخی از مفسران <مکاناً> را جایگاه دوزخی توصیف شدگان دانسته اند.

طاغوت پرستی اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۰ – ۹،۱۳

۹ گرفتاری اهل کتاب به لعنت و غضب خداوند ، پرستش طاغوت و مسخ شدنشان به میمون و خوک ، سزای رفتار های زشت آنان

هل انبئکم بشرّ من ذلک مثوبه عند اللّه من لعنه . .. و عبد الطغوت

کلمه <مثوبه> (سزا و جزا) می رساند که غضب و . .. به عنوان پیامدهای شومی است که اعمال ناروای اهل کتاب آنها را

اقتضا می کرده است.

۱۳ گرفتاران به لعنت و غضب خدا ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان اهل کتاب خود سزاوار استهزا و نه مؤمنان به خدا و کتب آسمانی

الذین اتخذوا دینکم هزواً . .. منهم القرده و الخنازیر و عبد الطغوت

ظلم طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۱۷

۱۷ مراجعه به طاغوت ها برای داوری ، ایمان به آنان و تأیید ظلم و تجاوزگری آنان است .

یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت و قد امروا ان یکفروا به

فضایل معرضان از طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۵

۵ - کسانی که از عبادت طاغوت و اطاعت سردمداران ضلالت ، پرهیز کرده و به خدا روی آورند و توبه کنند ، شایسته بشارت الهی اند .

و الذین اجتنبوا الطغوت أن یعبدوها و أنابوا إلی اللّه لهم البشری

قبول قضاوت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۱۷،۲۱

۱۷ مراجعه به طاغوت ها برای داوری ، ایمان به آنان و تأیید ظلم و تجاوزگری آنان است .

یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت و قد امروا ان یکفروا به

۲۱ ارجاع داوری به طاغوت ، نشانه دروغگویی در ادّعای ایمان

الم تر الى الّذين یزعمون انّهم امنوا

امام صادق (ع) فرمود: . .. اما علمت ان كل زعم فی القرآن كذبٌ.

كافی، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۲۰ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۸، ح ۳۶۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴

۱۲ تظاهر منافقان به اینکه مراجعه آنان به طاغوت برای قضاوت ، از سر بی ایمانی به پیامبر (ص) نبوده است .

یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت . .. ان اردنا الّا احساناً و توفیقاً

مفهوم جمله <ان اردنا> این است که قصد ما اعراض از حکم پیامبر (ص) نبوده است، بلکه می خواستیم بین طرفین دعوا صلح دهیم و به آنان نیکی کرده باشیم.

قضاوت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۱،۲،۳،۸،۱۱،۱۲،۱۴،۱۸

۱ تصمیم بر ارجاع داوری به طاغوت ، ناسازگار با ایمان به قرآن و دیگر کتب آسمانی است .

الم تر الی الذین یزعمون . .. یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت

۱ جمله <یریدون . .. > دلالت می کند که حتّی تصمیم بر چنین کاری نیز خطاست ; چه رسد به انجام آن. ۲ کلمه <طاغوت>، مصدر و به معنای اسم فاعل است ; یعنی: هر انسان متجاوز، ظالم و جبّار.

۲ ناسازگاری ایمان به قرآن و کتب آسمانی ، با ارجاع داوری به طاغوتها

الم تر الی الذین یزعمون . .. یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت

۳ مراجعه به طاغوت ها برای داوری ، علی رغم ادعای ایمان مایه شگفتی و تعجّب

الم تر الی الذین یزعمون . .. ان یتحاکموا الی الطّاغوت

استفهام در جمله <الم تر>، برای تعجّب ایراد شده است.

۸ دادگاه های طاغوتی ، دادگاههایی هستند که بر خلاف حکم خدا و رسول قضاوت می کنند . *

یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت و قد امروا ان یکفروا به

در صورتی ارجاع داوری به دادگاهها ناسازگار

بـا ایمان می شود که قضاوت در آن محاکم بر خلاف دسـتورات الهی باشـد ; بنابراین مراد از طاغوت حاکمانی هسـتند که بر خلاف قرآن و سنت پیامبر حکم می کنند.

۱۱ خودداری از مراجعه به طاغوت برای قضاوت ، مصداقی از کفر به طاغوت

یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت و قد امروا ان یکفروا به

۱۲ ارجاع داوری ها به طاغوت (کسانی که بر خلاف احکام خداوند ، حکم می کنند) ، خواسته شیطان است .

و یرید الشّیطان ان یضلّهم

۱۴ رجوع کنندگان به طاغوت ، تحت سیطره و نفوذ شیطان هستند .

یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت . .. و یرید الشّیطان ان یضلّهم

۱۸ سقوط به ژرفنای گمراهی ، پیامد پذیرش دادگاه های طاغوتی

یریدون ان یتحاکموا . .. و یرید الشّیطان ان یضلّهم ضلالا بعیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۶

۶ مراجعه به طاغوت و دادگاه های ناصالح برای داوری ، ستم به خویشتن است .

یریدون ان یتحاکموا . .. و لو انّهم اذ ظلموا انفسهم

کافران و طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۹

۹ طاغوت ها ، شیطانند و کافران ، یاوران آنها

و الّذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت فقاتلوا اولیاء الشّیطان

بدان احتمال که مراد از شیطان همان طاغوت باشد ; در این صورت مقصود از اولیاء شیطان به دلیل فای تفریع کافران خواهد بود.

کفر به طاغوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۶ – ۲۱،۱۷،۱۴،۱۳،۱۱،۱۰،۹

ایمان به خداوند و کفر به طاغوت ، راهی استوار ، محکم و مطمئن

فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن باللّه فقد استمسک بالعروه الوثقی

۱۰ کفر مستمرّ به طاغوت و ایمان مداوم به خداوند ، چنگ زدن به ریسمان محکم الهی است .

فمن یکفر بالطّاغوت و یؤمن باللّه فقد استمسک بالعروه الوثقی

۱۱ کفر به طاغوت (نفی همه اغیار و تخلیه وجود از غیر حق) ، شرط تحقّق ایمان

فمن یکفر بالطّاغوت و یؤمن باللّه

از تقدم مسأله <کفر به طاغوت> بر <ایمان> استفاده شده است.

۱۳ ایمان به خداوند و کفر به طاغوت ، رُشد است .

قد تبیّن الرّشد من الغیّ فمن یکفر بالطّاغوت و یؤمن باللّه

۱۴ لزوم اعلانِ کفر به طاغوت و ایمان به خداوند با زبان ، علاوه بر تصدیق قلبی

فمن یکفر بالطّاغوت و یؤمن باللّه . .. و اللّه سمیع علیم

ذکر <سمیع علیم> بیانگر این است که ایمان به خداوند و کفر به طاغوت، به زبان و قلب است.

۱۷ تشویق خداوند نسبت به مؤمنانِ به او و کافرانِ به طاغوت

فمن یکفر بالطّاغوت و یؤمن باللّه . .. و اللّه سمیع علیم

۲۱ تعلّق قلبی به خداوند و کفر به طاغوت (نفی اغیار) ، دو بُعد ایمانِ با صلابت

فمن یکفربالطّاغوت و یؤمن باللّه فقد استمسک بالعروه الوثقی

امام صادق (ع) درباره آیه <فقد استمسک . .. > فرمود: هی الایمان باللّه وحده لا شریک له

کافی، ج ۲، ص ۱۴، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۶۳، ح ۱۰۵۲ و ۱۰۵۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۷ – ۱،۲

۱

شمول ولايت خاص الهى ، بر مؤمنانى كه به طاغوت كفر ورزند .

فمن يكفر بالطّاغوت . .. اللّه ولىّ الّذين امنوا

۲ ايمان به خداوند و كفر به طاغوت ، موجب جلب سرپرستى ، ياورى و دوستى خداوند

فمن يكفر بالطّاغوت . .. اللّه ولىّ الّذين امنوا

براى <ولىّ>، معانى متعدّدى گفته شده است ; از آن جمله كه با آيه شريفه تناسب دارد، سرپرست، ياور و دوست است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۶،۷،۱۱

۶ لزوم كفر به طاغوت و موضعگيرى در مقابل آن

و قد امروا ان يكفروا به

۷ لزوم كفر به طاغوت و موضعگيرى در مقابل آن ، فرمان مشترك همه اديان الهى

يزعمون انّهم امنوا بما انزل اليك و ما انزل من قبلك يريدون ان يتحاكموا الى الطّاغ

چون خداوند مراجعه به طاغوت را با ايمان به كتب آسمانى گذشته ناسازگار دانسته، معلوم مى شود كه در آن كتابها نيز چنين كردارى محكوم و ناپسند شمرده شده است.

۱۱ خوددارى از مراجعه به طاغوت براى قضاوت ، مصداقى از كفر به طاغوت

يريدون ان يتحاكموا الى الطّاغوت و قد امروا ان يكفروا به

گمراهى طاغوت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۸،۱۹

۱۸ طاغوت پرستان ، مسخ شدگان و گرفتاران به لعنت و غضب الهى ، گمراهترين مردمان از راه راست

من لعنه اللّه . .. و عبد الطغوت أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

۱۹ پیشینیان اهل کتاب بر اثر گرفتاری به لعنت و غضب خدا و در آمدن به شکل

میمون و خوک و پرستش طاغوت ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه اللّه . .. أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

گناه اطاعت از طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۴ - ۱۲

۱۲ - پیروی از طاغوت ، گناه و فسق است .

فأطاعوه . .. إنّهم کانوا قومًا فسقین

مبارزه با طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۶

۶ وجوب نبرد با یاوران شیطان (کافران و طاغوت ها)

و الّذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت فقاتلوا اولیاء الشّیطان

مراجعه به طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۳ - ۸،۹

۸ پیامبر (ص) ، موظّف به چشمپوشی از خطای کسانی که از مراجعه به طاغوت ، اظهار ندامت کردند .

ثم جاؤک یحلفون باللّه ان اردنا الّا احساناً . .. فاعرض عنهم

کلمه <اعراض>، به قرینه <عظهم> (آنان را نصیحت کن>، به معنای اعراض از عقوبت و خطای آنان است، نه به معنای دوری از آنان.

۹ پیامبر (ص) ، موظّف به موعظه منافقانی که از مراجعه به طاغوت اظهار ندامت کردند .

يريدون ان يتحاكموا الى الطّاغوت . .. فاعرض عنهم و عظهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۶

۶ مراجعه به طاغوت و دادگاه های ناصالح برای داوری ، ستم به خويشتن است .

يريدون ان يتحاكموا . .. و لو انّهم اذ ظلموا انفسهم

مصاديق

طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۶ - ۲۰

۲۰ شیطان ، از مصادیق طاغوت

فمن یکفر بالطّاغوت

امام صادق (ع) درباره آیه <فمن یکفر بالطّاغوت> فرمود: انه الشیطان . ..

مجمع البیان، ج ۲، ص ۶۳۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۶۳، ح ۱۰۵۱.

منافقان و طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۲ - ۱۲

۱۲ تظاهر منافقان به اینکه مراجعه آنان به طاغوت برای قضاوت ، از سر بی ایمانی به پیامبر (ص) نبوده است .

یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت . .. ان اردنا الّا احساناً و توفیقاً

مفهوم جمله <ان اردنا> این است که قصد ما اعراض از حکم پیامبر (ص) نبوده است، بلکه می خواستیم بین طرفین دعوا صلح دهیم و به آنان نیکی کرده باشیم.

موارد طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۲۲

۲۲ کعب بن اشرف و ابن شیبه یهودی ، از مصادیق حاکمان طاغوتی

یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت

بسیاری از مفسران برآنند که آیه در مورد منافقی نازل شد که به هنگام نزاع با فردی، خواهان مراجعه به کعب بن اشرف یهودی شد و از مراجعه به پیامبر برای داوری سر باز زد. برخی دیگر از مفسران، مصداق طاغوت را ابن شیبه یهودی گفته اند.

نقش طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۱۳،۱۵

۱۳ طاغوت ها ، دام ها و ابزار کار شیاطین هستند .

یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت . ..

و يريد الشّيطان ان يضلّهم

۱۵ شیاطین و طاغوت ها ، عناصری در برابر حکومت پیامبران الهی

الم تر الی الّذین یزعمون . .. و یرید الشّیطان

ولایت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۱۲،۱۳

۱۲ عدم پذیرش ولایت الهی ، منجر به انحراف آدمی و پذیرش ولایت طاغوتیان

اللّه ولیّ الّذین امنوا . .. و الّذین کفروا اولیاؤهم الطّاغوت

۱۳ هر ولایتی جز ولایت الهی ، طاغوتی است .

اللّه ولیّ الّذین امنوا . .. و الّذین کفروا اولیاؤهم الطّاغوت

برداشت فوق مبتنی بر این است که اوّلاـ تمامی انسانها تحت ولاـیت و سرپرستی هستند; به مقتضای تقسیم آنان به مؤمن و کافر. ثانیاً این ولایت یا از آن خداست و یا از آن طاغوت; بدون فرض قسم سوّم. بنابراین خارج شدن از ولایت الهی، مساوق ورود در ولایت طاغوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۱۲

۱۲ ر ها شدن در ورطه ولایت و حکومت گمراهان ، پیامد مخالفت با رسول خدا (ص)

و من یشاقق الرسول . .. و یتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولی

طاغوت پرستان

استهزای طاغوت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۳

۱۳ گرفتاران به لعنت و غضب خدا ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان اهل کتاب خود سزاوار استهزا و نه مؤمنان به خدا و کتب آسمانی

الذین اتخذوا دینکم هزواً . .. منهم القرده و الخنازیر و عبد الطغوت

جایگاه طاغوت پرستان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۶،۱۷

۱۶ گرفتاران به لعنت الهی و غضب الهی ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه اللّه . .. و عبد الطغوت أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل که روی سخن را با اهل کتاب قرار داده بود.

۱۷ بدترین جایگاه دوزخ از آن مسخ شدگان ، پرستندگان طاغوت ، گرفتاران به لعنت و غضب الهی است .

من لعنه اللّه و غضب علیه و جعل منهم . .. أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

برخی از مفسران <مکاناً> را جایگاه دوزخی توصیف شدگان دانسته اند.

طاغوت پرستان در جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۷

۱۷ بدترین جایگاه دوزخ از آن مسخ شدگان ، پرستندگان طاغوت ، گرفتاران به لعنت و غضب الهی است .

من لعنه اللّه و غضب علیه و جعل منهم . .. أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

برخی از مفسران <مکاناً> را جایگاه دوزخی توصیف شدگان دانسته اند.

گمراهی طاغوت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۸،۱۹

۱۸ طاغوت پرستان ، مسخ شدگان و گرفتاران به لعنت و غضب الهی ، گمراهترین مردمان از راه راست

من لعنه اللّه . .. و عبد الطغوت أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

۱۹ پیشینیان اهل کتاب بر اثر گرفتاری به لعنت و غضب خدا و در آمدن

به شکل میمون و خوک و پرستش طاغوت ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه اللّه . .. أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

طاغوتیان

آثار ثروت طاغوتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۸

۸ ثروت و زینت های فراوان دنیوی در دست طاغوت و طاغوتیان ، از عوامل گمراهی مردم است .

ربنا إنک ءاتیت فرعون و ملأه زینه و أمولا . .. لیضلوا عن سبیلک

امکانات مادی طاغوتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۸

۸ ثروت و زینت های فراوان دنیوی در دست طاغوت و طاغوتیان ، از عوامل گمراهی مردم است .

ربنا إنک ءاتیت فرعون و ملأه زینه و أمولا . .. لیضلوا عن سبیلک

طالوت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

طالوت

اطاعت از طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۴،۵

۴ آزمایش فرمانبری از طالوت و نیروی اراده بنی اسرائیل از جانب خداوند به وسیله نهر *

ان اللّه مبتلیکم بنهر

در آیات سابق، تردید فرمانبری بنی اسرائیل را در رویارویی با دشمن مطرح کرد (هل عسیتم . ..) بنابراین آزمایش الهی، برای مشخص شدن فرمانبران و نیز میزان فرمانبری آنان بوده است.

۵ همراهی جمعیّت انبوهی از بنی اسرائیل با طالوت ، در آغاز حرکت وی برای پیکار با متجاوزان

فلمّا فصل طالوت بالجنود

کلمه <جُند> به معنای جمعیّت انبوه و متراکم است. آوردن این کلمه به صورت جمع (جنود) دلالت بر کثرت لشکریانی دارد که با طالوت بسیج شدند.

برتری طالوت

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۷ – ۹

۹ طالوت ، نسبت به دیگران ، از توانایی جسمی و علمی (کاردانیِ) بیشتری برخوردار بود .

و زاده بسطه فی العلم و الجسم

چون جمله <و زاده . .. > بیان حکمت انتخاب طالوت از میان بنی اسرائیل و علّت تقدّم وی بر دیگران است، پس او در این دو صفت برتر از دیگران بوده است; بنابراین <زاده ...> بیانگر توانایی جسمی و علمی بیشتر او در مقایسه با دیگران است.

برگزیدگی طالوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۷ – ۱،۲،۳،۱۱،۱۶،۱۹،۲۲

۱ برگزیدگی طالوت برای زمامداری بنی اسرائیل ، به نفع و سعادت آنان

ان اللّه قد بعث لکم طالوت ملکاً

<لام> در <لکم> تصریح است به اینکه فرماندهی و زمامداری طالوت در جهت نفع و سعادت آنان بوده است.

۲ طالوت ، برانگیخته خداوند برای زمامداری بنی اسرائیل

ان اللّه قد بعث لکم طالوت ملکاً

۳ شگفتی سردمداران بنی اسرائیل ، از برگزیدگی طالوت به دلیل سرشناس نبودن و نداشتن ثروت

قالوا انی یکون له الملک . .. و لم یؤت سعه من المال

ظاهراً اعتراض کنندگان، همان پیشنهاددهندگان بودند که خداوند از قول آنان می فرماید: <قال الملأ . .. نحن احق>. بنابراین اعتراض آنان به دو جهت بوده است: یکی نبودن طالوت از طبقه ملأ و اشراف که می گفتند: <نحن احق>. و دوّم نداشتن مال و ثروت که با <و لم یؤت سعه من المال> به آن اشاره شده است.

۱۱ گستردگی توانایی های علمی و جسمی طالوت ،

ملاک برگزیدگی وی از جانب خداوند برای زمامداری

ان اللّه اصطفیه علیکم و زاده بسطه فی العلم و الجسم

۱۶ مشیّت الهی ، منشأ برگزیدگی طالوت (زمامداران الهی)

و اللّه یؤتی ملکه من یشاء

۱۹ بینش محدود بنی اسرائیل نسبت به ملاک های حقیقی گزینش ، منشأ اعتراض آنان به برگزیدن طالوت

قالوا انی یکون له الملک علینا . .. و اللّه واسع علیم

جمله <و اللّه واسع علیم> تعریضی به بنی اسرائیل است که بینش شما محدود و در نتیجه مُعترض به گزینش طالوت شده اید.

۲۲ نبودن طالوت از خاندان نبوت و پادشاهی ، منشأ اعتراض بزرگان (ملأ) بنی اسرائیل به برگزیدگی وی از جانب خداوند

قالوا انی یکون له الملک علینا

امام باقر (ع) درباره آیه <انّ اللّه قد بعث . .. > فرمود: لم یکن من سبط النبوه و لا من سبط المملکه ...

کافی، ج ۸، ص ۳۱۶، ح ۴۹۸ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۵۱، ح ۹۹۶.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۸ – ۲

۲ عدم اطمینان بنی اسرائیل به مأموریت طالوت از جانب خداوند و درخواست نشانه و دلیلی از پیامبرشان بر زمامداری وی

قد بعث لکم طالوت . .. انّ ایه ملکه ان یاتیکم

جمله <ان ایه . .. > می نمایاند که آنان برای حقانیّت زمامداری طالوت، درخواست نشانه و معجزه کرده بودند ; و نشانه خواستن، حاکی از تردید ایشان است.

پیروزی سپاه طالوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۱ – ۴،۵،۲۴

۴ هزیمت و شکست سپاهیان جالوت به اذن الهی

، در برابر نیروی اندک طالوتیان

فهزموهم باذن اللّه

۵ اجابت دعا و نیایش طالوتیان ، با هزیمت و شکست سپاه جالوت

قالوا ربّنا . .. و انصرنا علی القوم الکافرین. فهزموهم باذن اللّه

۲۴ چیرگی سپاه طالوت بر جالوتیان ، پرتویی از تفضّلِ جهانشمولِ الهی

فهزموهم باذن اللّه . .. و لکنّ اللّه ذو فضل علی العالمین

جهاد طالوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۹ – ۱۵

۱۵ عدم تغییر عزم طالوت در پیکار با متجاوزان ، علی رغم نافرمانی بیشتر لشکریان و طرد آنان از سوی وی

فشربوا منه الاّ قلیلا منهم فلمّا جاوَزَه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۰ – ۱،۳

۱ صبر ، استواری قدم و نصرت بر کافران ، درخواست پیکارگران برگزیده طالوت از خداوند ، به هنگام رویارویی با جالوت

و لمّا برزوا . .. و انصرنا علی القوم الکافرین

۳ نیرو های اندک طالوت با امید به نصرت الهی ، به جنگ با جالوتیان رفتند .

و لمّا برزوا الجالوت . .. و انصرنا علی القوم الکافرین

دعای سپاه طالوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۰ – ۱

۱ صبر ، استواری قدم و نصرت بر کافران ، درخواست پیکارگران برگزیده طالوت از خداوند ، به هنگام رویارویی با جالوت

و لمّا برزوا . .. و انصرنا علی القوم الکافرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۱ – ۵

۵ اجابت دعا و نیایش طالوتیان ، با هزیمت و شکست

سپاه جالوت

قالوا ربّنا . .. و انصرنا علی القوم الکافرین. فهزموهم باذن اللّه

رهبری طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۸ - ۳،۱۴،۱۶،۱۷

۳ بازگشت صندوق (تابوت) به سوی بنی اسرائیل ، نشانه زمامداری طالوت

انّ ایه ملکه ان یاتیکم التابوت

الف و لام در <التابوت> برای عهد ذهنی است و بیانگر این معنا که آن صندوق زمانی نزد بنی اسرائیل بوده است. جمله <و فیه ... بقیه مما ترک ال موسی> مؤیّد این معناست ; لذا <اتیان> به بازگشتن معنا شد.

۱۴ مؤمنان بنی اسرائیل (اهل پذیرش حق) ، پذیرای صندوق معهود ، به عنوان نشانه ای بر حقانیّت طالوت در زمامداری

انّ فی ذلک لایه لکم ان کنتم مؤمنین

<ایمان> در آیه شریفه به معنای ایمان به خداوند و رسول و در مقابل کفر نیست; چون مخاطبین آیه از اهل ایمانند; بلکه به معنای لغوی آن است; یعنی آنانکه اهل باور و پذیرای حق هستند، مقابل کسانی که روحی لجوج و قلبی پیوسته ناباور دارند.

۱۶ وجود افراد غیر مؤمن (لجوج و ناباور) ، در میان بنی اسرائیل ، علی رغم وجود نشانه روشن الهی بر زمامداری طالوت

انّ فی ذلک لایه لکم ان کنتم مؤمنین

تعبیر <ان کنتم مؤمنین> اشاره است به اینکه افرادی غیرمؤمن (ناباوران) در میان بنی اسرائیل وجود داشته اند.

۱۷ در صندوق معهود ، نشانه حاکمیت طالوت و شکسته های الواح حضرت موسی بود که بر آن علوم آسمانی نگاشته شده بود .

ان یاتیکم التابوت

امام باقر (ع) درباره آیه <ان یاتیکم التابوت . .. > فرمود: رضاض الالواح فیها

العلم و الحكمه، العلم جاء من السماء فكتب فى الالواح و جعل فى التابوت

تفسير عياشى، ج ۱، ص ۱۳۳، ح ۴۴۰ ; نورالثقلين، ج ۱، ص ۲۴۷، ح ۹۷۷.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۳

۳ آمادگى بنى اسرائيل براى پيكار با دشمنان ، پس از پذيرش زمامدارى طالوت ، با مشاهده آن صندوق خاص

ان ايه مُلكه . .. فلمّا فَصَل طالوت بالجنود

بسيج لشكريانى از بنى اسرائيل، با وجود ترديد سابق آنان نسبت به فرماندهى طالوت، دلالت بر جمله اى محذوف دارد; يعنى پس از آمدن تابوت، به فرماندهى طالوت گردن نهادند و آماده نبرد شدند و آنگاه طالوت آنان را بسيج كرد.

سپاه طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۶،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۴،۱۵،۱۷،۱۸،۲۱،۳۲،۳۳،۳۴

۶ طالوت ، لشكريان بسيج شده را تا قبل از موفقيّت آنان در آزمايش ، به خود نسبت نمى داد .

فلمّا فصل طالوت بالجنود

آنگاه كه طالوت، لشكريان را نيازموده بود، از آنان تعبير به <الجنود> شد، نه <جنوده> يعنى نه آنان را به خود منتسب مى دانست و نه از خود نفى مى كرد. و آنگاه كه سخن از آزمايش به ميان آمد، نسبت به آنان كه در آزمايش موفق مى شوند، گفت: <فانّه منّى>.

۹ اعلام طالوت به لشكريان ، در مورد عدم انتساب آنان به وى و جدايى آنان از او ، در صورتى كه از نهر بياشامند .

فمن شرب منه فليس منّى

۱۰ اعلام طالوت به لشكريان ، در مورد انتساب آنان به وى ، اگر از نوشيدن آب

نهر چشم پوشند .

و من لم يطعمه فانّه منّى

۱۱ كسانى كه فقط يك كف از آب نهر نوشيدند ، از لشكر طرد نشدند ; گر چه منسوب به طالوت نيز نبودند .

فمن شرب منه فليس منّى و من لم يطعمه فانّه منّى ألاّ من اغترف غرفةً بيده

كلمه <الاّ> استثناى از <فمن شرب> است; بنابراين لشكر طالوت به سه گروه تقسيم مى شوند: نوشندگان، آنانكه نچشيدند و كسانى كه تنها مُشتى از آب برگرفتند. حكم گروه اوّل و دوّم روشن است ; ولى گروه سوّم چون آب را چشيده اند، <منّى> صدق نمى كند و به دليل اينكه سيراب نشده اند، <ليس منى> نيز صدق نمى كند.

۱۲ طالوت با آزمايش الهى ، برخى سپاهيان خود را تصفيه نمود و از لشكر طرد كرد .

فمن شرب منه فليس منّى

۱۴ بيشتر لشكريان طالوت على رغم منع وى ، از آب نهر نوشيدند و در امتحان الهى موفق نشدند .

فشربوا منه الاّ قليلا

۱۵ عدم تغيير عزم طالوت در پيكار با متجاوزان ، على رغم نافرمانى بيشتر لشكريان و طرد آنان از سوى وى

فشربوا منه الاّ قليلا منهم فلمّا جاوَزَه

۱۷ اظهار عجز برخى همراهان طالوت از پيكار با دشمن ، پس از عبور از نهر و ديدن سپاه عظيم جالوت

فلمّا جاوزه هو و الّذين امنوا معه قالوا لا طاقه لنا اليوم بجالوت و جنوده

۱۸ تنها اقليّتى كه در آزمايش تشنگى موفّق شدند ، همراه طالوت از نهر گذشتند .

فشربوا منه الاّ قليلا منهم فلمّا جاوزه هو و الذين امنوا معه

۲۱ معتقدان به لقاى خداوند (روز رستاخيز) در لشكر طالوت ، اميدواركنندگان

دل های نگران

قال الّذین یظنّون انّهم ملاقوا اللّه کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیرةً

۳۲ ناتوانان از همراهی با طالوت پس از گذشتن از نهر ، همانهایی بودند که یک کف ، آب نوشیدند .

الاّ من اغترف غرفه بیده . .. قالوا لا طاقه لنا

امام باقر (ع) درباره آیه مزبور فرمود: . .. قال الذین اغترفوا: <لا طاقه لنا الیوم بجالوت> ... .

کافی، ج ۸، ص ۳۱۶، ح ۴۹۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۵۱، ح ۹۹۶.

۳۳ همراهان طالوت تا آخرین مرحله پیکار ، همانهایی بودند که حتّی یک کف از آب ننوشیدند .

فشربوا منه الاّ قلیلا . .. قال الذین یظنون

امام باقر (ع) درباره آیه مزبور فرمود: . .. قال الّذین لم یغترفوا: <کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره باذن اللّه>.

کافی، ج ۸، ص ۳۱۶، ح ۴۹۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۵۱، ح ۹۹۶.

۳۴ عده ای از یاران طالوت که از آب نهر ننوشیدند ، سیصد و سیزده نفر بودند .

فشربوا منه الاّ قلیلا

امام باقر (ع): . .. فشربوا منه الاّ ثلاثمأه و ثلاثه عشر رجلا ...

کافی، ج ۸، ص ۳۱۶، ح ۴۹۸ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۵۱، ح ۹۹۶.

علم طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۷ - ۹،۱۱

۹ طالوت ، نسبت به دیگران ، از توانایی جسمی و علمی (کاردانیِ) بیشتری برخوردار بود .

و زاده بسطه فی العلم و الجسم

چون جمله <و زاده . .. > بیان حکمت انتخاب طالوت از میان بنی اسرائیل و علّت تقـدّم وی بر دیگران است، پس او در این دو

صفت برتر از دیگران بوده است; بنابراین <زاده ...> بیانگر توانایی جسمی و علمی بیشتر او در مقایسه با دیگران است.

۱۱ گستردگی توانایی های علمی و جسمی طالوت ، ملاک برگزیدگی وی از جانب خداوند برای زمامداری

ان اللّه اصطفیه علیکم و زاده بسطه فی العلم و الجسم

فرماندهی طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۱،۲

۱ گُزیدن و بسیج افراد و گروه های سپاه ، از جانب طالوت و خروج آنان با فرماندهی وی ، به سوی دشمن

فلمّا فصل طالوت بالجنود

۲ اعلام قبلی طالوت به نیرو های بسیج شده در مورد آزمایش آنان با رودخانه ای خروشان

قال ان اللّه مبتلیکم بِنَهَر

قدرت طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۷ - ۹

۹ طالوت ، نسبت به دیگران ، از توانایی جسمی و علمی (کاردانیِ) بیشتری برخوردار بود .

و زاده بسطه فی العلم و الجسم

چون جمله <و زاده . .. > بیان حکمت انتخاب طالوت از میان بنی اسرائیل و علّت تقدّم وی بر دیگران است، پس او در این دو صفت برتر از دیگران بوده است; بنابراین <زاده ...> بیانگر توانایی جسمی و علمی بیشتر او در مقایسه با دیگران است.

قصه طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۱،۲۹

۱ دعوت خداوند به رؤیت (دقّت کامل) در واقعه طالوت و بنی اسرائیل

الم تر الی الملأ من بنی اسرائیل

۲۹ نیرو های صادق و پایدار بنی اسرائیل در رکاب

طالوت ، شصت هزار نفر بودند .

تولّوا الاّ قليلا

امام باقر (ع) درباره <قليل> در آيه فوق فرمود: كان القليل ستّين الفاً

معانى الاخبار، ص ۱۵۱، ح ۱ ; نورالثقلين، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۹۷۱.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۲ - ۲

۲ داستان طالوت و هلاكت جالوتيان ، از آيات الهى

الم تر الى الملأ من بنى اسرائيل . .. تلك ايات اللّه

كلمه <تلك> اشاره به داستان طالوت و جالوت است.

طبقات اجتماعى از ديدگاه قرآن در تفسير راهنما

{طبقات اجتماعى}

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - حمد - ۱ - ۷ - ۱،۲

۱ - تقسيم انسان ها به ثابت قدمان بر هدايت و مغضوبين درگاه خدا و گمراهان ، از طبقه بندى هاى مردم در قرآن

صرط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم و لاالضآلّين

مراد از <نعمت> در <انعمت عليهم> به قرينه فرازهاى قبل و بعد، نعمت هدايت است، نه نعمتهاى مادى. علاوه بر اينكه همه موجودات، حتى كافران، از اين نعمتها برخوردار هستند.

۲ - گروهى از انسان ها برخوردار از هدايت هاى ويژه الهى و بهره مند از مراحل والاى آن هستند .

صرط الذين انعمت عليهم

چنانچه گذشت مراد از <نعمت> نعمت هدایت است، و چون درخواست کنندگان این نعمت خود از هدایت یافتگان هستند، مقصود از آن، هدایتی ویژه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸ - ۱

۱ - تقسیم انسان ها به : تقواپیشگان ، کافران و منافقان ، از طبقه بندی های مردم در قرآن

هدًی للمتقین . .. إن الذین کفروا ... و من الناس من

يقول ءامنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۱۱

۱۱ - تقسيم مؤمنان به صبرپيشگان و غير صابران ، از طبقه بندى هاى اهل ايمان در قرآن

و بشر الصبرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۱

۱ - تقسيم مشركان به : سردمداران شرک و پيروان آنان

إذ تبرأ الذين اتبعوا من الذين اتبعوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۰ - ۱۲

۱۲ خداوند ، مفسدان و مصلحان را از يكديگر بازمى شناسد .

و اللّه يعلم المفسد من المصلح

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۲۲

۲۲ اعتقاد انسان ها ، ملاكى براى تقسيم بندى جوامع انسانى

يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا بطانه من دونكم . .. و ما تخفى صدورهم اكبر

خداوند، جامعه انسانى را به دو دسته اهل ايمان و بيگانه با ايمان تقسيم كرده كه اين تقسيم، بر اساس اعتقاد آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۵۳ - ۱۴

۱۴ تهیدستان و طبقات پایین جامعه، دارای زمینه بیشتر برای پذیرش ایمان و دعوت پیامبرند.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم . .. ألیس اللّه بأعلم بالشکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۹ - ۲

۲ انسانهایی ظالم در صدد گمراه کردن و منحرف ساختن انسانهای دیگرند.

یمعشر الجن قد استکثرتم . .. و کذلک نولی بعض الظلمین بعضا

در آیه

پیشین سخن از اغواگری جنیان در مورد آدمیان بود. مقتضای تشبیه <کذلک> شباهت روابط متقابل آدمیان و جنیان با روابط میان ظالمان است. یعنی همان گونه که جنیان به اغوای مردم می پردازند، ظالمان نیز در صدد اغوای ظالمان دیگرند.

طبقات اجتماعی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۵۱ – ۴

۴ – خطر پیدایش طبقه مسرف و متجاوز ، در شرایط رفاه و توانمندی اقتصادی جامعه و تسلیم شدن توده های ناآگاه در برابر آنان

فی جنّت و عیون . و زروع و نخل ... و لاتطیعوا أمر المسرفین

از ارتباط عبارت <فی جنّات و عیون> با <و لا‌تطیعوا أمر المسرفین> می توان استفاده کرد که در محیط رفاه و ثروت، رهبران اسراف گر ظهور می کنند و توده های ناآگاه نیز به اطاعت از آنان، گردن می نهند.

طبقات اجتماعی اقوام پیشین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۳ – ۹

۹– وجود طبقات فقیر و مستمند در جوامع رفاه زده و ستمگر پیشین

ارجعوا . .. لعلّکم تسلون

برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که مراد از <لعلّکم تسئلون> پرسش و درخواست فقیران از آنان باشد.

طبقات اجتماعی در صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۱ – ۱،۳

۱ – برخی از زنان و مردان کافر عصر بعثت (در مکه) از امکانات و ثروت چشمگیری برخوردار بودند .

و لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

ضمیر <منهم> به کافران بازمی گردد که در آیات پیشین مورد بحث قرار گرفته بودند و

از آنجایی که سوره <طه> در مکه نازل شده است، مراد کفار مکه است. <ازواج> یا به معنای مردان و زنانی است که تشکیل خانواده داده اند و یا به معنای <اصناف> است. <من> در <منهم> برای تبعیض است.

۳ - سطح زندگی پیامبر (ص) و مسلمانان ، با کافران مکه ، تفاوت قابل ملاحظه ای داشت .

و لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

طبقات اجتماعی صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۱۵

۱۵ مردم مکه در واکنش به دعوت پیامبر (ص) دو دسته بودند : مؤمن و کافر .

أن أنذر الناس و بشّر الذین ءامنوا . .. قال الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۷ - ۱

۱ - منافقان صدراسلام ، قشری مرفه و برخودار از امکانات (اموال و اولاد)

لن تغنی عنهم أمولهم و لا أولدهم من اللّه شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۳

۳ - کافران تکذیب گر ، در صدراسلام از قشر ثروتمند و پرفرزند و نفرات بودند .

أن کان ذا مال و بنین

طبقات اجتماعی صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۱،۱۰

۱- پیامبر (ص) در ابلاغ پیام الهی به مردم ، با مؤمنانی تهیدست و دنیاگرایانی رفاه مند ، مواجه بود .

و اصبر نفسک مع الذین یدعون ربّهم . .. و لاتطع من أغفلنا قلبه

از تعبیر <ترید زینه الحیاه

الدنیا> استفاده می شود که در آیه، دو گروه، با دو مشخصه، یاد شده اند: نخست، مؤمنان خالصی که از زینت دنیا بی بهره بودند و گروه دوم، کسانی که زینت دنیایی داشتند.

۱۰- توجه به ربوبیّت خداوند ، سوق دهنده آدمی به استغاثه و دعا به درگاه او است .

یدعون ربّهم

طبقات اجتماعی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۳

۳ مستضعفان و اشراف مستکبر ، دو طبقه متمایز از یکدیگر در میان قوم ثمود

قال الملأ الذین استکبروا من قومه للذین استضعفوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۱

۱ - جامعه نخستین پس از نوح (ع) ، متشکل از مردم عادی و گروه اشراف

و قال الملأ من قومه . .. و أترفنهم فی الحیوه الدنیا

<ملا>به سران و اشراف گفته می شود۰ <اتراف> (مصدر <اترفنا>) به معنای متنعم کردن و برخوردار ساختن است.

طبقات اجتماعی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۹ - ۷،۸

۷ قوم عاد ، متشکل از سرانی متکبر و سرکش و توده هایی پیرو و مطیع

و اتبعوا أمر کل جبار عنید

۸ توده های قوم عاد ، به پیروی از فرمان سران خویش ، آیات الهی را انکار و با پیامبران مخالفت می کردند .

و تلك عاد جحدوا بأيت ربهم و عصوا رسله واتبعوا أمر كل جبار عنيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۱

۱ - جامعه نخستين پس از

نوح (ع) ، متشکل از مردم عادی و گروه اشراف

و قال الملأ من قومه . .. و أترفنهم فی الحیوه الدنیا

<ملا>به سران و اشراف گفته می شود٠ <اتراف> (مصدر <اترفنا>) به معنای متنعم کردن و برخوردار ساختن است.

طبقات اجتماعی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۵،۶،۱۲

۵ مؤمنان قوم نوح و پیروان او ، از توده های مردم و از طبقات غیر مرفه جامعه بودند .

ما نریک اتبعک إلّا الذین هم أراذلنا

مراد از <أراذل> از آن رو که مقابل <ملأ> قرار گرفته توده های مردم و افراد مستضعف جامعه است.

۶ توده های غیر مرّفه ، مردمی پست و حقیر در دیدگاه اشراف قوم نوح

ما نریک اتبعک إلّا الذین هم أراذلنا

أرذل (مفرد أراذل) به معنای پست و حقیر می باشد.

۱۲ حقارت و پستی مؤمنان به نوح (ع) ، امری آشکار و روشن در نظر اشراف و سران قوم نوح

ما نریک اتبعک إلّا الذین هم أراذلنا بادی الرّأی

برداشت فوق، براساس این احتمال است که <بادی الرأی>ظرف برای مضمون جمله <هم أراذلنا> باشد; یعنی ، در یک نگاه ظاهری می توان دریافت که پیروان تو، مردمی پست و حقیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۸

۸ سران و اشراف قوم نوح ، کوردلانی ناتوان از درک دلایل نبوت و فهم و معارف الهی

أرءیتم إن . .. ءاتنی رحمه من عنده فعمّیت علیکم

تعمیه (مصدر عمّیت) به معنای کور ساختن است و آن گاه که به <علی> متعدی شود ، به معنای

مخفی کردن می باشد. بنابراین <فعمیت علیکم>; یعنی ، آن بیّنه و رحمتی که خداوند به من عطا کرده است ، بر شما مخفی مانده و از درکش ناتوانید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۸

۸ مطرود شدن مؤمنان تهی دست از پیرامون نوح (ع) ، از شرایط سران و اشراف قوم نوح برای ایمان آوردن به آن حضرت

و ما أنا بطارد الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۱ - ۱۵،۱۰،۹

۹ تهی دستان و مستضعفان جامعه ، در نظر ظاهر بین اشراف قوم نوح ، مردمی پست و حقیر

و لاأقول للذین تزدری أعینکم لن یؤتیهم الله خیراً

إزدراء (مصدر تزدری) به معنای حقیر شمردن و ناقص و معیوب دانستن است (لسان العرب). مفعول <تزدری> ضمیر محذوفی است که به <الذین> برمی گردد و مراد از آن، پیروان حضرت نوح می باشد. یعنی <الذین تزدریهم أعینکم> (آنان که چشمان شما ایشان را حقیر و ناقص و معیوب می بیند.) اسناد <تزدری> به <أعینکم> اشاره به ظاهربینی اشراف و سران دارد.

۱۰ سران و اشراف قوم نوح ، محرومان و مستضعفان را ، ناتوان از رسیدن به خیر و نیکی می پنداشتند .

لاأقول للذین تزدری أعینکم لن یؤتیهم الله خیراً

جمله <لن یؤتیهم الله خیراً> بیان اندیشه سران و اشراف قوم نوح درباره محرومان و تهی دستان جامعه است. این جمله با توجه به کلمه <لن> حکایت از آن دارد که: اشراف دستیابی محرومان را به خیر و نیکی ، نامحتمل می دانستند.

۱۵ ظلم و ستم سران و

اشراف قوم نوح به محرومان و مستضعفان آن قوم

لأقول للذین تزدری أعینکم . .. إنی إذًا لمن الظلمین

جمله <إنی إذًا لمن الظالمین> تعریضی است به سران و اشراف قوم نوح که شما با این پندار که محرومان شایسته خیر نیستند در حق آنان ستم می کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۱

۱ - قوم نوح ، متشکل از مردم عادی و گروه اشراف

فقال الملؤا الذین کفروا من قومه ما هذا إلاّ بشر مثلکم

<ملأ>، به رؤسا و اشراف گفته می شود. <الذین کفروا> وصف توضیحی است نه احترازی; زیرا با توجه به آیه ۲۷ سوره هود(و ما نراک اتبعک إلاّ الذین هم أراذلنا بادی الرأی)، معلوم می شود که هیچ یک از اشراف قوم نوح، به وی ایمان نیاورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۱ - ۱

۱ - امتناع قوم نوح از ایمان آوردن به وی ، به بهانه وجود گروهی محروم ، بی اعتبار و فاقد پایگاه اجتماعی اقتصادی در کنار او

قالوا أنؤمن لک و اتبعک الأرذلون

<أرذلون> جمع <أرذل> است و آن تفضیل <رذل> (حقیر، پست و فرومایه) می باشد. بنابراین <أرذلون>; یعنی، پست ترین فرومایگان و فرومایه ترین مردمان. گفتنی است که اشراف قوم نوح، این نسبت ناروا را از آن جهت به پیروان آن حضرت می دادند که آنان از طبقات محروم جامعه بودند و از اعتبارات اجتماعی و اقتصادی بهره ای نداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ -

۷ – وجود قشری ثروتمند و قدرت مند (صاحبان مال و فرزند بسیار) ، در میان قوم نوح

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلّا خسارًا

طبقات اجتماعی مسلمانان صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۲ – ۸

۸ – وجود تفاوت در برخورداری از امکانات مالی و معیشتی در جامعه اسلامی صدراسلام

و لایأتل أُوْلوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أُوْلی القربی و المسکین و المهجری

طبقات اجتماعی مصریان باستان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴ – ۲

۲ – تقسیم مردم مصر به طبقات و دسته های مختلف و پیرو ، نمود سیاست خودکامه و سلطه جویی فرعون

إنّ فرعون علا فی الأرض و جعل أهلها شیعًا

جمله <جعل أهلها شیعاً> عطف تفسیری بر <علا فی الأرض> و بیانگر نوع برتری جویی فرعون نسبت به مردم سرزمین مصر است. گفتنی است که <شیع> جمع <شیعه> است و <شیعه> به فرد یا گروه پیرو اطلاق می شود. بنابراین <جعل أهلها شیعاً>; یعنی، مردم آن سرزمین را به چند دسته پیرو درآورده بود.

طبقات اجتماعی یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۸ – ۱

۱ – جامعه یهود در عصر بعثت متشکل از عالمانی معاند و عوامی ناآگاه

و قد کان فریق منهم . .. و منهم أمیون لایعلمون الکتب إلا امانی

چنانچه در آیه <۷۵> گذشت، مراد از <فریق منهم> - به قرینه صفات شمرده شده بر آنان - عالمان یهود است.

منشأ طبقات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳۲ – ۷

۷ – طبقات اجتماعی و تفاوت سطح زندگی آنان ، بسته به تدبیر الهی و تابع تقدیر و برنامه ریزی او است .

و رفعنا بعضهم فوق بعض درجت

طبیعت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{طبیعت}

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۶ – ۸

۸ تسلّط انسان بر مظاهر هستی ، به خواست و مشیّت خداست .

تؤتی الملک من تشاء

<مُلک> (یعنی تسلّط) را خداوند به انسان می دهد; پس انسان هر تسلّطی که دارد از جانب خداست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۰ – ۱۲،۱۰،۷،۵

۵ آفرینش و پدیده های آن ، از منابع و زمینه های شناخت خداوند و صفات او

انّ فی خلق السّموات و الارض و اختلاف الّیل و النّهار لایات

۷ ترغیب خداوند به اندیشیدن در آفرینش و پدیده های آن

انّ فی خلق السّموات و الارض و اختلاف الّیل و النّهار لایات لاولی الالباب

۱۰ صاحبان خرد ناب ، تنها دریابندگان نشانه های الهی در آفرینش

انّ فی خلق السّموات . .. لایات لاولی الالباب

آیات الهی در آفرینش وجود دارد، چه صاحب خردی باشد و یا نباشد. بنابراین <لاولی الالباب>، ناظر به بهره مندی از آن

آیات است. یعنی تنها خردمندان به نشانه بودن آنها پی می برند و دیگران از آن محرومند.

۱۲ اندیشه پیراسته از آلودگی ها و ناخالصی ها ، زمینه ساز درک آیات الهی در آفرینش

انّ فی خلق السّموات . .. لایات لاولی الالباب

آثار اعتدال طبیعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۸ - ۴

۴ - کتاب موزون طبیعت ، راهنمای انسان در صحنه عقیده و عمل *

و وضع المیزان . ألّاتطغوا فی المیزان

برداشت یاد شـده با توجه به این نکته است که خداونـد، برای رهنمون ساختن انسان ها به عقیـده توحیدی، نظام داری و قانون منـدی خورشـید، ماه و. .. را به آنان یادآور شـده است. هم چنین حاکمیت <میزان> بر هستی را، درسـی برای پایبندی عملی آنها به موازین قرار داده است.

آثار تفکر در طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۲۱

۲۱- تفکر و اندیشهورزی در طبیعت ، از راه های خداشناسی و درک حقایق هستی است .

إن فی ذلک لأیه لقوم یتفکّرون

آثار توجه به تحولات طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۹ - ۷

۷ - توجّه به تحولات نظام طبیعت ، راهی برای شناخت و عمق بخشیدن به باور های دینی است .

یخرج الحیّ من المیّت و یخرج المیّت من الحیّ و یحیِ الأرض بعد موتهاو کذلک تخرجون

آثار ذکر استحکام طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۷ - ۷

۷- توجه به استحکام مظاهر طبیعت و ضعف خویش در برابر آنها ، مایه عبرت و پندگیری است .

لن تخرق الأرض و لن تبلغ الجبال طولاً

ذکر <إنک لن تخرق الأرض و . ..> در واقع توجه دادن به استحکام مظاهر طبیعت و متقابلاً ضعف انسان است که می تواند برای آدمی، عبرت آموز باشد.

آثار مطالعه طبیعت

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۷ – ۱۲

۱۲ مطالعه عوامل طبیعی در حیاتبخشی به گیاهان ، موجب پذیرش معاد و پی بردن به قدرت خداوند است .

هو الذی یرسل الریح . .. فاخرجنا به من کل الثمرت کذلک نخرج الموتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۰ – ۱۳

۱۳ – مطالعه جهان طبیعت ، زمینه پرورش روح توحیدی و درکی ژرف از صفات خداوند است .

فانظر إلی ءاثر رحمت اللّه . .. و هو علی کلّ شیء قدیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۱ – ۹

۹ – مطالعه و تفکر در مظاهر هستی به منظور پی بردن به یک تایی آفریدگار جهان ، امری لازم است .

خلق السموت . .. و ألقی فی الأرض ... بثّ فیها من کلّ دابّه ... و أنزلنا من السماء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۹ – ۷

۷ – خداوند ، فراخوان انسان ها به مطالعه در اَسرار طبیعت ، به منظور شناخت آفریدگار

ألم تر أنّ اللّه یولج الّیل . .. و سخّر الشمس و القمر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۳۳ – ۸

۸ – مطالعه قوانین طبیعت ، زمینه ساز ره بردن انسان به قدرت الهی است .

و من ءایته الجوار . .. إنّ فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۲۰

- ۳،۴

۳ - مطالعه مظاهر طبیعت در زمین ، از راه های تحکیم مبانی توحید و خداشناسی

و فی الأرض ءایت للموقنین

برداشت یاد شده در صورتی است که <موقنین> نظر به کسانی داشته باشد که بالفعل، دارای یقین به خدا و توحیدانـد. در نتیجه مطالعه آیات تکوینی خداوند در زمین، وسیله ای برای تحکیم پایه های معرفت و یقین آنان خواهد بود.

۴ - حقانیت معاد ، دارای نشانه هایی در زمین و پهنه طبیعت *

و فی الأرض ءایت للموقنین

بـا توجه به ارتبـاط این آیه با آیات پیشـین که در رابطه با معاد و حیات اخروی بود احتمال می رود که کلمه <آیات>، اشاره به نشانه های امکان معاد و حقانیت آن داشته باشد.

آثارذکر تسخیر طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۴

۴ - توجه به تسخیر طبیعت برای انسان ، حرکت کشتی در دریا و امنیت زمین از برخورد با کرات و سنگ های آسمانی ، زمینه روشنی برای ره یابی به توحید ربوبی خداوند

ألم تر أنّ اللّه سخّر. .. أن تقع علی الأرض

ابداع طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۷

۷- طبیعت ، پدیده ای است بدیع و نو که خداوند آن را بدون برگرفتن ازنمونه ای آفریده است .

ربّ السموت والأرض الذی فطرهنّ

ابزار استفاده از طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۰ - ۱۰

۱۰- لزوم توجه انسان به خدایی بودن ابزار و امکانات مورد استفاده اش در تسلط بر طبیعت

و بهرهوری از آن

کرّمنا . .. و حملنهم ... و رزقنهم ... فضّلنهم

تکرار افعال متکلم مع الغیر و اسناد کارهای انسان، به خداوند، شاید به این منظور باشد که بخواهد انسانها را متوجه خدایی بودن آنها بکند.

ارزش طبیعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱ – ۳

۳ – مظاهر طبیعت ، ارزشمند ، درس آموز و شایان مطالعه و تأمل

و الذریت ذروًا

قسم، معمولاً به شیء ارزشمند تعلق می گیرد و از آن جا که همه اشیا در برابر ذات حق یکسان اند، این ارجمندی در مقایسه با نیازها و زندگی آدمی خواهد بود. گفتنی است که سوگند، انسان را به تأمل درباره متعلقات قسم فرا می خواند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۳۲ – ۵

۵ – رتبه و مقام انسان در پیشگاه خداوند والاتر از نظام طبیعت است .

متعًا لکم

استفاده از طبیعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۳۳ – ۶

۶– همه انسان ها (مؤمن و کافر) دارای حق بهرهوری از طبیعت

الله الذی خلق . .. رزقًا لکم ... و سخّر لکم الشمس و القمر دائبین و سخّر لکم ال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۴ – ۴

۴- استفاده از مظاهر طبیعت ، برای خوراک ، پوشاک و زیورآلات مباح است .

لتأکلوا منه لحمًا طریًّا و تستخرجوا منه حلیه تلبسونها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۹ – ۱۵

-۱۵

طبیعت (کوه و صحرا) و زنبور عسل ، در خدمت انسان قرار دارند .

و أوحی ربّک إلی النحل أن اتخذی من الجبال بیوتًا . .. ثمّ کلی من کلّ الثمرت ... ف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۶۵ – ۵

۵ – استخدام طبیعت و بهره گیری از منافع آن ، حق مشروع و متساوی همه انسان ها

ألم تر أنّ اللّه سخّر لکم ما فی الأرض

رام قرار داده شدن آنچه در زمین است برای انسان، مستلزم این حقیقت است که همه انسان ها در بهره برداری از زمین و آنچه در آن است، از حق برابری برخوردار می باشند و هیچ کس حق ندارد، دیگری را از این حق باز دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۴۶ – ۱۱

۱۱ – باد ها وسیله ای برای برخوردار شدن انسان ها از مواهب مادی طبیعت است .

یرسل الریاح . .. و لتبتغوا من فضله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۲ – ۹

۹ – استفاده از مظاهر طبیعت ، برای خوراک ، پوشاک و زیور آلات ، مجاز و روا است .

و من کلٍّ تأکلون لحمًا طریًّا و تستخرجون حلیه تلبسونها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۱۳ – ۱

۱ – بهرهوری انسان از موهبت های طبیعی (کشتی و حیوانات) ، زمینه ساز توجه وی به نعمت دهنده بودن خداوند

جعل لکم من الفلک و الأنعم . .. لتستوا علی ظهوره

ثمّ تذکروا نعمه ربّکم إذا استوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۳ - ۶

۶ - لزوم توجه انسان به مالکیت مطلق خداوند بر جهان هستی و پرهیز از غفلت و غرور به هنگام بهره‌وری از طبیعت و مظاهر آن

جمیعًا منه

تذکّر خداوند به این که همه هستی از او است پس از این که جهان را مسخّر انسان یاد کرده است می رساند که انسان با حاکمیت بر جهان، زمینه غرور و غفلت از خداوند را دارد. و تأکید <جمیعاً منه> درصدد از میان بردن این غفلت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۲

۲ - انسان ، دارای حق تصرف و بهره برداری در تمام محصولات طبیعت

متعًا لکم

انسان و طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۸

۸ تسلّط انسان بر مظاهر هستی ، به خواست و مشیّت خداست .

تؤتی الملک من تشاء

<مُلک> (یعنی تسلّط) را خداوند به انسان می دهد; پس انسان هر تسلّطی که دارد از جانب خداست.

انقیاد طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ - ۹

۹ – طبیعت ، مقهور اراده خداوند و مجری فرمان او است .

فاضرب لهم طریقًا فی البحر یبسًا

<ضرب> در <اضرب لهم> به معنای ساختن و قراردادن است. فرمان ایجاد راهی خشک در دریا، فرمان به اعجاز است و از مقهور بودن دریا در برابر اراده خداوند، حکایت دارد.

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۶۳ – ۶

۶ – طبیعت و مظاهر آن ، با اذن خدا مقهور اراده بندگان خاص او است .

أن اضرب بعصاک البحر فانفلق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۲ – ۷

۷ – طبیعت ، تحت تسخیر و فرمان خداوند

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۳۰ – ۳

۳ – قوانین مادی عالم طبیعت ، مقهور اراده خداوند

و بشّروه بغلم . .. و قالت عجوز عقیم . قالوا کذلک قال ربّک

تعبیر <کذلک قال ربّک>، می رساند که عوامل طبیعی مانع اراده الهی نیست; بلکه اراده او نافذ بر هستی است.

اهمیت تحولات طبیعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۲۰ – ۵

۵ – خودداری از ایمان ، پس از مشاهده حالت های گوناگون طبیعت و تحولات زندگی بشر ، غیر قابل توجیه و شگفت آور است .

لا أقسم بالشفق . و الّیل و ما وسق . و القمر إذا اتّسق . لترکبنّ طبقًا عن طبق . ف

برداشت یاد شده، ناظر به این احتمال است که حرف <فاء>، این آیه را بر محتوای قسم و مقسمٌ به (در آیات پیشین) تفریع کرده باشد.

اهمیت تعقل در طبیعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۲ – ۱۰

۱۰– لزوم اندیشیدن در مظاهر طبیعت برای پی بردن به ماورای آن و شناخت خداوند

و سخّر لکم . .. الشمس ... إن فی ذلک لأیت

لقوم یعقلون

اهمیت تفکر در طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۱۱

۱۱- لزوم اندیشه و تفکر برای شناخت طبیعت و راهیابی از آن به خداشناسی

إن فی ذلک لأیه لقوم یتفکّرون

اهمیت مطالعه طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱ - ۳

۳ - مظاهر طبیعت ، ارزشمند ، درس آموز و شایان مطالعه و تأمل

و الذریت ذروًا

قسم، معمولاً به شیء ارزشمند تعلق می گیرد و از آن جا که همه اشیا در برابر ذات حق یکسان اند، این ارجمندی در مقایسه با نیازها و زندگی آدمی خواهد بود. گفتنی است که سوگند، انسان را به تأمل درباره متعلقات قسم فرا می خواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۳

۳ - مظاهر طبیعت ، شایان تأمل و درس آموزی است .

و النجم إذا هوی

سوگند به ستارگان، در حقیقت سوگند به مظهری از مظاهر طبیعت است که در ظهور و افول خویش برای انسان درس و پیام دارد.

تأثیرپذیری موجودات طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۱ – ۱۱

۱۱ – پدیده های طبیعی ، از هم ، تأثیر پذیری مثبت و منفی دارند .

یرسل الریاح . .. فتری الودق یخرج من خلله ... فانظر إلی ءاثر رحمت اللّه کیف یحی

تسخیر طبیعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۲۴ – ۱۰

۱۰– طبیعت ، در تسخیر مشیت و خواست خداوند است .

قد

جعل ربّک تحتک سریًّا

ممکن است اسناد فراهم آوردن نهر آب به خداوند، به این لحاظ باشد که اسباب طبیعی جز به اذن خداوند نمی توانند اثری ایجاد کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۱۳

۱۳ - رام بودن طبیعت برای انسان ، حرکت کشتی در دریا و امنیت زمین از برخورد کرات آسمانی با آن ، جلوه های رأفت و رحمت گسترده خدا به انسان

ألم تر أنّ اللّه سخّر . .. إنّ اللّه بالناس لرءوف رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۷ - ۴

۴ - نظام طبیعت ، در گردش و حیات ، مسخّر اراده و خواست خداوند است .

أنّا نسوق الماء . .. فنخرج به زرعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۲ - ۷

۷ - طبیعت ، تحت تسخیر و فرمان خداوند

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۳ - ۴

۴ - انسان ، توانا به تسخیر تمامی قوا و امکانات طبیعت در پرتو اراده الهی *

و سخّر لکم ما فی السموت و ما فی الأرض

تعبیر <سخّر لکم> ممکن است به این معنا باشد که خداوند، موجودات را مسخّر انسان قرار داده است; یعنی، انسان بالقوه

قادر است که در همه مظاهر طبیعت به نفع خویش تصرف کند.

تشبیه به طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۹

۹ - جان آدمی چونان

جهان طبیعت ، سرشار از آیات الهی و شایسته تأمل و اندیشه است .

سنریهم ءایتنا فی الأفاق و فی أنفسهم

تشویق به طبیعت شناسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۷ – ۱۰

۱۰– تشویق آدمی به شناخت طبیعت و آثار قدرت الهی ، از راه تعقل و خردورزی

و من ثمرت النخیل . .. إن فی ذلک لأیه لقوم یعقلون

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که آیه شریفه دارای لحن و آهنگی تشویق و تحریص کننده است.

تعقل در طبیعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۴ – ۱۱

۱۱ تعقّل در پدیده های طبیعی ، آدمی را به شناخت خدا و یکتایی او در تدبیر امور هستی هدایت می کند .

إن فی ذلک لأیت لقوم یعقلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۰ – ۷

۷ ترغیب خداوند به اندیشیدن در آفرینش و پدیده های آن

انّ فی خلق السّموات و الارض و اختلاف الّیل و النّهار لایات لاولی الالباب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۹ – ۲

۲ تفکر در طبیعت و افول و تغییرپذیری آن، مایه درک ناتوانی پدیده های آن برای ربوبیت است.

کوکبا . .. القمر ... الشمس بازغه ... وجهت وجهی للذی فطر السموت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۵ – ۸

۸ مطالعه در طبیعت و نظام آن، راهی برای رسیدن به توحید است.

إن الله فالق الحب

و النوی . .. ذلکم الله فأنی تؤفکون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۹ – ۱۷

۱۷ تحصیل ایمان از راه مطالعه در طبیعت نشانه علم و فهم است. *

الأیت لقوم یعلمون . .. لقوم یفقهون ... لقوم یؤمنون

در دو آیه گذشته علم و فهم به عنوان شرط بهره مندی از آیات طبیعت ذکر گردیده و در این آیه ایمان ذکر شده است. شاید ذکر ایمان در پایان این سه آیه برای اشاره به این نکته باشد که دانایان به ایمان می رسند. لذا ایمان نیز نشانه وجود آن دو زمینه در صاحبان آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۱ – ۲

۲ – تشویق خداوند به تأمل و اندیشه در جلوه های قدرت الهی در طبیعت (مانند شتر ، گاو و گوسفند)

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۳ – ۱۰

۱۰ – شناخت بهتر و ژرف تر طبیعت ، موجب شناخت بیشتر و عمیق تر خداوند است .

الذی خلق سبع سموت . .. هل تری من فطور

تغییرپذیری طبیعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۹ – ۲

۲ تفکر در طبیعت و افول و تغییرپذیری آن، مایه درک ناتوانی پدیده های آن برای ربوبیت است.

کوکبا . .. القمر ... الشمس بازغه ... وجهت وجهی للذی فطر السموت

تفکر در طبیعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹

- نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۹

۹- تفکر در تحولات طبیعت ، راهی برای خداشناسی است .

إن فی ذلک لأیه لقوم یتفکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۲۰

۲۰- تشویق و فراخوانی خداوند به تفکر و اندیشه در طبیعت برای شناخت حقایق الهی

إن فی ذلک لأیه لقوم یتفکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۱۸

۱۸ - اندیشه در آفریدگاری خداوند و ایجاد مواهب طبیعی ، عقیده توحیدی را در پی دارد .

الذی خلقکم . .. الذی جعل لکم الأرض ... فلا تجعلوا للّه أنداداً

تفریع جمله <لاـ تجعلوا . ..> به وسیله <فاء> بر حقایق بیان شده در این آیه و آیه قبل، بیانگر این است که: توجه به آنها، گرایش دهنده آدمی به توحید ربوبی است; یعنی، حال که معلوم شد خداوند خالق شماست و همو آفریننده زمین و ... است معقول نیست مثل و مانندی برای او فرض کنید.

خالق طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷ - ۱

۱- پدیده های روی زمین و مظاهر طبیعت ، آفریده های خداوند و زینت بخش زمین است .

إنّا جعلنا ما علی الأرض زینه لها

خدا شناسی در طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۳۸

۳ مظاهر گوناگون طبیعت جلوه قدرت خداوند است.

و هو الذی أنشأ جنت

۸ همگونی میوه ها در شکل و گوناگونی آنها در طعم و کیفیت، نشانی از قدرت خداوند است.

و هو

الذی . .. الزیتون و الرمان متشبها و غیر متشبه

محتمل است مراد از زیتون و انار در آیه، میوه های آن باشد. در این صورت <متشابه> یعنی تشابه میوه های زیتون با یکدیگر و همچنین انار، <و غیر متشابه> یعنی تفاوت آنها از نظر رنگ و طعم و ... در عین تشابه با یکدیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲ - ۱۰

۱۰- لزوم اندیشیدن در مظاهر طبیعت برای پی بردن به ماورای آن و شناخت خداوند

و سخّر لکم . .. الشمس ... إن فی ذلک لأیت لقوم یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۳ - ۶۸

۶- لزوم توجه به طبیعت و دقت در رنگ آمیزی های گوناگون آن ، به منظور شناخت خداوند

إن فی ذلک لأیه لقوم یذّکّرون

۸- برای هر مرتبه از اندیشه و بینش ، ابزار مناسب جهت خداشناسی در طبیعت وجود دارد .

ینبت لکم به الزرع . .. لقوم یتفکّرون . و سخّر لکم الّیل ... لقوم یعقلون . و ما

با توجه به اینکه به دنبال عبارت < الزرع و الزیتون و . ..> که اموری ساده بوده و برای نتیجه گیری فکر به تنهایی کافی است <لقوم یتفکّرون> و به دنبال تسخیر شب، روز و ... که دقت لازم دارد <لقوم یعقلون> و به دنبال تفاوت رنگها که مقدمات کلی دارد و با اندک توجهی به دست می آید <لقوم یذّکّرون> به کار برده شده است، مطلب فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۳ – ۱۰

۱۰ – شناخت بهتر و ژرف تر طبیعت ، موجب شناخت بیشتر و عمیق تر خداوند است .

الذی خلق سبع سموت . .. هل تری من فطور

خداشناسی در طبیعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۰ – ۱۲،۱۰،۵

۵ آفرینش و پدیده های آن ، از منابع و زمینه های شناخت خداوند و صفات او

انّ فی خلق السّموات و الارض و اختلاف الّیل و النّهار لایات

۱۰ صاحبان خرد ناب ، تنها دریابندگان نشانه های الهی در آفرینش

انّ فی خلق السّموات . .. لایات لاولی الالباب

آیات الهی در آفرینش وجود دارد، چه صاحب خردی باشد و یا نباشد. بنابراین <لاولی الالباب>، ناظر به بهره مندی از آن آیات است. یعنی تنها خردمندان به نشانه بودن آنها پی می برند و دیگران از آن محرومند.

۱۲ اندیشه پیراسته از آلودگی ها و ناخالصی ها ، زمینه ساز درک آیات الهی در آفرینش

انّ فی خلق السّموات . .. لایات لاولی الالباب

خداشناسی طبیعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۴ – ۹

۹ – طبیعت و جهان مادی ، آشنا با خدا و آگاه به مقام الوهیت است .

و إن منها لما یهبط من خشیه اللّه

خشیت طبیعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۴ – ۱۰

۱۰ – هراس جهان طبیعت از خداوند ، منشأی برای فعل و انفعالات آن

و إن منها لما یهبط من خشیه اللّه

خلقت طبیعت

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۵

۵- پیدایش و کارایی مظاهر طبیعت ، متّکی به مشیّت و نیروی الهی است .

و لولا إذ دخلت جنّتک قلت ما شاء اللّه لاقوّه إلاّ باللّه

دعوت به مطالعه طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۴

۴ - فراخوانی به مطالعه طبیعت ، برای پی بردن به قدرت خداوند ، و در نتیجه ، رفع تردید در امکان معاد ، روش هدایتی قرآن است .

قل سیروا فی الأرض فانظروا کیف بدأ الخلق

زمینه تحولات طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۱ - ۴

۴ - تأثیر استغفار و ایمان ، در تحولات طبیعت و واکنش جهان مادی در برابر عقاید و رفتار انسان ها

استغفروا ربّکم . .. یرسل السماء علیکم مدرارًا

زیبایی طبیعت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۱۴

۱۴- < عن أبی جعفر (ع) قال : الأثاث المتاع و أمّا رئیاً فالجمال والمنظر الحسن ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: <أثاث> به معنای متاع و <رئیاً> به معنای نیکویی و منظره زیبا است>.

زیباییهای طبیعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷ – ۱،۲

۱– پدیده های روی زمین و مظاهر طبیعت ، آفریده های خداوند و زینت بخش زمین است .

إنّا جعلنا ما علی الأرض زینه لها

۲– جلوه و زیبایی مظاهر طبیعت ، زمینه آزمایش آدمیان است .

زینه لها لنبلوهم

أيّهم أحسن عملاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۲ – ۲

۲– سمبل اشراف ، در بیان الهی ، مردی مرفّه و برخوردار از دو تاکستان و نخل هایی در اطراف و کشت زاری در میان ، اما گرفتار غرور است .

جعلنا لأحدهما جنّتین من أعنب و حففنهما بنخل و جعلنا بینهما زرعًا

<غرور> از آیات بعد استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۳ – ۲

۲– جریان نهر آب از میان باغ و کشتزار ها ، صحنه ای دل انگیز و تماشایی است .

کلتا الجنّتین ءاتت أکلها ولم تظلم منه شیئًا و فجّرنا خللهما نهرًا

شعور طبیعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۴ – ۸،۹

۸ – طبیعت و جهان مادی دارای شعور است .

و إن منها لما یهبط من خشیه اللّه

۹ – طبیعت و جهان مادی ، آشنا با خدا و آگاه به مقام الوهیت است .

و إن منها لما یهبط من خشیه اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۹ – ۷

۷- طبیعت (کوه ها ، پرندگان و . . .) دارای نوعی شعور و آگاهی به خداوند

الجبال یسبّحن و الطیر

هم آوا شدن کوه ها و پرندگان با داوود(ع) در تسبیح خداوند، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

عبرت از طبیعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۴۴ – ۴

۴ – طبیعت (گردش و جابه جایی شب

و روز و تحولات ناشی از آن و . . .) بستر مناسب برای عبرت آموزی و پندگیری

یقلّب اللّه الّیل و النهار إنّ فی ذلک لعبره لأُوْلی الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۸

۸ - طبیعت (پیدایش انواع گوناگون جانداران از جسمی مایع و . . .) ، بستر مناسب برای عبرت آموزی و پندگیری

إنّ فی ذلک لعبره لأُوْلی الأبصر . و اللّه خلق کلّ دابّه من ماء

جمله <و اللّه خلق. ..> عطف بر جمله <یقلّب اللّه اللیل...> است. این عطف می تواند به این مناسبت باشد که همان گونه که گردش و جابه جایی شب و روز مایه عبرت صاحبان بصیرت است آفرینش انواع جانداران نیز می تواند چنین تأثیری داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱ - ۳

۳ - مظاهر طبیعت ، ارزشمند ، درس آموز و شایان مطالعه و تأمل

و الذریت ذروًا

قسم، معمولاً به شیء ارزشمند تعلق می گیرد و از آن جا که همه اشیا در برابر ذات حق یکسان اند، این ارجمندی در مقایسه با نیازها و زندگی آدمی خواهد بود. گفتنی است که سوگند، انسان را به تأمل درباره متعلقات قسم فرا می خواند.

علاقه به طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۲ - ۴

۴ - دوستی مظاهر طبیعت و متاع های دنیوی ، در صورتی که در طول دوستی خدا و در جهت او باشد ، امری مشروع و پسندیده است .

إنّی أحببت حبّ الخیر

عن ذکر ربّی

برداشت یاد شده به این دلیل است که سلیمان(ع) در عین محبت به خدا، به اسب ها و سان دیدن از آنها نیز، به خاطر خدا علاقه میورزید.

عوامل مؤثر در تحولات طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۱ - ۶

۶ - عمل انسان ها ، در تحولات عالَم طبیعت ، مؤثر است .

ظهر الفساد فی البرّ و البحر بما کسبت أیدی الناس

عوامل مؤثر در طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۶ - ۷

۷ - تأثیر عقاید و رفتار انسان ها ، در تحولات طبیعت

و ألّوِاستقموا علی الطریقه لأسقینهم ماء غدقًا

فرجام زیباییهای طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸ - ۲

۲- تمامی موجودات زمین و جلوه های ظاهری آن ، محکوم به فنا و اضمحلال نهایی اند .

و إنّا لجعلون ما علیها صعیدًا جرزًا

فلسفه تبیین تحولات طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵۰ – ۳

۳ هدف از بیان پدیده های طبیعی و تحولات موجود در طبیعت در قرآن ، پندگیری و درس آموزی است .

و لقد صرّفنه بینهم لیذّکّروا

در آیه شریفه، هدف از نزول باران و تحولات مربوط به آن، پندگیری و درس آموزی شناسانده شده است. این می رساند که اصولاً ـ ذکر پدیده ها و تحولات مربوط به طبیعت در قرآن، به همین منظور است; نه این که بیان این نکته های طبیعی، خود هدف باشد.

فلسفه تحولات طبیعت

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۹ - ۴

۴ - پیدایش مراحل گوناگون در طبیعت (شفق ، تاریکی شب و نور ماه) ، نشانی از امکان تغییر و تحول در نظام حیات بشر در دنیا و آخرت

فلا أقسم . .. لترکبنّ طبقًا عن طبق

در قسم های قرآن، تناسب بین محتوای قسم و غرض از آن رعایت شده است و در این مجموعه آیات نیز برای تأکید بر تغییر حالات انسان، به تغییرات تکوینی سوگند یاد شده است.

فلسفه تسخیر طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۳ - ۷

۷ - مسخّر بودن طبیعت در جهت منافع انسان ، در بردارنده درس های توحیدی برای اهل تفکّر

اللّه الذی سخّر لکم البحر . .. و سخّر لکم ما فی السموت و ... إنّ فی ذلک لأیت ل

فلسفه خلقت طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۰ - ۵

۵ - حکمت آمیز بودن آفرینش طبیعت

و اللّه جعل لکم الأرض بساطًا . لتسلکوا منها سبلاً فجاجًا

قانونمندی طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۴

۴ پدید آمدن موجود زنده از دل مردگان و مرده از دل زندگان، قانونی مستمر در طبیعت است.

یخرج الحی من المیت و مخرج المیت من الحی

جمله <یخرج الحی>، که جمله ای است فعلیه و با فعل مضارع آغاز شده، دال بر استمرار و تجدید است. همچنین جمله دوم (مخرج المیت ...)، که به صورت اسمیه آمده، دال بر دوام

و ثبوت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۸ – ۳

۳ – زندگی انسان ها ، چونان نظام طبیعت ، وابسته به رعایت موازین و معیارها

و وضع المیزان . ألاّتطغوا فی المیزان

از ارتباط این آیه با آیات پیشین استفاده می شود: چنانچه وجود موازین در نظام جهان، عامل ثبات و پایداری آن است و بی حسابی و بی قانونی به انهدام آن منتهی می شود، زندگی انسان نیز متکی به رعایت معیارها است.

گرایش به طبیعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۲ – ۴

۴ تمایل طبیعی و غریزی انسان به بوستان ، آب ، خانه های دلپذیر و جاودانگی ، وسیله ای در جهت گرایش دادن وی به ارزش های معنوی

وعد اللّه المؤمنین و المؤمنت جنت تجری

با توجه به اینکه خداوند، همین گرایشهای طبیعی را وسیله هدایت انسانها و سوق دادن آنان به کسب ارزشها قرار داده است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۲ – ۶

۶ – بهره گیری قرآن از تمایلات طبیعی و غریزی انسان به آب ، بوستان و خانه های دلپذیر ، در جهت گرایش دادن وی به ارزش های معنوی است .

تؤمنون باللّه و رسوله . .. و یدخلکم جنّت... و مسکن طیّبه

از این که خداوند، گرایش های طبیعی انسان ها را وسیله هدایت آنان و سوق دادن آنها به کسب ارزش ها قرار داده است، براداشت بالا استفاده می شود.

متفکران و طبیعت

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۱۰

۱۰- اندیشمندان و متفکران ، دارای زمینه لازم برای درک آیت بودن مظاهر طبیعت

إن فی ذلک لأیه لقوم یتفکّرون

مطالعه تحولات طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ نگرش از سر تعقل و اندیشه به تحولات طبیعت و پدیده های آن ، شرط ره یافت به ربوبیت خداوند

ألم تر إلی ربّک کیف مدّ الظلّ . .. جعل لکم الّیل ... أرسل الریح ... أنزلنا من ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - دعوت خداوند به بصیرت و دقت نظر در تحولات طبیعی ، به منظور پی بردن به گرداننده و ایجادکننده آنها است .

أوَلم یروا أنّا نسوق الماء . .. فنخرج به زرعًا... أفلایبصرون

مطالعه طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۱۶

۱۶ - مطالعه و نگاه عمیق به طبیعت (جریان نزول باران ، چشمه سار ها و پیدایش کشت ها) ، مایه بیداری و پندگیری صاحبان عقل و خرد است .

ألم تر أنّ اللّه أنزل من السماء ماء . .. إنّ فی ذلک لذکری لأُولی الألبب

<ذکری> اسم برای <تذکیر> و <تنبیه> (بیداری و پندگیری) است و <لُبّ> (مفرد <ألباب>) به معنای عقل و خرد می باشد.

مقهوریت طبیعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۱ – ۲

۲– مظاهر طبیعت ، مقهور اراده خداوند است .

فتصبح صعیدًا زلقًا

. أو يصبح ماؤها غورًا

تبـديل شـدن باغ و كشت زار به زمينى بى حاصل و يا فرورفتن آب آن به واسـطه نزول عـذاب الهى، نشان دهنـده اين حقيقت است كه اسباب و علل طبيعى، جملگى مقهور اراده حق اند و از خود، استقلالى ندارند.

منشأ تحولات در طبيعت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ - هراس جهان طبيعت از خداوند ، منشأى براى فعل و انفعالات آن

و إن منها لما يهبط من خشيه اللّه

منشأ تحولات طبيعت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۰ - ۶

۶ اراده خداوند حاكم بر طبيعت و عوامل آن

و لقد أخذنا ءال فرعون بالسنين و نقص من الثمرت

منشأ تسخير طبيعت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۱۱،۱۲

۱۱ - دستاورد هاى بشرى در زمينه تسخير طبيعت و موجودات ، مرهون توفيق و امداد الهى است ; نه توانايى انسان .

و ما كنّا له مقرنين

<إقران> (مصدر <مقرنين>)، به معناى قدرت داشتن و توانا بودن بر چيزى است.

۱۲ - رام بودن طبيعت براى انسان ، لازمه قطعى آفرينش آنها نبوده و به تدبير خداوند صورت گرفته است .

لتستوا علی ظهوره . .. سخّر لنا هذا و ما کنّا له مقرنین

منشأ حاکمیت بر طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۰ - ۱۰

۱۰- لزوم توجه انسان به خدایی بودن ابزار و امکانات مورد استفاده اش در تسلط بر طبیعت و بهرهوری از آن

کرّمنا .

.. و حملنهم ... و رزقنهم ... فضّلنهم

تکرار افعال متکلم مع الغیر و اسناد کارهای انسان، به خداوند، شاید به این منظور باشد که بخواهد انسانها را متوجه خدایی بودن آنها بکند.

موجودات مخرب در طبیعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۱ – ۲

۲ – عالَم طبیعت ، برخوردار از عوامل طبیعی خنثی کننده و از بین برنده یکدیگر

فانظر . .. کیف یحی الأرض بعد موتها ... و لئن أرسلنا ریحًا فرأوه مصفرًّا

ناپایداری زیباییهای طبیعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸ – ۲،۳

۲– تمامی موجودات زمین و جلوه های ظاهری آن ، محکوم به فنا و اضمحلال نهایی اند .

و إنّا لجعلون ما علیها صعیدًا جرزًا

۳– زیبایی ها و جلوه های مادّی زمینی ، اموری عَرَضی ، ناپایدار و غیرقابل اتکا است .

زینه لها . .. و إنّا لجعلون ما علیها صعیدًا جرزًا

نظم طبیعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۸ – ۳

۳ – زندگی انسان ها ، چونان نظام طبیعت ، وابسته به رعایت موازین و معیارها

و وضع المیزان . ألّاتطغوا فی المیزان

از ارتباط این آیه با آیات پیشین استفاده می شود: چنانچه وجود موازین در نظام جهان، عامل ثبات و پایـداری آن است و بی حسابی و بی قانونی به انهدام آن منتهی می شود، زندگی انسان نیز متکی به رعایت معیارها است.

نعمت طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۶ - ۲

۲ - بودن در

کنار همسران خود و برخورداری از آرامش و موهبت های طبیعت ، از نعمت های الهی و دلپذیر برای همگان

فی شغل فکهون . هم و أزوجهم فی ظلل علی الأرائک متّکئون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه درصدد بیان نعمت های الهی برای اهل بهشت و تشویق مردم به ایمان برای برخوردار شدن از این نعمت ها است.

نقش زیباییهای طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷ - ۵

۵ - زینت ها و جلوه های زمین ، زمینه ساز حرکت انسان و بروز عمل او است .

إنّا جعلنا ما علی الأرض زینه لها لنبلوهم أیّهم أحسن عملاً

نقش طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴ - ۱۰

۱۰ عقل ابزاری برای شناخت ربوبیّت خدا و پدیده های طبیعی ، منبعی برای شناخت اوست .

إن فی ذلک لأیت لقوم یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۸ - ۷

۷ - طبیعت ، مقهور اراده خداوند و مجری فرمان های او است .

طریقًا فی البحر یبسًا . .. فغشیهم من الیمّ ما غشیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۵

۵ – عرصه طبیعت ، مظهر قدرت نمایی خداوند در ایجاد حیات و مرگ پدیده هااست .

کیف یبدئ اللّه الخلق ثمّ یعیده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۰ – ۳

۳ – عرصه طبیعت ، مظهر قدرت نمایی خداوند در

ایجاد پدیده ها است .

سیروا فی الأرض فانظروا کیف بدأ الخلق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۲ – ۸

۸ – مظاهر طبیعت و متاع های دنیایی ، از زمینه های غفلت انسان از یاد خدا

إنّی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۱ – ۱۳،۱۴

۱۳ – طبیعت (جریان نزول باران ، پیدایش چشمه سار ها ، رویش کشت های رنگارنگ و خشک و خرد شدن آنها) ، از جلوه های قدرت و ربوبیت خداوند است .

ألم تر أنّ اللّه أنزل من السماء ماء . .. ثمّ یجعله حطمًا إنّ فی ذلک لذکری

۱۴ – طبیعت و پدیده های موجود در زمین چون باران ، چشمه سار ها و کشت ها ، بستر مناسب برای خداشناسی

ألم تر أنّ اللّه أنزل من السماء ماء . .. ثمّ یخرج به زرعًا ... ثمّ یجعله حطمًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد نشان دادن جلوه های قدرت خداوند است. بنابراین توصیه و تشویق خداوند به مطالعه و ژرف نگری در طبیعت و پدیده های موجود در زمین، گویای برداشت یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۶ – ۲

۲ – زندگی و مرگ انسان به اراده خداوند است ; نه معلول طبیعت و روزگار .

و ما یهلکنا إلاّ الدهر . .. قل اللّه یحییکم ثمّ یمیتکم

آیه شریفه در حقیقت پاسخی به دعوی دهریین است که منکر مبدأ و معاد بودند

و در آیات پیشین به گفته آنان اشارت رفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۱۳

۱۳ - طبیعت ، بستر شناخت ماوراء طبیعت (خدا و صفات او و . . .)

اللّه الذی خلق سبع سموت و من الأرض . .. لتعلموا ...أنّ اللّه قد أحاط بکلّ شیء ع

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند، با طرح مسأله آفرینش آسمان های هفتگانه و زمین و تدبیر امور آنها، درصدد نشان دادن قدرت مطلق و علم همه جانبه الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳ - ۱۱

۱۱ - طبیعت و جهان آفرینش ، بستر خداشناسی

الذی خلق سبع سموت . .. هل تری من فطور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۴ - ۴

۴ - طبیعت ، بستر خداشناسی

خلق سبع سموت . .. ثمّ ارجع البصر کرّتین ... و هو حسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۹ - ۹

۹ - طبیعت ، بستر خداشناسی است .

أولم یروا إلی الطیر . .. ما یمسکهنّ إلاّ الرحمن إنّه بکلّ شیء بصیر

ویژگیهای خلقت طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۶

۶- طبیعت به گونه ای آفریده شده است که نیاز های انسان را به خوبی تأمین می کند .

هو الذی أنزل من السّماء ماء لکم . .. ینبت لکم

تکرار <لکم> در دو آیه، هم چنین فعل <تسیمون> جملگی دلالت

بر آن دارند که: این مجموعه برای منافع آدمی ایجاد گشته و در نتیجه با نیازهای او تناسب و هماهنگی دارد.

هماهنگی طبیعت و نیازها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۶ – ۹

۹ – هماهنگی نظام طبیعت با نیاز بشر ، گواه وجود مدبری حکیم برای آفرینش

جعلنا الّیل لیسکنوا فیه . .. إنّ فی ذلک لأیت

از این که خداوند برای شب و روز حکمت هایی را برشمرده که در خدمت منافع انسان است و پس از آن، از این امور به عنوان آیه و نشانه یاد کرده است، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۴۸ – ۲

۲ – هماهنگی نظام طبیعت با نیاز های بشر ، برنامه ریزی شده از سوی خدای توانمند و نه پدیده ای اتفاقی

و الأرض فرشنها فنعم المهدون

گسترد گی صفحه زمین و <مهد> بودن آن برای بشر، بیانگر هماهنگی نظام طبیعت بانیاز بشر به آسایش است. از این که خداوند، <فرشناها> را با ضمیر متکلم آورده، برای جلب توجه انسان به دخالت تدبیر الهی در پیدایش این هماهنگی است.

طبیعت شناسی

تشویق به طبیعت شناسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۷ – ۱۰

۱۰– تشویق آدمی به شناخت طبیعت و آثار قدرت الهی ، از راه تعقل و خردورزی

و من ثمرت النخیل . .. إن فی ذلک لأیه لقوم یعقلون

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که آیه شریفه دارای لحن و آهنگی تشویق و تحریص کننده است.

طعام از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آداب طعام

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۲ – ۸،۱۰

۸- بامداد و عصر ، وقت هایی مناسب برای غذا خوردن

و لهم رزقهم فیها بکره و عشیًّا

۱۰- < شهاب بن عبد ربّه قال : شکوت إلی أبی عبداللّه (ع) ما ألقی من الأوجاع والتخم فقال : تغدّ و تعشّ و لاتأکل بینهما شیئاً فإنّ فیه فساد البدن أما سمعت اللّه عزّوجلّ یقول : < لهم رزقهم فیها بکره و عشیّاً > ;

شهاب بن عبد ربّه گفت: خدمت امام صادق(ع) از دردها و ترش کردن غذا در معده شکایت کردم، پس حضرت فرمود: صبح و پسین غذا بخور و بین آنها چیزی نخور; زیرا خوردن غذا بین این دو وعده، موجب فساد بدن است. نشنیدی که خداوند عزّوجلّ می فرماید: لهم رزقهم فیها بکره و عشیّاً>.

استفاده از طعام اهل کتاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵ – ۳۸

۳۸ جواز استفاده از غذا های اهل کتاب مگر ذبایح آنان

و طعام الذین اوتوا الکتب حل لکم

از امام صادق(ع) روایت شده که در رد کسی که برای حلیت ذبیحه اهل کتاب به آیه فوق تمسک کرد فرمود: کان ابی یقول: انما هو الحبوب و اشباهها.

کافی، ج ۶، ص ۲۴۰، ح ۱۰; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۳، ح ۴۸.

اهمیت پاکیزگی طعام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۹ – ۲۹

۲۹- پای بندی به ارتزاق از پاکیزه ترین غذا ها ، اصلی پسندیده و مرغوب در زندگی یکتاپرستان است .

فلینظر أيّها أزكى طعامًا

تأمین طعام مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۳

۳- سخن گفتن عیسی (ع) با مادر خود و تأمین آب و غذا به صورت خارق العاده ، زمینه های مسّرت و چشم روشنی مریم (س) و رفع نگرانی او از آینده بود .

فنادیها . .. فکلی و اشربی و قرّی عینًا

<عیناً> تمییز و بیانگر مراد جدی از فاعل است و <قرّی> از ماده <قرار> (آرام گرفتن) و یا <قُرّ> (سرد شدن) است. در صورت اول جمله <قرّی عیناً>، یعنی <چشم آرمیده باش> و در صورت دوم، یعنی <خنک چشم باش> (چشمت از اشک سوزان به دور باشد) و در هر صورت، کنایه از خوش دلی و شادمانی است که چشم از نگرانی و اضطراب باز می ایستد و از سوزش اشک اندوه، مصون می ماند. ارتباط جمله <قرّی عیناً> با جملات قبل، گویای برداشت فوق است.

تنوع طعام های لذیذ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۷

۷ - وجود غذا های متنوع و لذیذ در طبیعت برای انسان ها

کلوا من الطّیّبت

به کار گیری <طّیّبات>به صورت جمع، بیانگر برداشت فوق است.

حق طعام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۸ - ۲

۲ - مسکین ، دارای سهم غذا در اموال مردم *

طعام المسکین

اضافه <طعام> به <مسکین>، بیانگر استحقاق است.

حلیّت طعام اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۱۹،۱۵،۳

۳ جواز استفاده مسلمانان از

غذا های اهل کتاب

و طعام الذین اوتوا الکتب حل لکم

۱۵ حلیت طیبات و غذا های اهل کتاب و جواز ازدواج با زنان پاکدامن آنان ، امتنان خداوند بر مسلمانان

الیوم احل لکم

علاوه بر سیاق و لحن آیه، از <لام انتفاع> در <لکم>، امتنان استفاده می شود.

۱۹ اعتقاد به خدا و رسالت انبیا ، ملاک حلیت غذای اهل کتاب و حلیت ازدواج با زنان آنان

احل لکم الطیبت و طعام الذین اوتوا الکتب . .. و المحصنت من الذین اوتوا الکتب

مراد از <الذین اتوا الکتب>، یهود و نصارا هستند، ولی از آنان به <اوتوا الکتاب> تعبیر شده تا به علت حکم اشاره داشته باشد. و مشخصه اهل کتاب در بین سایر کافران، اعتقاد به خدا و رسالت پیامبران است.

خدا و طعام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اخلاص – ۱۱۲ – ۲ – ۱۱

۱۱ – < قال الباقر (ع) حدّثنی أبی زین العابدین عن أبیه الحسین بن علی (ع) أنّه قال : الصمد الذی لا جوف له و الصمد الذی قد انتهی سُؤْدَدُه و الصمد الذی لایأکل و لایشرب و الصمد الذی لاینام و الصمد الدائم الذی لم یزل و لایزال ;

امام باقر(ع) از پدرش زین العابدین(ع) از امام حسین(ع) روایت کرده که فرمود: صمد کسی است که درون خالی ندارد. صمد کسی است که سیادت و آقایی اش، به کمال خود رسیده است. صمد کسی است که نمی خورد و نمی آشامد. صمد کسی است که خواب ندارد و صمد دائمی است که همیشه بوده و خواهدبود>.

درخواست طعام

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۳

۳ انگیزه های چهارگانه حواریون (تغذیه ، اطمینان و . . .) توجیه آنان برای درخواست نابجای نزول مائده آسمانی *

قال اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین. قالوا نرید ان نأکل منها ... من الشهدین

درخواست طعام موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - < عن أبی عبداللّه (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ حکایه عن موسی (ع) < ربّ إنّی لما أنزلت إلیّ من خیر فقیر > فقال : سأل الطعام ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ که از قول موسی(ع) حکایت کرده <ربّ إنّی لما أنزلت إلیّ من خیر فقیر> روایت شده که موسی(ع) [با این سخن]درخواست طعام کرد>.

ذخیره طعام در قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۱۹

۱۹ جواز اندوخته ساختن آذوقه برای مصارف شخصی حتی در دوران قحطی و کمبود مواد غذایی

نمیر أهلنا . .. ذلک کیل یسیر

طعام آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۸ - ۲

۲ - آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إنّ لک ألاّتجوع فیها و لاتعری

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سـخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تثنیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و

پوشاک تأمین بود.

طعام آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۱

۱ تناول از غذای آسمانی و اطمینان به توانایی خداوند از انگیزه های حواریون برای درخواست مائده آسمانی

قالوا نرید ان نأکل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

طعام اخروی اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۶ - ۱

۱ - < غسلین > (خونابه و چرک) ، تنها غذای کافران صاحب زر و زور (اصحاب الشمال) در قیامت

و لا طعام إلّا من غسلین

<غسلین> به گفته اهل لغت و مفسران به معنای آبی که از بدن های دوزخیان خارج می شود و ممکن است مقصود خونابه و چرک باشد.

طعام اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۶ - ۱

۱ - < غسلین > (خونابه و چرک) ، تنها غذای کافران صاحب زر و زور (اصحاب الشمال) در قیامت

و لا طعام إلّا من غسلین

<غسلین> به گفته اهل لغت و مفسران به معنای آبی که از بدن های دوزخیان خارج می شود و ممکن است مقصود خونابه و چرک باشد.

طعام انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸ - ۱،۴

۱- بدن پیامبران همانند دیگر انسان ها ، نیازمند به تغذیه است .

و ما جعلنهم جسدًا لایأکلون الطعام

۴- بی نیازی پیامبران از تغذیه و جاودانگی آنان در دنیا ، پندار باطل مشرکان

و ما جعلنهم

جسدًا لا يأكلون الطعام و ما كانوا خلدين

طعام اهل كتاب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۷،۳۱

۷ حليت غذاى مسلمانان براى اهل كتاب در قوانين آنان *

و طعامكم حل لهم

بنابر اينكه جمله <طعامكم حل لهم> اخبار از حكمى در شريعت آنان باشد. يعنى آنان در كتاب خود، دليلى بر حرمت غذاى شما مسلمانان ندارند.

۳۱ انكار جواز مبادله با اهل كتاب و انكار حليت طعام آنان ، كفر و موجب حبط عمل است .

و طعام الذين اوتوا الكتب حل لكم . .. و من يكفر بالايمن فقد حبط عمله

از مصاديق مورد نظر براى ايمان، معارف و احكامى است كه در آيه مورد بحث، مطرح شده است، همانند حليت طعام اهل كتاب و . .. .

طعام بنى اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۱۰

۱۰ - دسترسى قوم موسى به غذا هاى طيب و غير طيب (حلال و حرام) در پى عبورشان از دريا و دوران صحراگردى

كلوا من طيبت ما رزقنكم

آوردن كلمه <طيبات> و اضافه كردن آن به <ما رزقناكم> بيانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۲۱

۲۱ دسترسى قوم موسى به غذا هاى حلال و حرام در پى عبور از دريا

کلوا من طیبت ما رزقنکم

طعام حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۷

۷ حلیت غذای مسلمانان برای اهل کتاب در قوانین آنان *

و طعامکم حل

لهم

بنابر اینکه جمله <طعامکم حل لهم> اخبار از حکمی در شریعت آنان باشد. یعنی آنان در کتاب خود، دلیلی بر حرمت غذای شما مسلمانان ندارند.

طعام حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۸ - ۲

۲ - آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إنّ لک ألاّتجوع فیها و لاتعری

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تثنیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

طعام حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۴

۴ اطمینان به واقعی بودن مائده آسمانی انگیزه حواریون از خوردن آن مائده

قالوا نرید ان نأکل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

عطف <نطمئن> بدون <ان> بر <نأکل> می تواند بیانگر آن باشد که حواریون به این جهت خواهان خوردن از مائده بودند که به متمایز بودن آن از سحر و شعبده پی برده و واقعی بودن آن را لمس کنند.

طعام خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۷ - ۱

۱ - < غسلین > (خونابه و چرک) ، غذای مخصوص خطاپیشگان در قیامت

غسلين . لايأكله إلّا الخطون

طعام خوردن انبيا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۰ – ۱

۱ همه پيامبران الهی در

طول تاریخ ، همچون سایر مردمان ، نیازمند به تناول غذا و داد و ستد با مردم

و ما أرسلنا قبلک من المرسلین إلّا إنّهم لیأکلون الطعام و یمشون فی الأسواق

طعام در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۸ - ۱

۱ - آدم (ع) در بهشت خویش از نظر غذا و پوشاک تأمین بود .

إنّ لک ألّاتجوع فیها و لاتعری

تعبیر <إنّ لک. ..> وعده ای از جانب خداوند به آدم(ع) است و بیان خاصیت بهشت نمی باشد; زیرا خوردن از درخت ممنوع سبب شد که آدم(ع) در همین بهشت عریان شود و وعده <لاتعری> در حق او عملی نگردد.

طعام عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۱۴،۱۶

۱۴ تغذیه ، نیاز روزمره مسیح (ع) و مادرش مریم (ع)

کانا یأکلان الطعام

فعل مضارع <یأکلان> دلالت بر استمرار دارد و حاکی از نیاز دائمی آنان به غذاست.

۱۶ نیازمندی مسیح (ع) و مادرش مریم (ع) به تغذیه ، دلیلی روشن بر خدا نبودن آنها

کانا یأکلان الطعام

جمله <کانا یأکلان الطعام> برهانی علیه اعتقاد به الوهیت مسیح(ع) و مادرش مریم است ; یعنی آنها به این دلیل نمی توانند خدا باشند که گرسنه می شوند و نیاز به تغذیه و دفع فضولات آن دارند.

طعام مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۵ – ۱۲،۱۶

۱۲ توانایی زن برای نیل به درجات والای کمال و ارزش های معنوی

و امه صدیقه

۱۶

نیازمندی مسیح (ع) و مادرش مریم (ع) به تغذیه ، دلیلی روشن بر خدا نبودن آنها

کانا یأکلان الطعام

جمله <کانـا یأکلان الطعام> برهانی علیه اعتقاد به الوهیت مسیح(ع) و مادرش مریم است ; یعنی آنها به این دلیل نمی توانند خدا باشند که گرسنه می شوند و نیاز به تغذیه و دفع فضولات آن دارند.

طعام مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۶

۶ حلیت غذای مسلمانان برای اهل کتاب

و طعامکم حل لهم

طعام موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۱ - ۲،۳

۲- موسی و همسفر او ، به هنگام رسیدن به مجمع البحرین ، یک ماهی ، به عنوان غذا ، همراه داشتند .

فلمّا بلغا مجمع بینهما نسیا حوتهما

<حوت> یعنی <ماهی> و برخی آن را ماهی بزرگ معنا کرده اند. (ر.ک. لسان العرب) به قرینه <غداءنا> در آیه بعد آن ماهی، به منظور تغذیه فراهم شده بود.

۳- موسی (ع) و همسفرش هنگام رسیدن به محلِّ تلاقی دو دریا ، از ماهیِ همراه خویش ، غفلت کردند .

فلمّا بلغا مجمع بینهما نسیا حوتهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۷

۷- موسی (ع) و جوان خدمت کارِ همراه او ، در کنار هم و از یک نوع غذا می خوردند .

ءاتنا غداءنا لقد لقينا من سفرنا هذا نصبًا

ضماير جمع در تمام آيه، گوياى همراهى و همدلى دو همسفر، حتى در تناول غذا است; زيرا، در غير اين

صورت، باید برخی ضمایر را به صورت مفرد ذکر می کرد و مثلاًمی گفت <آتنی غدائی>.

طعام یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۱ - ۲،۳

۲- موسی و همسفر او ، به هنگام رسیدن به مجمع البحرین ، یک ماهی ، به عنوان غذا ، همراه داشتند .

فلمّا بلغا مجمع بینهما نسیا حوتهما

<حوت> یعنی <ماهی> و برخی آن را ماهی بزرگ معنا کرده اند. (ر.ک. لسان العرب) به قرینه <غداءنا> در آیه بعد آن ماهی، به منظور تغذیه فراهم شده بود.

۳- موسی (ع) و همسفرش هنگام رسیدن به محلّ تلاقی دو دریا ، از ماهیِ همراه خویش ، غفلت کردند .

فلمّا بلغا مجمع بینهما نسیا حوتهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۷

۷- موسی (ع) و جوان خدمت کارِ همراه او ، در کنار هم و از یک نوع غذا می خوردند .

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

ضمایر جمع در تمام آیه، گویای همراهی و همدلی دو همسفر، حتی در تناول غذا است؛ زیرا، در غیر این صورت، باید برخی ضمایر را به صورت مفرد ذکر می کرد و مثلاًمی گفت <آتنی غدائی>.

مسؤول طعام موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۶

۶- همسفر موسی (ع) عهده دار حمل و تدارک غذا بود .

قال لفتیه ءاتنا غداءنا

ملائکه و طعام ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۰

۱ -

۱ فرشتگان وارد بر ابراهیم (ع) ، دست به غذا نبردند و از آن تناول نکردند .

فلما رءآ أیدیهم لاتصل إلیه

<لاتصل إلیه> (دستشان به سوی گوساله بریان شده نمی رسید) کنایه از آن است که از غذا تناول نمی کردند.

نیاز به طعام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۱۴

۱۴ تغذیه ، نیاز روزمره مسیح (ع) و مادرش مریم (ع)

کانا یأکلان الطعام

فعل مضارع <یأکلان> دلالت بر استمرار دارد و حاکی از نیاز دائمی آنان به غذاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۸ - ۲،۳

۲ - آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إنّ لک ألاّتجوع فیها و لاتعری

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تثنیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

۳ - غذا و پوشاک از آغاز آفرینش انسان از جمله نیاز های اصلی او بوده است .

إنّ لک ألاّتجوع فیها و لاتعری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷ - ۲

۲ پیامبر (ص) همچون دیگر انسان ها ، نیازمند به غذا و مناسبات اقتصادی با مردم

مالِ هذا الرسول یأکل الطعام و یمشی فی الأسواق

وقت طعام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم

- ۱۹ - ۶۲ - ۸

۸- بامداد و عصر ، وقت هایی مناسب برای غذا خوردن

و لهم رزقهم فیها بکره و عشیًا

طعن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار طعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۱۸

۱۸ - تأثیر گزندگی زبان ، به حدّی است که ممکن است حریف را ، کاملاً مغلوب کند .

سلقوکم بألسنه حداد

طعن بر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۱۳،۱۴،۲۲،۲۳

۱۳ تشبیه وحی و سخنان پیامبر (ص) به هیاهوی چوپان ها ، طعن یهود بر دین اسلام

راعنا لیّاً بالسنتهم و طعناً فی الدین

هدف شوم یهودیان از چوپان خواندن پیامبر (ص) می تواند تشبیه دعوت و سخنان او به هیاهوی چوپانها باشد.

۱۴ به کارگیری کلمات دو پهلو و چند معنی ، شیوه برخی از یهودیان برای استهزای پیامبر (ص) و طعن بر اسلام

واسمع غیر مسمع . .. راعنا لیّاً بالسنتهم و طعناً فی الدین

کلمه <مسمع>، از مصدر اسماع، دارای دو معنای متضاد است: یکی شنیدن و فهمیدن و دیگری دشنام دادن و ناسزا گفتن. و جمله راعنا با اندکی انحراف زبان می تواند معنای <چوبان ما> را به ذهن شنونده القا کند.

۲۲ تحریفگری ، استهزا و طعن یهود نسبت به اسلام و پیامبر (ص) ، نمودی از کفر آنان

من الذين هادوا يحرّفون . .. سمعنا و عصينا ... لعنهم اللّه بكفرهم

۲۳ تحریفگری ، استهزا و طعن به اسلام و پیامبر (ص) ، نمودی از کفر

يحرّفون الكلم . .. لعنهم اللّه بكفرهم

طعن بر

مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۰ – ۷

۷ – بندگان مؤمن خدا ، همواره در معرض طعن و ریشخند کافران

و کنتم منهم تضحکون

طعن به انفاقگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۹ – ۷

۷ طعنه زدن به مؤمنان انفاقگر و استهزای آنان ، از خصلت منافقان است .

الذین یلمزون المطوّعین

طعن به دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۰ – ۷

۷– گفتار مرموز و نیشدار درباره دین ، نشانه نفاق و بیماردلی

و لتعرفنّهم فی لحن القول

<لحن القول>، به معنای آهنگ گفتار و نیز استعارات و کنایه هایی است که در بد جلوه دادن و مخدوش کردن موضوع، تأثیر دارد. خداوند، این گونه سخن گفتن را وسیله ای برای رسوایی منافقان، معرفی کرده است.

طعن به محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۸ – ۳

۳ برخورداری پیامبر (ص) از همسر و فرزند (داشتن زندگانی عادی و بشری) مورد طعن و ایراد مخالفان آن حضرت بود .

و لقد أرسلنا رسلاً من قبلك و جعلنا لهم أزوجًا و ذرّيه

لحن آیه شریفه گویای این است که حقایق مطرح شده در آن، پاسخ به اشکالها و ایرادهای مطرح شده از ناحیه مردم عصر بعثت است. جمله <و لقد أرسلنا ...> اشاره به این معنا دارد که مردم آن عصر، بعثت بشر را از ناحیه خدا پذیرا نبودند و جمله <جعلنا ...> گویای آن است که آنان زندگانی عادی

و داشتن زن و فرزند را برای پیامبر(ص) نمی پسندیدند و جمله <ما کان ...> بیانگر پندار آنان درباره لزوم توانایی پیامبر(ص) بر ارائه هر نوع معجزه است.

طعن به مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۱۲

۱۲ - منافقان مدینه ، با برطرف شدن ترس از جنگ ، با زبانی تند و گزنده ، به مسلمانان طعنه می زدند .

فإذا ذهب الخوف سلقوكم بألسنه حداد

<سلق> (مصدر <سلقوا>) به معنای <مغلوب کردن و به زمین زدن چیزی با قهر و غلبه> است (مفردات راغب). <حداد> (جمع <حدید>) به معنای <تیز> است.

طعن به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۷۸

۷ طعنه زدن به مؤمنان انفاقگر و استهزای آنان ، از خصلت منافقان است .

الذين يلمزون المطوّعين

۸ استهزای الهی نسبت به منافقانی که مؤمنان انفاقگر و ایثار کننده را طعن زده و استهزا می کردند .

سخر اللّه منهم

طعن به مؤمنان فقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۴ - ۶

۶ پیامبر(ص) موظف به دلجویی از مؤمنان فقیر و ضعیف با ابلاغ سلام و رحمت الهی به آنان در برابر طعنه های کافران

أهؤلاء منّ اللّه عليهم من بيننا . .. و إذا جاءك الذين يؤمنون بأيتنا

در آیه قبل از طعنه های کافران به مؤمنان تهیدست اطراف پیامبر(ص) سخن به میان آمده، و در این آیه از آن مؤمنان با توصیف <الذین یؤمنون . .. > یاد شده است. محور ارتباط بین این دو آیه

می تواند موضوع جبران تأثر مؤمنان باشد که در برداشت فوق به آن اشاره شده است.

طعن کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۴ - ۶

۶ پیامبر(ص) موظف به دلجویی از مؤمنان فقیر و ضعیف با ابلاغ سلام و رحمت الهی به آنان در برابر طعنه های کافران

أهؤلاء منّ اللّه علیهم من بیننا . .. و إذا جاءک الذین یؤمنون بأیتنا

در آیه قبل از طعنه های کافران به مؤمنان تهیدست اطراف پیامبر(ص) سخن به میان آمده، و در این آیه از آن مؤمنان با توصیف <الذین یؤمنون . .. > یاد شده است. محور ارتباط بین این دو آیه می تواند موضوع جبران تأثر مؤمنان باشد که در برداشت فوق به آن اشاره شده است.

طعن مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۸ - ۳۸

۳ برخورداری پیامبر (ص) از همسر و فرزند (داشتن زندگانی عادی و بشری) مورد طعن و ایراد مخالفان آن حضرت بود .

و لقد أرسلنا رسلاً من قبلک و جعلنا لهم أزوجًا و ذرّیه

لحن آیه شریفه گویای این است که حقایق مطرح شده در آن، پاسخ به اشکالها و ایرادهای مطرح شده از ناحیه مردم عصر بعثت است. جمله <و لقد أرسلنا ...> اشاره به این معنا دارد که مردم آن عصر، بعثت بشر را از ناحیه خدا پذیرا نبودند و جمله <جعلنا ...> گویای آن است که آنان زندگانی عادی و داشتن زن و فرزند را برای پیامبر(ص) نمی پسندیدند و جمله <ما کان ...> بیانگر پندار

آنان درباره لزوم توانایی پیامبر(ص) بر ارائه هر نوع معجزه است.

۸ قرآن با توجه دادن مردم به زندگانی بشری و عادی پیامبران پیشین ، طعن و ایراد مخالفان پیامبر (ص) را امری نابجا و ناموجه دانست .

و لقد أرسلنا رسلاً من قبلك و جعلنا لهم أزوجًا و ذرّيّه

طعن مشركان در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲ - ۸

۸- < عن جابربن عبدالله قال : قال رسول الله (ص) : إن ناساً من أمتی يعذبون بذنوبهم فيكونون فی النار ما شاء الله أن يكونوا ، ثم يعيرهم أهل الشرك فيقولون : ما نری ما كنتم فيه من تصديقكم نفعكم . فلايبقی موحّد إلّا أخرجه الله تعالی من النار ثم قرأرسول الله (ص) : < ربما يودّ الذين كفروا لو كانوا مسليمين > ;

جابربن عبدالله روايت كرده است كه رسول خدا(ص)فرمود: هماناگروهی از امت من به سبب گناهانشان عذاب می شوند. پس مدتی كه خدا می خواهد در آتش هستند; سپس اهل شرك آنان را سرزنش می كنند و می گويند: نمی بينيم كه ايمان شما برايتان سودی داشته است. پس هيچ موحدی نمی ماند مگر اينكه خدا او را از آتش بيرون می آورد; سپس رسول خدا(ص) اين آيه را قراءت فرمود: <ربما يود الذين كفروا لو كانوا مسلمين>.

طعن منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۸

۸ استهزای الهی نسبت به منافقانی كه مؤمنان انفاقگر و ايثار كننده را طعن زده و استهزا می كردند .

سخر اللّه

منهم

طعن منافقان مدینه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۹ – ۱۲

۱۲ – منافقان مدینه ، با برطرف شدن ترس از جنگ ، با زبانی تند و گزنده ، به مسلمانان طعنه می زدند .

فإذا ذهب الخوف سلقوکم بألسنه حداد

<سلق> (مصدر <سلقوا>) به معنای <مغلوب کردن و به زمین زدن چیزی با قهر و غلبه> است (مفردات راغب). <حداد> (جمع <حدید>) به معنای <تیز> است.

طغیان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار اجتناب از طغیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۵ – ۷

۷ پایداری بر دین ، پرهیز از طغیان گری ، تکیه نکردن بر ستمگران و اقامه نماز ، نیکوکاری و درپی دارنده اجر و پاداش الهی است .

فاستقم . .. و لاترکنوا ... أقم الصلوه ... فإن الله لایضیع أجر المحسنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۱۹ – ۵

۵$ – تزکیه و دوری از پلیدی و طغیان ، هموارسازنده راه هدایت و خشیت الهی

إنّه طغی . .. أن تزکّی . و أهدیک إلی ربّک فتخشی

– تزکیه و دوری از پلیدی و طغیان، هموارسازنده راه هدایت و خشیت الهی

آثار اخروی طغیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۴ – ۴

۴ – آرمیدن متقین در سایه بوستان ها و می گساری آنان ، در برابر محرومیت جهنمیان از خنکی و نوشیدنی ، انعکاسی از تقابل آثار طغیان گری و تقوا است .

لایذوقون فیها بردًا و لا شرابًا . .. حدائق و أعنبًا ... و

کأسًا دهاقًا

آثار طغیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۴ – ۳۶

۳۶ مفسده جویی یهود ، برخاسته از طغیان گری و کفرورزی آنان *

طغیناً و کفراً . .. و یسعون فی الارض فساداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۸ – ۱۲،۱۹

۱۲ تأثیر منفی قرآن در برخی مردمان ، برخاسته از کفرورزی و طغیانگری آنان

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

۱۹ طغیانگری ، زمینه کفرورزی و انکار حق

طغیناً و کفراً

تقدیم طغیان بر کفر می تواند بیانگر نقش طغیان در پیدایش کفر باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۵ – ۱۷

۱۷ کسی که در راه سرکشی و تجاوز به خوردن غذاهای حرام نیازمند شود، اضطرار وی رفع حرمت نمی کند.

فمن اضطر غیر باغ و لاعاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۱ – ۱۱

۱۱ طغیان و سرکشی ، نشانه بی ایمانی به روز رستاخیز

فنذر الذین لایرجون لقاءنا فی طغینهم یعمهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۰ – ۱۲

۱۲- سرکشی و تجاوز از حدود الهی ، زمینه ساز گرایش انسان به کفر است . *

یرهقهما طغینًا و کفرًا

محتمل است تقدیم طغیان بر کفر، گویای این باشد که کشانده شدن به کفر، پی آمد ابتلا به طغیان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۱ – ۱۷

۱۷

- طغیـان گری در اسـتفاده از نعمت هـا (ناسپاسـی ، اسـراف و . . .) ، زمینه ساز فرا رسـیدن غضب الهی و سـیطره یافتن آن بر انسان است .

کلوا . .. و لاتطغوا فیه فیحلّ علیکم غضبی

<یحلّ>; یعنی، <ینزل> و نزول و اقامت غضب، کنایه از استقرار کامل آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۲ - ۱۰

۱۰ - طغیان گری ، تباه کننده ایمان است .

و لاتطغوا فیه . .. و إنّی لغفّار لمن تاب و ءامن

سخن از ایمـان مجـدد پس از طغیـان گری، ممکن است برای بیان این نکته باشـد که طغیان، ایمان را از بین می برد و یا به آن آسیب جدی وارد می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۱۰

۱۰ - طغیان ، سرمستی ، فسادانگیزی ، فخرفروشی و خودنمایی ، از عوامل هلاکت و نابودی

إنّ قرون . .. فبغی ... لاتفرح ... و لاتبغ الفساد ... فخرج علی قومه فی زینته ...

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند پس از برشـمردن تعدادی از اوصاف ناپسند قارون، مسأله نابودی وی را مطرح فرمود. این نکته می رساند که اوصاف یاد شده در نابودی وی مؤثر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۰ - ۴

۴ - روح طغیان و حق ناپذیر ، از عوامل تأثیرپذیری از جریان کفر و شرک

بل کنتم قومًا طغین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات

- ۳۷ - ۳۱ - ۲

۲ - روح طغیان و حق ناپذیری ، عامل دوزخی شدن و استحقاق کیفر الهی

بل کنتم قومًا طغین . فحقّ علینا قول ربّنا إنّا لذائقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۲ - ۳

۳ - روح طغیان گری و حق ناپذیری ، زمینه ساز تأثیرپذیری از فریب اغواگران و کژی منحرف کنندگان

بل کنتم قومًا طغین . .. فأغوینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۵ - ۲،۴

۲ - طغیان ، عامل بدفرجامی است .

و إنّ للطغین لشرّ مئاب

۴ - طغیان ، ناسازگار با تقواپیشگی است و بی تقوایی نوعی طغیان می باشد .

إنّ للمتّقین لحسن مئاب . .. هذا و إنّ للطغین لشرّ مئاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۳ - ۳

۳ - موضع گیری علیه خط رهبران الهی ، بارزترین نمود طغیان و سرکشی است .

أتواصوا به بل هم قوم طاغون

برداشت بالا از آن جا است که خداوند، تنها وصفی را که برای تکذیب کنندگان پیامبران آورده، وصف طغیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۲ - ۳

۳ – ظلم و طغیان ، از عوامل هلاکت ملت ها و اقوام

و أنّه أهلك . .. و قوم نوح ... هم أظلم و أطغی

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عبارت <إنّهم کانوا هم أظلم و أطغی> در مقام تعلیل برای <أهلك> می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

– ۱۹

قلم - ۶۸ - ۳۲ - ۶

۶ - ظلم و طغیان و نپرداختن سهم بینوایان از اموال خویش ، سبب زوال نعمت ها و توبه و امید به خداوند ، زمینه ساز بازگشت آنها است .

أن لایدخلنّها الیوم علیکم مسکین . .. إنّا کنّا ظلمین ... إنّا کنّا طغین . عسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۸ - ۴

۴ - طغیان گری و گناه بی حد ، پیامد تکذیب آیات و نشانه های خداوند است .

للطّغین . .. و کذّبوا بایتنا کذّابًا

ارتباط این آیه با آیات پیشین، گویای برداشت یاد شده است. مراد از <آیاتنا>، ممکن است آیات نازل شده از سوی خداوند باشد. هم چنین می تواند علاوه بر آن، آیات و نشانه های وجود و یگانگی خداوند نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۷ - ۲

۲ - طغیان گری ، سرکشی در برابر دستورات خداوند و زیاده روی در هواپرستی ، در پی دارنده مجازات در آخرت

فأمّا من طغی

<طغیان>; یعنی، از حد گذراندن (لسان العرب). متعلق <طغی> به قرینه <من خاف مقام ربّه و نهی النفس عن الهوی> (در آیات بعد) بی اعتنایی به پروردگار و پیروی از هوای نفس است. جمله <فإنّ الجحیم هی المأوی> در آیات بعد که جزای <فأمّا> است بر مجازات اخروی دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۸ - ۳

۳ - علاقه شدید به دنیا و ترجیح آن بر آخرت ، پیامد طغیانگری و سرپیچی

از اطاعت خداوند است .

فأمّا من طغی . و ءاثر الحیوه الدنیا

ترتیبی که آیه شریفه در ذکر طغیان و دنیا طلبی به کار برده، ممکن است برخاسته از ترتّب خارجی آن دو باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۱ - ۳

۳ - بی پروایی در برابر خداوند و پیروی از هوای نفس ، مانع ورود به بهشت است .

و نهی النفس عن الهوی . فإنّ الجنّه هی المأوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۹

۹ - طغیان گری و گناه ، سیاه کننده قلب و مسدودسازنده راه درک و اعتقاد است .

کلّ معتد أثیم . .. بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۷

۷ - گناه ، طغیان گری و تکذیب قرآن و قیامت ، مانع ملاقات و قرب خداوند در قیامت است .

ما یکذّب به إلّاکلّ معتد أثیم . .. إنّهم عن ربّهم یومئذ لمحجوبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۱ - ۲،۴

۲ - گناه پیشگی و طغیان گری ، عامل گرفتاری به عذاب الهی

ألم تر کیف فعل ربّک . .. الذین طغوا فی البلد

۴ - طغیان ، عامل هلاکت قوم عاد و ثمود و زمینه ساز نابودی فرعون

ألم تر كيف فعل ربّك بعاد . .. و ثمود ... وفرعون ... الذين طغوا فى البلد

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۲

۲ - تجاوز از حریم خویش و نقض حقوق دیگران ، زمینه ساز افزایش فساد در جوامع است .

الذین طغوا . .. فأکثروا فیها الفساد

حرف <فاء> در <فأکثروا. ..>، افزایش فساد را بر طغیان (مذکور در آیه قبل) تفریع کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۱ - ۷

۷ - طغیان گری ، اصرار بر گناه و تکذیب پیام های الهی ، مایه سقوط و تباهی نفس انسان است .

و قد خاب من دسّیها . کذّبت ثمود بطغویها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۴ - ۷

۷ - حالت طغیان گری و ثروت اندوزی و احساس بی نیازی مطلق ، مایه بی پروا شدن انسان در برابر نظارت خداوند

لیطغی . أن رءاه استغنی ... ألم یعلم بأنّ اللّه یری

آثار طغیان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۲

۲۲ کفر و طغیان یهود ، زمینه دشمنی و کینه توزی آنان با یکدیگر

و لیزیدن کثیراً منهم . .. طغیناً و کفراً و القینا بینهم العدوه و البغضاء

اجتناب از طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ - ۳

۳ پایداری بر دین ، پرهیز از طغیان گری و تمایل نداشتن و تکیه نکردن بر ستمگران ، اموری نیازمند به صبرپیشگی

فاستقم کما أُمرت . .. و لاترکنوا إلی الذین ظلموا ... واصبر

ازدیاد طغیان منافقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵

۴ - طغیانگری و سرگردانی اهل نفاق ، همچنان رو به افزایش و فزونی است .

و یمدّهم فی طغینهم یعمهون

<مَدّ> (مصدر <یَمُدّ>) به معنای افزودن و نیز به معنای مهلت دادن، آمده است. برداشت فوق با توجه به معنای اول، استفاده شده است.

۵ - افزایش تحیّر و طغیان اهل نفاق ، کیفری است از جانب خدا برای آنان

یمدّهم فی طغینهم یعمهون

اعراض از طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۱ - ۲

۲ - پرهیز از طغیان گری ، ترس از حسابرسی اعمال و پذیرش آیات الهی ، مصداق تقواپیشگی است .

للطّغین . .. إنّهم کانوا لایرجون حسابًا . و کذّبوا بایتنا ... إنّ للمتّقین مف

از تقابل بین متقین و طغیان گران، دانسته می شود که منزّه بودن از صفات طغیان گران، تقواپیشگی است.

افراط در طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۶ - ۴

۴ - افراط در گناه و طغیان گری ، در کنار بهره بردن از نعمت ها و کرم الهی ، دور از انتظار و امری ناشایسته است .

کلّا إنّ الإنسن لیطغی

می توان گفت: حرف <کلاّ> ناظر به جمله های بعد است; نه آیه های قبل، زیرا زمان نزول آنها با زمان نزول این آیه و آیات پس از آن، فاصله زیادی داشته است. در این صورت مفاد <کلّا>، باز داشتن انسان از طغیان و سایر کارهایی است که تا <کلّا لئن لم تنته ...> آمده است. در نتیجه حرف <کلّا> در آن آیه نیز، تأکید این کلمه خواهد بود.

اقرار به طغیان

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۳۱ – ۲

۲ – اعتراف باغداران یمنی ، به طغیان و تجاوز از حدود الهی بر اثر نپرداختن سهم بینوایان

إنّا كنّا طغين

اهمیت اجتناب از طغیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۴ – ۱۱

۱۱ لزوم پایداری بر دین ، پرهیز از طغیان و سرکشی و تمایل نداشتن و تکیه نکردن بر ستمگران ، از مواعظ و پند های مهم خداوند است .

فاستقم كما أُمرت . .. و لاتطغوا ... و لاتركنوا إلى الذين ظلموا... ذلك ذكرى للذكر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۸ – ۱

۱ – خداوند ، خواهان سرنهادن انسان به قوانین عادلانه و به حق زندگی و سرکشی نکردن از آن

ألّاتطغوا فى الميزان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱۲ – ۹

۹ – لزوم تقواپیشگی و ضرورت پرهیز از خوی طغیان گری و ثروت اندوزی

ليطغى . أن رءاه استغنى ... أو أمر بالتّقوى

متعلق <تقوا>، ممکن است طغیان و استغنا باشد که در آیات پیشین مطرح بود.

اهمیت مبارزه با طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۱۱

۱۱- مبارزه با عوامل گسترش کفر و سرکشی و جلوگیری از رشد آنها لازم است .

فخشینا أن یرهقهما طغیًنا و کفرًا

گرچه کار خضر(ع) عملی مستند به غیب و با اطلاع از اسرار بوده است، ولی حاکی از ضرورت جلوگیری از رشد و گسترش کفر و از بین بردن

عوامل آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۱۷ – ۴

۴ – لزوم مبارزه با طغیان گری و رویارویی با ریشه های اصلی آن

اذهب . .. إنّه طغی

زمینه اجتناب از طغیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۸ – ۴

۴ – توجّه به بازگشت انسان ها به خداوند ، زمینه ترک طغیان

إنّ الإنسن لیطغی . .. إنّ إلی ربّک الرجعی

زمینه ازدیاد طغیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۴ – ۱۵

۱۵ لعنت الهی ، زمینه ساز محرومیت از معارف قرآن و ازدیاد کفر و طغیان

و لعنوا بما قالوا . .. ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

زمینه زوال طغیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۸ – ۱۰

۱۰ – یادآوری مکرر سرنوشت مخالفان پیامبران ، در راستای زدایش روحیه مخالفت و طغیان در میان انسان ها است .

فأهلکنا أشدّ منهم بطشًا و مضی مثل الأوّلین

عبارت <مضی مثل الأوّلین>، می تواند بدین معنا باشد که داستان انبیا و مخالفان ایشان، در آیات دیگری بیان شده است. ذکر <مضی مثل الأوّلین> در پایان آیه شریفه، می تواند اشاره بدین نکته باشد که: <ما مکرراً سرنوشت آنان را یادآور شدیم تا شاید شما پند گیرید>.

زمینه طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۶

۶ قدرتمداری نمرود ، زمینه ساز غرور ، کفر و طغیانگری وی

الم تر الی . ..

ان اتیه اللّه الملک

بنابراینکه جمله <ان اتیه . .. >، بیان علّت محاجّه باشد; یعنی چون ملک و سلطنت یافت، چنین و چنان کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۴ – ۱۵

۱۵ بی نیازی و رفاه ، زمینه ساز طغیان و ستیزه جویی با حق

و ما نقموا إلا أن أغنیهم اللّه و رسوله من فضله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۱ – ۱۰

۱۰ انکار روز بازپسین ، زمینه ساز طغیان و سرکشی

فنذر الذین لایرجون لقاءنا فی طغینهم یعمهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۰ – ۹

۹– فرزند ناصالح ، زمینه ساز گرایش پدر و مادر به کفر و طغیان است .

فکان أبواه مؤمنین فخشینا أن یرهقهما طغینًا و کفرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۱ – ۱۵،۱۶

۱۵ – وجود زمینه های خطرناک برای طغیان گری ، در خوردنی ها

کلوا . .. و لاتطغوا فیه

ضمیر در <فیه> ممکن است به مصدر برگرفته شده از فعل <کلوا> (یعنی <أکل>) بازگردد و ممکن است <ما> در <ما رزقناکم> به اعتبار ارتباط با فعل <کلوا> مرجع ضمیر باشد. در هر صورت می توان به برداشت یاد شده دست یافت.

۱۶ – طغیان گری در مورد نعمت های خداوند ، خطری در کمین جوامع ر ها شده از حاکمیت ستم گران

أنجینکم من عدوّکم . .. کلوا ... لاتطغوا فیه

نهی شدن بنی اسرائیل از طغیان گری، پس از عبور آنان از دریا و نجات

از ستم و حاکمیت فرعونیان مطرح شده است. طرح این مسأله در آن موقعیت، گویای وجود زمینه هایی برای طغیان گری در آن شرایط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۱۴

۱۴ خود برتربینی ، زمینه ساز خوی طغیان و تجاوزگری *

لقد استکبروا فی أنفسهم و عتو عتوًّا کبیرًا

از تقدم ذکری موضوع <استکبار> بر مسأله <طغیان و تجاوزگری>، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۸ - ۴

۴ - نعمت و رفاه فراوان ، زمینه ساز غرور و طغیان

و کم أهلکنا من قریه بطرت معیشتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۸

۸ - ثروت فراوان ، زمینه ساز طغیان و تجاوز در جامعه

و ءاتینه من الکنوز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۸

۸ - برخورداری از قدرت و توانایی سیاسی و اقتصادی ، از زمینه های طغیان ، حق گریزی و دین ستیزی

کانوا هم أشدّ منهم قوّه و ءاثارًا . .. إلی فرعون و همن و قرون فقالوا سحر کذّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۷ - ۷

۷ - جامعه متکاثر و رفاه زده ، گرفتار طغیان و سرکشی

و لو بسط اللّه الرزق لعباده لبغوا فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۱ - ۳

۳ - بخلورزی و محروم ساختن بینوایان

از اموال خویش ، طغیان و تجاوز از حدود الهی است .

أن لایدخلنّها الیوم علیکم مسکین . .. إنّا کنّا طغین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۱۸ – ۳

۳ – طغیان گری ، بازتاب نبود تزکیه و درست کاری در زندگی انسان

إنّه طغی . فقل هل لک إلی أن تزکّی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۱ – ۳

۳ – برخورداری از امکانات مادی و قدرت ، زمینه ساز طغیان و تعرض به حقوق دیگران

الذین طغوا فی البلد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۱۲ – ۵

۵ – شقاوت افزون تر ، مایه آمادگی بیشتر برای طغیان در برابر رسولان الهی و تکذیب آنان

بطغویها . إذ انبعث أشقیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۶ – ۵

۵ – دانستن و توانایی بر خواندن و نوشتن ، برای باز داشتن انسان از طغیان گری کافی نیست .

علّم بالقلم . علّم الإنسن ما لم یعلم . کلاّ إنّ الإنسن لیطغی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۷ – ۱،۲،۳

۱ - دل خوشی به ثروت زیاد ، مایه روی آوردن انسان به طغیان و شکستن حریم دیگران

أن رءاه استغنی

<أن رءاه. ..> به تقدیر لام تعلیل مفعول له و بیانگر سبب طغیان است.

۲ - احساس بی نیازی حتی در صورت کاذب بودن آن زمینه گستاخی و تجاوزگری انسان

أن رءاه استغنی

فعل <رآه> دلالت دارد که

عامل طغیان، این است که شخص خود را بی نیاز ببیند. بنابراین، درک یا توهّم بی نیازی، عامل طغیان است; نه وجود حقیقی آن.

۳ - احساس بی نیازی از خداوند ، زمینه ساز سرکشی از خواسته های او است .

ربّک الأکرم . الذی علّم ... إنّ الإنسن لیطغی . أن رءاه استغنی

آیات آغازین سوره، قرینه بر متعلق <یطغی> و <استغنی> است و نشان می دهد که طغیان در برابر خداوند و استغنا از او، از مصادیق مورد نظر آن است.

زمینه طغیان فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۸ - ۳

۳ - موسی (ع) ، جهالت مردم را پایه طغیان فرعون دانست .

یفقهوا قولی

تأکید موسی(ع) بر آگاه سازی اطرافیان فرعون در جهت مبارزه با طغیان گری او گویای این است که موسی(ع)، ریشه موفقیت فرعون را در ناآگاهی اطرافیانش می دانست.

زمینه طغیان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۲

۱۲ معارف نازل شده بر پیامبر (ص) ، موجب افزایش طغیانگری و کفرورزی بسیاری از یهودیان

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

سرزنش طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱۵

۱۵ – غرور و سرمستی ، امری مذموم در بینش الهی

إذ قال له قومه لاتفرح إنّ اللّه لایحبّ الفرحین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۱۷ – ۵

۵ – طغیان گری ، خصلتی ناروا است و

طغیان گران در تعارض با راه خدایند .

اذهب إلی فرعون إنّه طغی

طغیان آب در طوفان نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۱۱ – ۱،۶

۱ – نابودی قوم نوح ، با طغیان آب و غرق شدن

إنّا لمّا طغا الماء

این آیه درصدد بیان سرگذشت اولین قوم عقوبت شده است که در آیه قبل، بدان اشاره شده و آن قوم نوح است.

۶ – < عن علیّ بن أبی طالب (ع) قال : لم تنزل قطرةٌ من ماء إلاّ بمکیال علی یدی مَلَک إلاّ یوم نوح ، فإنّه أَذِنَ للماء دون الخُزّان ، فطغی الماءُ علی الخزّان فخرج ، فذلک قوله : < إنّا لمّا طغی الماء > . . . ;

از امام علی(ع) روایت شده که فرمود: خداوند هیچ قطره آبی را از آسمان نازل نکرده; مگر این که به دست فرشته ای پیمانه شده است (یعنی زیر نظر فرشته باران به اندازه معین باریده است); مگر روز طوفان نوح که در آن روز خداوند به خود آب مستقیماً و بدون دخالت خزانه داران اذن داد [تا جاری گردد]. پس آب بر خزینه داران طغیان نمود و خارج گردید و این است سخن خداوند: <إنّا لمّا طغا الماء>...>.

طغیان اصحاب الجنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۳۱ – ۲

۲ – اعتراف باغداران یمنی ، به طغیان و تجاوز از حدود الهی بر اثر نپرداختن سهم بینوایان

إنّا کنّا طغین

طغیان اکثریت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۶ – ۲

۲

- بیشتر انسان ها ، گرفتار طغیان و تجاوز از حدود خویش اند .

انّ الإنسن لیطغی

طغیان; یعنی، از حد گذشتن و هر چیزی را که در نافرمانی از حد و اندازه بیرون رود، <طاغی> گویند. (مصباح)

طغیان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۱،۱۳

۱۱ تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص) (آیات قرآن) موجب افزایش کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

۱۳ اهل کتاب در کفر و طغیان روز افزون به خاطر بی اعتنایی به تعالیم تورات و انجیل

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

ازدیاد کفر و طغیان اهل کتاب بر اثر نپذیرفتن قرآن، حاکی از آن است که قبل از نزول قرآن نیز آنان در کفر و طغیان بوده اند که به قرینه صدر آیه، این کفر و طغیان بر اثر مهمل گذاشتن تورات و انجیل بوده است.

طغیان ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۷ - ۶

۶ - گرفتاری به طغیان ، برای کسانی که در سایه کرم خداوند و به کمک علوم خدادادی ، به ثروت رسیده و خود را بی نیاز می بینند ، خلاف انتظار و واکنشی ناشایست در برابر نعمت های الهی است .

الأکرم . الذی علّم ... کلاّ إنّ الإنسن لیطغی . أن رءاه استغنی

طغیان حق ناپذیران مکّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۱۹،۲۰

حق ناپـذیران مکه در برابر انذار و بیم خداوند ، نه تنها تسـلیم نشدند ; بلکه جز سرکشـی و طغیان بیشتر ، چیزی بر آنها افزوده نشد .

و نخوّفهم فما یزیدهم إلاّ طغیًا

هر چند ضمیر <هم> به <الناس> برمی گردد و شامل همه مردم می شود، ولی به قرینه و <و ما یزیدهم> می توان استفاده کرد که مرجع <هم> انسانهایی اند که اصل طغیان در وجودشان هست و با مواعظ الهی تشدید می شود.

۲۰- روی آوردن حق ناپذیران مکه به سرکشی ها و جرایمی بس بزرگتر ، پس از انذار های هشدار دهنده الهی

و نخوّفهم فما یزیدهم إلاّ طغیًا کبیرًا

طغیان دریا ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۶ - ۱

۱ - دریا ها در آستانه قیامت ، لبریز شده و آب آن به اطراف سرازیر خواهد گشت .

و إذا البحار سجّرت

<سَجَر> و <سَجَّر> به معنای <مَلأَ> (پر گردانید) است. برخی <تسجیر> را به معنای <تفجیر> (روان ساختن) گرفته اند (لسـان العرب). بنـابراین <سـجّرت> که تشدیـد آن برای مبـالغه است یعنی کاملاً لبریز و به اطراف سـرازیر گشت. فرّاء گفته است: <مسـجر>; یعنی، آنچه آب آن فروکش کرده باشـد (لسـان العرب) و قاموس <مسـجور> را شـعلهور شـده معنا کرده است. براساس این دو معنا، آب دریاها تبخیر شده و نابود خواهد گشت.

طغیان علیه رسولان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۲ - ۳،۵

۳ - قوم ثمود ، وادار سازنده شقی ترین فرد خود ، به طغیان در برابر فرستاده الهی

انبعث أشقیها

<انبعاث>، تأثیرپذیری از

<بعث> و ارسال دیگران است و نشان می دهد که فرد <اشقی>، از سوی دیگران تحریک شده بود. ظرف بودن <إذ انبعث...> برای آیه قبل و نیز ضمیرهای جمع در <فعقروها> و <بذنبهم> (در آیات بعد) بیانگر این است که قوم ثمود، محرک اصلی بوده اند.

۵ – شقاوت افزون تر ، مایه آمادگی بیشتر برای طغیان در برابر رسولان الهی و تکذیب آنان

بطغویها . إذ انبعث أشقیها

طغیان فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۲۵ – ۱

۱ – موسی (ع) جهت انجام رسالت خویش و بازداشتن فرعون از طغیان گری ، با دعابه درگاه خداوند ، خواهان شرح صدر خویش شد .

اذهب . .. قال ربّ اشرح لی صدری

فراخی سینه، کنایه از خویشتن داری و کنترل خود و اختیار از کف ندادن است.

طغیان قابیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۸ – ۲

۲ هابیل ، در صدد آرام نمودن روح طغیانگر قابیل

قال لاقتلنک قال . .. لئن بسطت إلی یدک لتقتلنی ما إنّا بباسط یدی إلیک

طغیانگری قابیل از تأکید در <لاقتلنک> به دست می آید و سخنان نرم و آموزنده هابیل، نشانگر تلاش وی برای نرم و آرام ساختن قابیل است.

طغیان کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۰ – ۹

۹ سرگردانی در طغیان، کیفر و پیامد حق ناپذیری کافران است.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

طغیان کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۵ –

۷ – لجاجت و تعصب کورکورانه اشراف کافر مکه و تحیر و سرگردانی آنها در طغیان و سرکشی ، علی رغم مشاهده لطف و رحمت الهی در حق ایشان

و لو رحمنهم . .. للجّوا فی طغینهم یعمهون

طغیان مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۰ – ۱۰

۱۰ خداوند مشرکان حق ناپذیر را در سرگردانی طغیانشان رها می سازد.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

طغیان مکذبان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۶ – ۶،۷

۶ خداوند منکران قرآن را در انکار و طغیانشان به حال خود ر ها می سازد .

و یذرهم فی طغینهم

۷ کفرپیشگان منکر قرآن ، مردمی متحیر و سرگردان در وادی گمراهی و طغیانگری

و یذرهم فی طغینهم یعمهون

در برداشت فوق <فی طغیانهم> متعلق به <یعمهون> گرفته شده است، <عَمَهْ> (مصدر <یعمهون>) به معنای تحیر و سرگردانی است.

طغیان منافقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵ – ۳،۸

۳ – منافقان ، مردمانی متحیر و سرگردان در وادی گمراهی و طغیانگری

یمدّهم فی طغینهم یعمهون

<عَمَه> (مصدر <یعمهون>) به معنای تحیر و سرگردانی است. <یعمهون> حال برای <هم> در <یمدّهم> می باشد. <فی طغیانهم> علاوه بر تعلقش به <یمدّهم> متعلق به <یعمهون> نیز می تواند باشد. بنابراین جمله چنین معنا می شود: خداوند بر طغیانگری منافقان، در حالی که در گمراهی و طغیان سرگردانند می افزاید.

۸ – مهلت دادن به منافقان در طغیانگری و سرگردانی ، استهزای خداوند نسبت به ایشان است .

اللّه یستهزئ بهم و یمدّهم فی

طغینهم یعمهون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: جمله <یمدّهم . ..> تفسیر وبیان جمله <اللّه یستهزئ بهم> باشد.

طغیان نمرود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۶

۶ قدرتمداری نمرود ، زمینه ساز غرور ، کفر و طغیانگری وی

الم تر الی . .. ان اتیه اللّه الملك

بنابراینکه جمله <ان اتیه . .. >، بیان علّت محاجّه باشد; یعنی چون ملك و سلطنت یافت، چنین و چنان کرد.

طغیان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۲

۲ یهود ، مردمانی طغیانگر که جز با تهدید ، در برابر حق تسلیم نمی شدند .

و رفعنا فوقهم الطور بمیثقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۲

۲ یهود ، مردمی کفرپیشه و طغیانگر علیه عیسی (ع) ، علی رغم اذعان به رسالت الهی وی

و قولهم إنّا قتلنا المسیح عیسی ابن مریم رسول اللّه

بر این مبنا که <رسول اللّه> دنباله سخن یهودیان <انا قتلنا . ..> باشد می توان گفت اعتراف آنان به رسالت عیسی اعترافی واقعی و حقیقی بوده ولی در عین حال اقرار به کشتن وی داشته و این حکایت از شدت خباثت آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۳،۱۴،۳۶

۱۳ یهودیان عصر پیامبر (ص) ، دارای پیشینه طغیانگری و کفرورزی

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

۱۴ تأثیر منفی قرآن در یهودیان

افزون بر کفر و طغیان آنان ، برخاسته از گرفتاری ایشان به لعنت الهی

و لعنوا بما قالوا . .. ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

واقع شـدن جمله <و لیزیـدن . ..> پس از بیـان پنـدار باطـل یهود و گرفتار شـدن آنان به لعنت الهی بر اثر آن، می رسانـد که ازدیاد کفر و طغیان آنان ریشه در ملعون شدن آنان و پندارهای ناروا درباره خدا، دارد.

۳۶ مفسده جویی یهود ، برخاسته از طغیان گری و کفرورزی آنان *

طغیناً و کفراً . .. و یسعون فی الارض فساداً

عوامل اجتناب از طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۶ - ۶

۶ - توجه به آفرینش انسان از خون لخته و وابستگی تمام دانش های او به خداوند ، مایه ترک طغیان است .

خلق الإنسن من علق . .. علّم الإنسن ما لم یعلم . کلاّ إنّ الإنسن لیطغی

عوامل ازدیاد طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۱

۱۱ تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص) (آیات قرآن) موجب افزایش کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

عوامل طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۳

۱۳ اهل کتاب در کفر و طغیان روز افزون به خاطر بی اعتنایی به تعالیم تورات و انجیل

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

ازدیاد کفر و طغیان اهل

کتاب بر اثر نپـذیرفتن قرآن، حاکی از آن است که قبل از نزول قرآن نیز آنان در کفر و طغیان بوده انـد که به قرینه صـدر آیه، این کفر و طغیان بر اثر مهمل گذاشتن تورات و انجیل بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۱۰

۱۰ خداوند مشرکان حق ناپذیر را در سرگردانی طغیانشان رها می سازد.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۴ - ۶

۶ - غافل بودن از حقیقت و بیم نداشتن از فرجام کردار ناروا ، طغیان گری است .

إنّه طغی . .. لعلّه یتذکّر أو یخشی

خداونـد، برای بازداشـتن فرعون از طغیان، به موسـی و هارون(ع) راه ایجاد تـذکر و خشـیت را می آموزد. بنابراین نبود این دو خصلت، مایه طغیان گری فرعون بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۹

۹ - بی اعتقادی به جهان آخرت ، مایه طغیان و سرگردانی انسان در زندگی دنیوی

و إنّ الذین لایؤمنون بالأخره . ..و لو رحمنهم ...فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۵

۵ - انکار معاد و حسابرسی قیامت ، عامل طغیان گری و مایه گرفتاری به عذاب جهنم است .

للطّغین . .. إنّهم کانوا لایرجون حسابًا

قرآن و ازدیاد طغیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۸ – ۱۱

۱۱ تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص

) (آیات قرآن) موجب افزایش کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

کیفر طغیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۲ – ۱۶

۱۶ طغیان و سرکشی در برابر خدا و گرایش به شرک و پرستش غیر خدا ، عقوبت و کیفر الهی را درپی دارد .

و لاتطغوا إنه بما تعملون بصیر

گناه طغیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۱ – ۱۹

۱۹ – طغیان در مورد نعمت های خداوند و خروج از مرز تعادل ، گناهی است بس بزرگ .

و لاتطغوا . .. و من یحلل علیه غضبی فقد هوی

غضب خداوند بر طغیان گران در مورد نعمت ها، نشانه بزرگی گناه آنان است.

مراتب طغیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۴ – ۱۸

۱۸ کفر و طغیان ، دارای مراتب

و لیزیدن کثیراً منهم . .. طغیناً و کفراً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۸ – ۱۸

۱۸ کفر و طغیان ، دارای مراتب

لیزیدن . .. طغیناً و کفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۲ - ۴

۴ - عاد و ثمود و قوم نوح ، دارای ظلم و طغیانی فزون تر از دیگر اقوام نابود شده تاریخ

إنّهم کانوا هم أظلم و أطغی

بنابراین که ضمیر <هم> به قوم عاد و ثمود و نوح باز گردد، برداشت بالا استفاده می شود.

مکذبان کیفر

طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۱ - ۵

۵ - قوم ثمود ، کیفر های طغیان را دروغ انگاشته ، تهدید های الهی را تکذیب کردند .

کذّبت ثمود بطغویها

کلمه <طغواها>، می توانـد قرینه بر مراد از <کـذّبت> باشد; یعنی، ثمودیان هشدارهای رسول الهی درباره عواقب طغیان را تکذیب می کردند.

ممانعت از طغیان فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۳ - ۲

۲ - حرکت موسی و هارون (ع) به سوی فرعون و بازداشتن او از طغیان گری ، فرمان مؤکد و مکرر خداوند به آن دو بود .

اذهب . .. اذهب أنت و أخوک ... اذهبا إلی فرعون

موارد طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۸

۸ حق ناپذیری و انکار آیات الهی، طغیان و موجب حیرت و سرگردانی است.

کما لم یؤمنوا به أول مره و نذرهم فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۶ - ۵

۵ کفر به قرآن و انکار معارف آن طغیانگری است .

و یذرهم فی طغینهم یعمهون

ضمیر <هم> در <یـذرهم> و <طغیـانهم> به منکران قرآن، که از جمله <فبأیّ حـدیث> اسـتفاده می شود، برمی گردد. بنابراین مراد از <طغیان> انکار قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۲

۱۲ شرکورزی و پرستش غیر خدا ، طغیان گری و تجاوز از حقیقت است .

و لاتطغوا

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۶

۶ تکیه بر ستمگران برای گسترش توحید و دین ، طغیان و خروج از حد و مرز تعیین شده است .

فاستقم کما أُمرت . .. لاتطغوا ... و لاترکنوا إلی الذین ظلموا

عبارت <و لاترکنوا . ..> می تواند بیانگر مصداقی از <لاتطغوا> باشد و تفسیری برای <کما أُمرت> تلقی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۵ - ۴

۴ - طغیان ، ناسازگار با تقواپیشگی است و بی تقوایی نوعی طغیان می باشد .

إنّ للمتّقین لحسن مئاب . .. هذا و إنّ للطغین لشرّ مئاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۱ - ۵

۵ - ایجاد مزاحمت برای هدایت یافتگان ، شگفت آور و نمونه ای از طغیان است .

لیطغی . .. ینهی ... أرءیت إن کان علی الهدی

تکرار <أرءیت> تأکید بر شگفتی است. <إن> حرف شرط است و جزای شرط یا آیه <ألم یعلم بأنّ اللّه یری> است و یا جمله ای محذوف نظیر <کیف یکون حال من ینهاه عن الصلاه> و یا <فما أعجب هذا> می باشد. اظهار شگفتی در صورت دوم بارزتر است. ارتباط این آیه با آیات پیشین، مصداق های طغیان را نمودارتر ساخته است.

موانع طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۳ - ۷

۷ - آیین های الهی ، ناسازگار با طغیان گری و تحمل سرکشی دیگران

اذهبا إلی فرعون إنّه طغی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲

۷ - کمی بارش در فصل نیاز انسان ها به آب ، تدبیری الهی در جهت بازداشتن آنان از سرکشی و خودبینی است .

و لو بسط اللّه الرزق لعباده لبغوا . .. ینزّل الغیث من بعد ما قنطوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ - بازتاب گناهان انسان به صورت مشکلات دنیایی ، تدبیری الهی در جهت بازداشتن انسان از سرکشی و تجاوز است .

و ما أصبکم من مصیبه فبما کسبت أیدیکم . .. و ما أنتم بمعجزین فی الأرض و ما لکم م

سیاق آیات، نشانگر بیان گونه های مختلف از یک حقیقت است; چه این که باران، غفران، ولایت و نصرت گونه هایی از روزی خداوند برای انسان ها است که از پس خشکسالی، گناه و مصیبت به انسان ارزانی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۴ - ۵

۵ - تقواپیشگی ، مانع از ظلم و طغیان و متقین مبرّا از آن

إنّا کنّا ظلمین . .. طغین ... إنّ للمتّقین

مطلب یاد شده، از مقابله متقین با <اصحاب الجنّه> که به ظلم و طغیان آلوده شده بودند استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۳

۳ - احتمال تحقّق قیامت ، کافی در ایجاد زمینه پرهیز از طغیان گری در برابر خداوند

للطّغین . .. إنّهم کانوا لایرجون حسابًا

جمله <کانوا لایرجون. ..>، دلالت دارد که طغیان گران به جهت این که حتی احتمال محاسبه اعمال را نیز منتفی می

دانستند، به طغیان گری روی آورده و به عذاب آن گرفتار شدند. مفهوم این جمله آن است که برای پرهیز از طغیان و گناه، حتی احتمال قیامت نیز کافی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۱۸ – ۹

$۹ – تزکیه و خودسازی ، از راه های پیشگیری از طغیان و کفر

إنّه طغی . فقل هل لک إلی أن تزکّی

این آیه از طرفی ناظر به آیه قبل است و راه دفع طغیان را ارائه می دهد و از سویی دیگر، ناظر به آیه بعد است و زمینه هدایت به خداوند و دوری از کفر را بیان کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۲۶ – ۶

۶ – ترس از خداوند و نگرانی از فرجام خویش ، پرهیز دهنده انسان از انکار معاد و باز دارنده او از طغیان گری و رویارویی با پیامبران

إنّ فی ذلک لعبره لمن یخشی

عبرت گرفتن از داستان فرعون، به معنای دوری از رفتار و عقاید او است که در آیات قبل نمونه های آن بیان شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۴۰ – ۱۱،۱۸

۱۱ – ترس از خداوند ، بازدارنده انسان از سرکشی در برابر او است .

فأمّا من طغی . .. و أمّا من خاف مقام ربّه

تقابل طغیان گران و خداترسان در فرجام خویش، گویای ناسازگاری خداترسی با طغیان گری است.

۱۸ – رهایی از هوای نفس ، از میان برنده روحیه طغیان گری است .

فأمّا من طغی . .. و أمّا من ... و

نهی النفس عن الهوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۸

۸ - آیات قرآن ، بازدارنده انسان از طغیان گری و گناه و راهنمای او برای ایمان به قیامت است .

و ما یکذّب به إلاّ. .. إذا تتلی علیه ءایتنا قال أسطیر الأوّلین

موانع طغیان دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۴ - ۵

۵ - عفو و اغماض الهی از گناهان بسیار ، باعث مصونیت انسان از آثار ویرانگر گناهان در دریا

أو یوبقهنّ بما کسبوا و یعف عن کثیر

ناپسندی طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۴ - ۶

۶ - طغیان گری ، خصلتی بسیار ناروا است و طغیان گران در تعارض با راه خدایند .

اذهب إلی فرعون إنّه طغی

نجات معرضان از طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۲ - ۳

۳ - پرهیزکنندگان از طغیان ، گرچه بر جهنم و کمین کنندگان در آن عبور خواهند کرد ; ولی گرفتار آن نخواهند شد . *

إنّ جهنّم کانت مرصادًا . للطّغین مابًا

چنانچه <للطاغین> متعلق به <مآباً> باشد، <مرصاداً> مطلق خواهد بود; در این صورت مفاد دو آیه این است که جهنم برای همگان <مرصاد> است; ولی <مآب> و بازگشتگاه همه نبوده و تنها طغیان گران گرفتار آن خواهند شد.

نشانه های طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۹ - ۳

۳ - جلوگیری از برپایی نماز ، شگفت آورترین نمونه

طغیان

لیطغی . .. أرءیت الذی ینهی

<أرءیت> استفهام تعجبی است. ادیبان عرب، آن را با <أخبرنی> (خبر ده مرا) به یک معنا دانسته اند. درخواست باز گو کردن خبر با آن که متکلم آن را می داند نشانه شگفتی آن است. مخاطب در <أرءیت> می تواند عموم مخاطبان باشد; گرچه فرد بارز آن پیامبر(ص) است و بنده نمازگزاری که مورد نهی قرار گرفته، بر هر نمازگزاری قابل انطباق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۲ - ۸

۸ - بی توجهی به مربیان تقوا و احساس بی نیازی از آنان ، نشان طغیان گری است .

لیطغی . إن رءاه استغنی ... ینهی . عبدًا ... أمر بالتّقوی

نگرانی از طغیان فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۵ - ۴

۴ - موسی و هارون (ع) ، از احتمال افزایش طغیان فرعون ، درپی ابلاغ دعوت الهی به او ، نگران بودند .

أو أن یطغی

خداوند در سخن با موسی(ع)، به طغیان گری فرعون تصریح کرده بود. بنابراین مراد موسی و هارون(ع) از این سخن، احتمال افزایش طغیان او است; به گونه ای که زمینه پذیرش دعوت را در او به کلی از میان ببرد.

طغیانگر

اضطرار طغیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۷

۱۷ کسی که در راه سرکشی و تجاوز به خوردن غذاهای حرام نیازمند شود، اضطرار وی رفع حرمت نمی کند.

فمن اضطر غير باغ و لاعاد

ایمان کافران طغیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۸

۸اگر مشیت خداوند تعلق گیرد کافران لجاجت پیشه و طغیانگر نیز ایمان خواهند آورد.

ما کانوا لیؤمنوا إلا أن یشاء الله

طغیانگران

{طغیانگران}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۳

۱۳ یهودیان عصر پیامبر (ص) ، دارای پیشینه طغیانگری و کفرورزی

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

آثار پیروی از طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۱ - ۴

۴ - طاغیان ، به اعتقاد پیروانشان ، عامل دوزخی شدن آنان هستند .

قالوا ربّنا من قدّم لنا هذا فزده عذابًا ضعفًا فی النار

درخواست عذاب دوچندان برای طاغیان از سوی پیروان آنان، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

احساس بی نیازی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۱ - ۶

۶ - طغیان گران ، بی اعتنا به هدایت یافته بودن نماز گزاران و گرفتار احساس بی نیازی از رهنمود های آنان

لیطغی . أن رءاه استغنی ... أرءیت إن کان علی الهدی

استهزاهای طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۳ - ۱

۱ - طاغیان ، مؤمنان را در دنیا به تمسخر و ریشخند می گرفتند .

أتّخذنهم سخریًّا

استهزای طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۲ - ۳

۳ - طغیان گران دنیاطلب ، با پرسش مکرر از زمان قیامت به استهزای آن می پرداختند .

یسئلونک

عن الساعه أيّان مرسيها

فاعل <يسئلونک>، در برداشت یاد شده <من طغی. ..> دانسته شده است. این برداشت، ناظر به احتمالی است که به قرینه <إنّما أنت منذر من یخشاها> در آیات بعد استفاده می شود; زیرا کسی که از انذار قیامت هراسی ندارد، پرسش او از زمان وقوع آن استهزایی خواهد بود.

اقرار پیروان طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۱ - ۲

۲ - اعتراف و توجه پیروان طاغیان در دوزخ ، به ربوبیت پروردگار در هنگام درخواست از او

قالوا ربّنا

امکان تزکیه طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۸ - ۱۰

$۱۰ - تزکیه و خودسازی ، حتی برای سرکشانی چون فرعون ، امکان پذیر است .

إنّه طغی . فقل هل لک إلی أن تزکّی

- تزکیه و خودسازی، حتی برای سرکشانی چون فرعون، امکان پذیر است.

اندوه بر طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۲۴

۲۴ طغیانگران و کفرپیشگان ، شایسته دلسوزی نیستند .

فلاتأس علی القوم الکفرین

اهمیت مبارزه با طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۲۴ – ۷

۷ – مبارزه با طغیان و طغیان گران و رویارویی با ریشه های اصلی آن ، لازم است .

اذهب . .. إنّه طغی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴۳ – ۵،۶

۵ – مبارزه با طغیان گری از برجسته ترین برنامه های پیامبران

اذهبا . .. إنّه طغی

۶ – لزوم مبارزه با

طغیان گران و از میان بردن ریشه های اصلی طغیان

اذهبا . .. إنّه طغی

بینش پیروان طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۰ – ۳

۳ – پیروان طاغیان ، آنان را عامل دوزخی شدن خود معرفی می کنند .

أنتم قدّمتموه لنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۱ – ۴

۴ – طاغیان ، به اعتقاد پیروانشان ، عامل دوزخی شدن آنان هستند .

قالوا ربّنا من قدّم لنا هذا فزده عذابًا ضعفًا فی النار

درخواست عذاب دوچندان برای طاغیان از سوی پیروان آنان، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

بینش طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۲ – ۵

۵ – طغیان گران در دنیا ، مؤمنان را از اشرار به حساب می آوردند .

رجالاً کنّا نعدّهم من الأشرار

بینش غلط طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۲ – ۶

۶ - پی بردن طغیان گران در دوزخ ، به نادرستی پندار خود نسبت به مؤمنان در دنیا

و قالوا ما لنا لانری رجالاً کنّا نعدّهم من الأشرار

پرسش طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۲ - ۳

۳ - طغیان گران دنیاطلب ، با پرسش مکرر از زمان قیامت به استهزای آن می پرداختند .

یسئلونک عن الساعه أیّان مرسیها

فاعل <یسئلونک>، در برداشت یاد شده <من طغی. ..> دانسته شده است. این برداشت، ناظر به احتمالی است که به قرینه <إنّما أنت منذر من یخشاها> در

آیات بعد استفاده می شود; زیرا کسی که از انذار قیامت هراسی ندارد، پرسش او از زمان وقوع آن استهزایی خواهد بود.

پیروان طغیانگران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۹ - ۳،۴،۵

۳ - طغیان گران ، از ورود پیروانشان به دوزخ ناراحت شده و آنان را مورد نکوهش و بدگویی قرار می دهند .

هذا فوج مقتحم معکم لامرحبًا بهم

<مرحباً> کلمه ای است که به هنگام خوش آمد گفتن به میهمان گفته می شود و <لا- مرحباً> ضد آن است; یعنی، این کلمه در جای نکوهش و بدگویی و از سر ناراحتی گفته می شود.

۴ - سوختن پیروان طاغیان در آتش دوزخ

إنّهم صالوا النار

۵ - سوختن پیروان طاغیان در آتش دوزخ ، سبب نکوهش شدن آنان از سوی طغیان گران می شود .

لامرحبًا بهم إنّهم صالوا النار

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که جمله <إنّهم صالوا النار> که تعلیل برای <لا مرحباً بهم> است سخن طاغیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۰ - ۳

۳ - پیروان طاغیان ، آنان را عامل دوزخی شدن خود معرفی می کنند .

أنتم قدّمتموه لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۱ - ۲،۳

۲ - اعتراف و توجه پیروان طاغیان در دوزخ ، به ربوبیت پروردگار در هنگام درخواست از او

قالوا ربّنا

۳ - طغیان گران ، مورد نفرین پیروانشان در دوزخ

قالوا ربّنا من قدّم لنا هذا فزده عذابًا ضعفًا فی النار

تبری از طغیانگران

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۰ – ۲

۲ – اعلام انزجار و تنفر پیروان طاغیان از آنان

قالوا بل أنتم لامرحبًا بکم

برداشت یاد شده از لحن آیه شریفه استفاده می شود.

تبری پیروان طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۰ – ۲

۲ – اعلام انزجار و تنفر پیروان طاغیان از آنان

قالوا بل أنتم لامرحبًا بکم

برداشت یاد شده از لحن آیه شریفه استفاده می شود.

تبرئه پیروان طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۰ – ۵

۵ – طاغیان و پیروانشان ، درصدد تبرئه خود و مقصر دانستن دیگری در دوزخی شدن آنان هستند .

قالوا بل أنتم لامرحبًا بکم أنتم قدّمتموه لنا فبئس القرار

تبرئه طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۰ – ۵

۵ – طاغیان و پیروانشان ، درصدد تبرئه خود و مقصر دانستن دیگری در دوزخی شدن آنان هستند .

قالوا بل أنتم لامرحبًا بكم أنتم قدّمتموه لنا فبئس القرار

تشنگی اخروی طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۴ – ۲

۲ – دوزخیان طغیان گر ، از تسکین عطش خود و حتی از چشیدن طعم آب ، محروم خواهند بود .

لایذوقون فیها . .. و لا شرابًا

تعجب طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۲ – ۲

۲ – اظهار تعجب و حسرت طاغیان و دوزخیان ، از ناتوانی شان در دیدن مؤمنان و جایگاه آنان

و قالوا ما

لنا لانرى رجالاً كنّا نعدّهم من الأشرار

استفهام در <ما لنا. ..> براى تعجب و تحسر است.

تكبر طغيانگران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۳ - ۴

۴ - طاغيان ، از سر غرور و تكبر ، مؤمنان و توده هاى مردم ديندار را در دنيا به حساب نمى آوردند و با چشم حقارت به آنان مى نگريستند .

أم زاغت عنهم الأبصر

برداشت ياد شده براساس احتمال دوم در تركيب آيه شريفه است; يعنى، جمله <أم زاغت. ..> عطف بر <أتّخذناهم سخريًّا> باشد. در اين صورت مفاد آن مربوط به دنيا بوده و چنين معنا مى شود: <و يا به اندازه اى حقير بودند كه چشم هاى ما آنان را نمى ديد>.

تكذيبگرى طغيانگران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۲

۲ - طغيان گران دوزخى ، حسابرسى قيامت را انكار كرده و احتمال حقانيت آن را نيز مردود مى دانستند .

إنّهم كانوا لايرجون حسابًا

نفى <اميد>، بيانگر اين است كه انكار قيامت از سوى دوزخيان، به حدى شديد بود كه آنان احتمال آن را نيز نمى دادند و حتى اندك اميدى به آن نداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۸ - ۱،۲

۱ - طغيان گران دوزخى ، آيات الهى را دروغ شمرده و بر تكذيب آن اصرار ميورزيدند .

و كذّبوا بايتنا كذّابًا

<كذّاباً> (مصدر باب <تفعيل>)، مفعول مطلقى است كه بر تأكيد دلالت دارد.

۲ - آيات معاد در ديدگاه طغيان گران ، دروغ و به دور از واقعيت است .

و كذّبوا بايتنا

کذّابًا

مراد از <آیاتنا> به قرینه <لایرجون حساباً> در آیه قبل آیاتی است که معاد را مطرح کرده بود.

توصیه به طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۲

۲ - سیاحت در زمین برای مشاهده شهر های ویران شده و مطالعه در سرنوشت و فرجام شوم ستمگران تاریخ ، توصیه خداوند به گردنکشان و حق ستیزان

أفلم یسیروا فی الأرض فتکون لهم قلوب یعقلون بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۱ - ۹

۹ - دست کشیدن از منع نمازگزاران و روی آوردن به هدایت ، توصیه خداوند به طغیان گران ثروت اندوز

لیطغی . أن رءاه استغنی ... الذی ینهی . عبدًا إذا صلّی . أرءیت إن کان علی الهدی

جمله <کان علی الهدی> ممکن است مربوط به <الذی ینهی> باشد; در این صورت مفاد آیه شریفه این است که: به من خبر ده کسی که نمازگزار را نهی می کند، اگر خود بر طریق هدایت قرار گرفته بود [آیا بهتر نبود؟]

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - نهی نکردن مردم از نماز و ترغیب کردن آنان به تقوا ، توصیه خداوند به طغیان گران ثروت اندوز

لیطغی . أن رءاه استغنی ... الذی ینهی . عبدًا إذا صلّی ... أو أمر بالتّقوی

جمله <أمر بالتقوی> ممکن است مربوط به <الذی ینهی> باشد. در این صورت مفاد آیه شریفه این خواهد بود که: به من خبر ده کسی که نمازگزار را نهی می کند، اگر [به جای

آن]مردم را به تقوا امر كند [آيا برايش بهتر نيست؟]

تهديد طغيانگران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۸ - ۳

۳ - خداوند ، كيفر دهنده طغيان گران و تهديد كننده آنان به كيفر هاى اخروى است .

ليطغى . .. إنّ إلى ربّك الرجعى

مراد از بيان بازگشت انسان ها به خداوند، توجّه دادن طغيان گران كه در آيات پيشين مطرح بودند به كيفرهاى الهى است.

تهمتهاى طغيانگران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۷

۷ - تهمت و تحقير ، از ترفند ها و ابزار هاى طاغيان و دشمنان دين ، عليه ديند‌اران و مؤمنان

رجالاً كنّا نعدّهم من الأشرار

جايگاه اخروى طغيانگران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۰ - ۷

۷ - دوزخ ، قرارگاه طغيان گران

للطغين لشرّ مئاب . .. فبئس القرار

<قرار> اسم مكان به معناى قرارگاه است.

حتميت دشمنى طغيانگران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۴ - ۱،۲

۱ - تخاصم و ستیزه جویی طاغیان در دوزخ ، امری حتمی و واقع شدنی

إنّ ذلک لحقّ تخاصم أهل النار

<حقّ> در مقابل باطل و غیر واقع به معنای راست و واقعیت دار است و مقصود از آن حتمی بودن وقوع و تحقق چنین امری در قیامت است; مثل آیه شریفه <إنّ الدین لواقع، حساب و جزا حتماً واقع می شود>، (الذاریات (۵۱) ۶۱).

۲ - تأکید خداوند ، بر وقوع تخاصم و ستیزه جویی میان طغیان گران در

دوزخ

إنّ ذلک لحقّ تخاصم أهل النار

حتمیت عذاب طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند با فرمانی تحقیرآمیز ، طغیان گران را به تحمل عذاب جهنم ملزم می سازد .

للطّغین . .. فذوقوا

حتمیت منازعه طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۴ - ۱،۲

۱ - تخاصم و ستیزه جویی طاغیان در دوزخ ، امری حتمی و واقع شدنی

إنّ ذلک لحقّ تخاصم أهل النار

<حقّ> در مقابل باطل و غیر واقع به معنای راست و واقعیت دار است و مقصود از آن حتمی بودن وقوع و تحقق چنین امری در قیامت است; مثل آیه شریفه <إنّ الدین لواقع، حساب و جزا حتماً واقع می شود>، (الذاریات (۵۱) ۶۱).

۲ - تأکید خداوند ، بر وقوع تخاصم و ستیزه جویی میان طغیان گران در دوزخ

إنّ ذلک لحقّ تخاصم أهل النار

حسرت طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۲

۲ - اظهار تعجب و حسرت طاغیان و دوزخیان ، از ناتوانی شان در دیدن مؤمنان و جایگاه آنان

و قالوا ما لنا لانرى رجالاً كنّا نعدّهم من الأشرار

استفهام در <ما لنا. ..> براى تعجب و تحسر است.

خضوع اخروى طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۲

۲ - مجرمان و گردن فرازان ، با چهره هایى ذلت بار و خاضع در برابر خداوند ، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

و عنت الوجوه للحىّ القيّوم

از معانى <عناء>

ذلیل گشتن است (مصباح). حرف <ال> در <الوجوه> جایگزین مضاف الیه است; یعنی، <وجوههم> و مراد چهره مجرمانی است که در آیات پیشین از آنان سخن گفته شده است. فعل <عنت> می رساند که فروتنی آنان نوظهور است و پیش از این در دنیا، در برابر خداوند خضوع نداشته اند.

خواسته های پیروان طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۱ - ۱

۱ - پیروان طاغیان ، از خداوند می خواهند عذاب طغیان گران را در دوزخ دوچندان کند .

قالوا ربّنا من قدّم لنا هذا فزده عذابًا ضعفًا فی النار

<ضعف> به معنای دوچندان است.

دشمنی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۴ - ۶

۶ - طغیان گری ، خصلتی بسیار ناروا است و طغیان گران در تعارض با راه خدایند .

اذهب إلی فرعون إنّه طغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۷ - ۵

۵ - طغیان گری ، خصلتی ناروا است و طغیان گران در تعارض با راه خدایند .

اذهب إلی فرعون إنّه طغی

دنیاطلبی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۸ - ۲

۲ – طغیان گران ، دنیا طلبانی هستند که آن را بر آخرت ترجیح می دهند .

من طغی . و ءاثر الحیوه الدنیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۳۹ – ۱

۱ – طغیان گران دنیاطلب ، در قیامت ، جز آتش سوزان دوزخ ، جایگاهی نخواهند داشت .

فأمّا من

طغی . .. فإنّ الجحیم هی المأوی

<مأوی>; یعنی، منزل و مکان (لسان العرب). جمله <فإنّ الجحیم هی المأوی> به دلیل وجود <ال> جنس در خبر، مفید حصر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۴۲ – ۳

۳ – طغیان گران دنیاطلب ، با پرسش مکرر از زمان قیامت به استهزای آن می پرداختند .

یسئلونک عن الساعه أیّان مرسیها

فاعل <یسئلونک>، در برداشت یاد شده <من طغی. ..> دانسته شده است. این برداشت، ناظر به احتمالی است که به قرینه <إنّما أنت منذر من یخشاها> در آیات بعد استفاده می شود; زیرا کسی که از انذار قیامت هراسی ندارد، پرسش او از زمان وقوع آن استهزایی خواهد بود.

ذلت اخروی طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۱ – ۲

۲ – مجرمان و گردن فرازان ، با چهره هایی ذلت بار و خاضع در برابر خداوند ، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

و عنت الوجوه للحیّ القیّوم

از معانی <عناء> ذلیل گشتن است (مصباح). حرف <ال> در <الوجوه> جایگزین مضاف الیه است; یعنی، <وجوههم> و مراد چهره مجرمانی است که در آیات پیشین از آنان سخن گفته شده است. فعل <عنت> می رساند که فروتنی آنان نوظهور است و پیش از این در دنیا، در برابر خداوند خضوع نداشته اند.

روش برخورد طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۲ – ۷

۷ – تهمت و تحقیر ، از ترفند ها و ابزار های طاغیان و دشمنان دین ، علیه دینداران و مؤمنان

نعدّهم من الأشرار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۳ – ۱

۱ – طاغیان ، مؤمنان را در دنیا به تمسخر و ریشخند می گرفتند .

أتّخذنهم سخريًّا

روش مبارزه با طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۲۴ – ۴

۴ – فراهم سازی مقدمات لازم در مواجهه با طغیان گران حاکم ، امری ضروری است .

ءایه أُخری . .. اذهب إلی فرعون إنّه طغی

زمینه عذاب طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۴ – ۵

۵ – طغیان کنندگان فسادگر ، در معرض افتادن به کمین خداوند و گرفتاری ناگهانی به عذاب های الهی

الذین طغوا . .. الفساد ... إنّ ربّك لبالمرصاد

سرزنش پیروان طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۹ – ۳،۵

۳ – طغیان گران ، از ورود پیروانشان به دوزخ ناراحت شده و آنان را مورد نکوهش و بدگویی قرار می دهند .

هذا فوج مقتحم معکم لامرحبًا بهم

<مرحباً> کلمه ای است که به هنگام خوش آمد گفتن به میهمان گفته می شود و <لاـ مرحباً> ضد آن است; یعنی، این کلمه در جای نکوهش و بدگویی و از سر ناراحتی گفته می شود.

۵ - سوختن پیروان طاغیان در آتش دوزخ ، سبب نکوهش شدن آنان از سوی طغیان گران می شود .

لامرحبًا بهم إنّهم صالوا النار

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که جمله <إنّهم صالوا النار> که تعلیل برای <لا مرحباً بهم> است سخن طاغیان باشد.

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۰ – ۱

۱ – پیروان طاغیان در مقابل نکوهش و بدگویی طغیان گران ، متقابلاً به بدگویی و نکوهش آنان می پردازند .

قالوا بل أنتم لامرحبًا بکم

سرزنش طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۰ – ۱

۱ – پیروان طاغیان در مقابل نکوهش و بدگویی طغیان گران ، متقابلاً به بدگویی و نکوهش آنان می پردازند .

قالوا بل أنتم لامرحبًا بکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۰ – ۱

۱ – خداوند با فرمانی تحقیرآمیز ، طغیان گران را به تحمل عذاب جهنم ملزم می سازد .

للطّغین . .. فذوقوا

سرزنشهای پیروان طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۰ – ۱

۱ – پیروان طاغیان در مقابل نکوهش و بدگویی طغیان گران ، متقابلاً به بدگویی و نکوهش آنان می پردازند .

قالوا بل أنتم لامرحبًا بکم

سرزنشهای طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۹ – ۳،۵

۳ – طغیان گران ، از ورود پیروانشان به دوزخ ناراحت شده و آنان را مورد نکوهش و بدگویی قرار می دهند .

هذا فوج مقتحم معکم لامرحبًا بهم

<مرحباً> کلمه ای است که به هنگـام خوش آمـد گفتن به میهمـان گفته می شود و <لا۔مرحباً> ضـد آن است; یعنی، این کلمه در جای نکوهش و بدگویی و از سر ناراحتی گفته می شود.

۵ – سوختن پیروان طاغیان در آتش دوزخ ، سبب

نکوهش شدن آنان از سوی طغیان گران می شود .

لامرحبًا بهم إنّهم صالوا النار

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که جمله <إنّهم صالوا النار> که تعلیل برای <لا مرحباً بهم> است سخن طاغیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۰ - ۱

۱ - پیروان طاغیان در مقابل نکوهش و بدگویی طغیان گران ، متقابلًا به بدگویی و نکوهش آنان می پردازند .

قالوا بل أنتم لامرحبًا بکم

سرگردانی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۱۱

۱۱ طغیانگران مبتلا به حیرت و سرگردانی هستند.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ طغیان گران بی ایمان به جهان آخرت ، مردمانی سرگردان و محروم از هدایت الهی اند .

فنذر الذین لایرجون لقاءنا فی طغینهم یعمهون

<عَمَه> (به معنای تحیر و سرگردانی) کنایه از محروم شدن از هدایتهای الهی است.

سیمای اخروی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۱ – ۲

۲ – مجرمان و گردن فرازان ، با چهره هایی ذلت بار و خاضع در برابر خداوند ، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

و عنت الوجوه للحیّ القیّوم

از معانی <عناء> ذلیل گشتن است (مصباح). حرف <ال> در <الوجوه> جایگزین مضاف الیه است; یعنی، <وجوههم> و مراد چهره مجرمانی است که در آیات پیشین از آنان سخن گفته شده است. فعل <عنت> می رساند که فروتنی آنان نوظهور است و پیش از

این در دنیا، در برابر خداوند خضوع نداشته اند.

شدت عذاب طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۸ – ۳

۳ – عذاب طغیان گران در دوزخ ، بسیار شدید است .

و ءاخر من شکله أزوج

برداشت یاد شده از تنوع نوشابه و غذاهای ناگوار در دوزخ به دست می آید.

شرایط مبارزه با طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۳۱ – ۵

۵ – نیرومندی و صلابت ، شرطی ضروری برای رسولان الهی و رهبران مبارزه با طغیانگران است .

أشدّد به أزری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴۳ – ۴

۴ – مبارزه با طغیان گران ، نیازمند مردانی خودساخته و فراهم آوردن مقدمات و ابزار مناسب

أوحینا إلی أُمّک . .. واصطنعتک لنفسی ... اذهبا إلی فرعون إنّه طغی

شک طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۳ – ۳

۳ – تردید طاغیان ، در علل و چرایی پیدا نکردن مؤمنان و آگاه نشدن از وضعیت آنان در قیامت

أتّخذنهم سخريًّا أم زاغت عنهم الأبصر

<أم> در جمله <أم زاغت. ..> عاطفه و متصله است و این جمله می تواند عطف بر <ما لنا لانری...> باشد. در این صورت مفاد آن مربوط به قیامت بوده و معنای آیه چنین می شود: آیا مسخره شان می کردیم [و اهل بهشت اند]یا[ـدر جهنم اند و] چشمان ما به آنان نمی افتد.

طغیانگران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص -

۳۸ - ۵۶ - ۲،۴

۲ - طغیان گران ، از دوزخیان هستند .

إنّ للطغین . .. جهنّم یصلونها

<یصلون> به معنای <یدخلون> (داخل می شوند) است.

۴ - آتش دوزخ ، بستر و آرامگاه طغیان گران

إنّ للطغین . .. جهنّم یصلونها فبئس المهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۷ - ۱

۱ - آب داغ و خونابه چرکین ، نوشابه و غذای طاغیان در دوزخ

إنّ للطغین . .. هذا فلیذوقوه حمیم و غسّاق

<حمیم> به معنای آب داغ و جوشان است و <غسّاق> در نظر برخی از اهل لغت، به معنای چرك و خون اهل دوزخ است (لسان العرب). در نگاه برخی دیگر مقصود از آن مایعی است که از پوست اهل دوزخ خارج می شود (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۰ - ۴،۷

۴ - بحث و جدل طاغیان با پیروانشان در جهنم ، درباره چرایی و سبب دوزخی شدن آنان

لامرحبًا بهم . .. قالوا بل أنتم لامرحبًا بکم أنتم قدّمتموه لنا فبئس القرار

۷ - دوزخ ، قرارگاه طغیان گران

للطغین لشرّ مئاب . .. فبئس القرار

<قرار> اسم مکان به معنای قرارگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۱ – ۳

۳ – طغیان گران ، مورد نفرین پیروانشان در دوزخ

قالوا ربّنا من قدّم لنا هذا فزده عذابًا ضعفًا فی النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۲ – ۶

۶ – پی بردن طغیان گران در دوزخ ، به نادرستی پندار خود نسبت به

مؤمنان در دنیا

و قالوا ما لنا لانری رجالاً کنّا نعدّهم من الأشرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۲ - ۲،۳

۲ - گریز از جهنم ، برای طغیان گران امکان پذیر نیست .

إنّ جهنّم کانت مرصادًا . للطّغین

<للطاغین> ممکن است به <مآب> تعلق داشته باشد و نیز می تواند متعلق به <مرصاداً> باشد. در صورت دوم مفاد آیه شریفه چنین می شود: جهنم برای طغیان گران مثل کمین است که رهایی از آن ممکن نیست. در این صورت <مآباً> نیز متعلقی نظیر <للطاغین> داشته که به دلیل وجود قرینه، ذکر آن ضرورت نداشت.

۳ - پرهیزکنندگان از طغیان ، گرچه بر جهنم و کمین کنندگان در آن عبور خواهند کرد ; ولی گرفتار آن نخواهند شد . *

إنّ جهنّم کانت مرصادًا . للطّغین مابًا

چنانچه <للطاغین> متعلق به <مآباً> باشد، <مرصاداً> مطلق خواهد بود; در این صورت مفاد دو آیه این است که جهنم برای همگان <مرصاد> است; ولی <مآب> و بازگشتگاه همه نبوده و تنها طغیان گران گرفتار آن خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۴ - ۱،۲،۳

۱ - طغیان گران در دوزخ ، از هر گونه احساس خنکی و تخفیف حرارت سوزان جهنم ، محروم خواهند بود .

لایذوقون فیها بردًا

<ذوق>; یعنی، درک مزه (مصباح)، این واژه در رابطه با اجسام به طور حقیقت و در مورد معنویات، به طور مجاز استعمال می شود. در آیه شریفه بین معنای حقیقی و مجازی آن جمع شده است; زیرا تعبیر چشیدن برای احساس سردی مجاز است. مراد از <بَرْد>

به قرینه تقابل آن با نوشیدنی هر گونه احساس سردی است; هر چند با سایه و امثال آن باشد.

۲ - دوزخیان طغیان گر ، از تسکین عطش خود و حتی از چشیدن طعم آب ، محروم خواهند بود .

لایذوقون فیها . .. و لا شرابًا

۳ - محرومیت طغیان گران از مایعات و کاهش و حرارت در جهنم ، سالیانی فراوان ادامه خواهد یافت .

لبثین فیها أحقابًا . لایذوقون فیها بردًا و لا شرابًا

چنانچه جمله <لایذوقون. ..> حال برای ضمیر <لابثین> باشد، می توان به دست آورد که درنگ دوزخیان، همراه با حالت محرومیت از سرما و آب، دائمی نیست; زیرا ممکن است کلمه <أحقاباً> در آیه قبل، به سال های محرومیت آنان نظر داشته باشد; گرچه پس از گذشت آن دوران، بقای آنان در دوزخ به شکل دیگری ادامه خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۵ - ۲

۲ - طغیان گران در دوزخ ، گرفتار عطش شدید و طاقت فرسا خواهند بود .

إلّا حمیمًا و غسّاقًا

<إلّا> برای استثنای <حمیم> و <غساق> از <شراباً> است; بنابراین دوزخیان این دو مایع را خواهند آشامید. تن دادن به این نوشیدنی ها، نشانه شدّت تشنگی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند با فرمانی تحقیرآمیز ، طغیان گران را به تحمل عذاب جهنم ملزم می سازد .

للطّغین . .. فذوقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۹ - ۱

۱ - طغیان گران دنیاطلب ، در قیامت

، جز آتش سوزان دوزخ ، جایگاهی نخواهند داشت .

فأمّا من طغی . .. فإنّ الجحیم هی المأوی

<مأوی>; یعنی، منزل و مکان (لسان العرب). جمله <فإنّ الجحیم هی المأوی> به دلیل وجود <ال> جنس در خبر، مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۲ - ۴

۴ - طغیان گران و گناه کاران ، در قیامت به جهنم و عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

ویل یومئذ للمکذّبین . .. و ما یکذّب به إلاّ کلّ معتد أثیم

طغیانگران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۳ - ۳

۳ - تردید طاغیان ، در علل و چرایی پیدا نکردن مؤمنان و آگاه نشدن از وضعیت آنان در قیامت

أتّخذنهم سخریًّا أم زاغت عنهم الأبصر

<أم> در جمله <أم زاغت. ..> عاطفه و متصله است و این جمله می تواند عطف بر <ما لنا لانری...> باشد. در این صورت مفاد آن مربوط به قیامت بوده و معنای آیه چنین می شود: آیا مسخره شان می کردیم [و اهل بهشت انـد]یا[ـدر جهنم اند و] چشمان ما به آنان نمی افتد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۷ - ۱

۱ - طغیان گران با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جهنم را حاضر خواهند یافت .

یوم یتذکّر . .. و برّزت الجحیم لمن یری . فأمّا من طغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۱

۱ - حاضران در قیامت

، به دو دسته متمایزِ طغیان گران و خداترسان دور از هوا و هوس ، تقسیم خواهند شد .

فأمّا من طغی . .. و أمّا من خاف مقام ربّه

در ترکیب آیات حاضر، گفته شده است که جمله <فإذا جاءت الطامّه الکبری> حاوی ادات شرط و فعل شرط است و تقسیم حاضران به دو دسته که از جملات <فأمّا من طغی. .. و أمّا من خاف...> استفاده می شود جزای آن است.

طغیانگران و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۵

۵ - طغیان گران در دنیا ، مؤمنان را از اشرار به حساب می آوردند .

رجالاً کنّا نعدّهم من الأشرار

طغیانگران و مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۱ - ۶

۶ - طغیان گران ، بی اعتنا به هدایت یافته بودن نماز گزاران و گرفتار احساس بی نیازی از رهنمود های آنان

لیطغی . أن رءاه استغنی ... أرءیت إن کان علی الهدی

طغیانگران و نمازگزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۱ - ۶

۶ - طغیان گران ، بی اعتنا به هدایت یافته بودن نماز گزاران و گرفتار احساس بی نیازی از رهنمود های آنان

لیطغی . أن رءاه استغنی ... أرءیت إن کان علی الهدی

عجز طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۲ – ۱

۱ – طاغیان و دوزخیان ، در جهنم از دیدن بهشتیان ناتوان خواهند بود .

و قالوا ما لنا لانری رجالاً کنّا نعدّهم من

الأشرار

مقصود از <رجال> در آیه شریفه، مؤمنان و تقواپیشگان اند که در بهشت جای دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۳ - ۲

۲ - طاغیان در دوزخ ، خود را از دیدن بهشتیان و مؤمنان ناتوان خواهند دید .

أم زاغت عنهم الأبصر

عذاب اخروی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۸ - ۳

۳ - عذاب طغیان گران در دوزخ ، بسیار شدید است .

و ءاخر من شکله أزوج

برداشت یاد شده از تنوع نوشابه و غذاهای ناگوار در دوزخ به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۲ - ۴

۴ - طغیان گران و گناه کاران ، در قیامت به جهنم و عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

ویل یومئذ للمکذّبین . .. و ما یکذّب به إلاّکلّ معتد أثیم

عذاب طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۱ - ۱

۱ - پیروان طاغیان ، از خداوند می خواهند عذاب طغیان گران را در دوزخ دوچندان کند .

قالوا ربّنا من قدّم لنا هذا فزده عذابًا ضعفًا فى النار

<ضعف> به معنای دوچندان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۳ - ۳

۳ - عذاب طغیان گرانِ مفسد ، جلوه ربوبیت خداوند و در راستای پیشبرد راه پیامبران است .

ربّک

علایق اخروی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۴

۴ - طاغیان و دوزخیان ،

مشتاق دیدن مؤمنان و مطلع گشتن از سرنوشت آنان هستند .

و قالوا ما لنا لانری رجالاً

عوامل ذلت طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۵

۵ - گناهان زبانی و عملی طغیان گران ، گرفتار سازنده آنان به کیفری ذلت آفرین

لیطغی . .. ناصیه کذبه خاطئه

<کذب> از مصداق های گناه زبانی می باشد و <خطا>، گناه عملی و یا شامل زبانی و عملی است.

فرجام اخروی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۹ - ۱

۱ - طغیان گران دنیاطلب ، در قیامت ، جز آتش سوزان دوزخ ، جایگاهی نخواهند داشت .

فأمّا من طغی . .. فإنّ الجحیم هی المأوی

<مأوی>; یعنی، منزل و مکان (لسان العرب). جمله <فإنّ الجحیم هی المأوی> به دلیل وجود <ال> جنس در خبر، مفید حصر است.

فرجام پیروان طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۹ - ۱

۱ - پیروان طاغیان ، به سرنوشت خود آنان دچار گشته و به جایگاه آنان وارد می شوند .

هذا فوج مقتحم معکم لامرحبًا بهم

<فوج> به معنای جماعت و <مقتحم> (از ماده <اقتحام>) به معنای وارد شدن در کار شدید است. گفتنی است مقصود از <فوج> به قرینه (معکم) و آیه بعد پیروان طاغیان می باشد.

فرجام شوم طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۵ - ۱

۱ - طغیانگران ، دچار فرجامی بد

هذا و إنّ للطغین لشرّ مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور

از <لشرّ مئاب> سوء عاقبت و بدفرجامی است.

فرجام طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۶ - ۴

۴ - آتش دوزخ ، بستر و آرامگاه طغیان گران

إنّ للطغین . .. جهنّم یصلونها فبئس المهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۹ - ۱

۱ - پیروان طاغیان ، به سرنوشت خود آنان دچار گشته و به جایگاه آنان وارد می شوند .

هذا فوج مقتحم معکم لامرحبًا بهم

<فوج> به معنای جماعت و <مقتحم> (از ماده <اقتحام>) به معنای وارد شدن در کار شدید است. گفتنی است مقصود از <فوج> به قرینه (معکم) و آیه بعد پیروان طاغیان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۲ - ۱

۱ - جهنم ، فرجام طغیان گران فرو رفته در گناه است .

إنّ جهنّم کانت . .. للطّغین مابًا

<طغیان>; یعنی، بی اندازه در معصیت پیش رفتن (مفردات راغب). <مآب> اسم مکان و از <أوْب> به معنای رجوع گرفته شده است و فرجام هر کس را از آن جهت مآب و مرجع گویند که خود، از پیش آن را فراهم ساخته است.

فلسفه عجز طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۳

۳ – طاغیان و دوزخیان ، در جستوجوی علل و چرایی ناتوانی شان از دیدن مؤمنان و جایگاه آنان

و قالوا ما لنا لانری رجالاً

لام در <لنا> متضمن معنای علت است و <ما لنا. ..>; یعنی، به چه علت ما نمی توانیم مؤمنان را

ببینیم؟ به سخن دیگر مقصود آیه شریفه، این نکته است که دوزخیان از علل و چرایی ناتوانی شان از دید بهشتیان پرسش می کنند; نه از خود دیدن.

کیفر اخروی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۷ - ۱

۱ - طغیان گران با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جهنم را حاضر خواهند یافت .

یوم یتذکّر . .. و برّزت الجحیم لمن یری . فأمّا من طغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۸ - ۳،۷

۳ - خداوند ، کیفر دهنده طغیان گران و تهدید کننده آنان به کیفر های اخروی است .

لیطغی . .. إنّ إلی ربّک الرجعی

مراد از بیان بازگشت انسان ها به خداوند، توجّه دادن طغیان گران که در آیات پیشین مطرح بودند به کیفرهای الهی است.

۷ - خداوند ، پیامبر (ص) را به تدبیر امور آن حضرت و مجازات اخروی مخالفان طغیان گر او ، وعده داد .

لیطغی . .. ربّک

خطاب در <ربّک>; چه ویژه پیامبر(ص) باشد و چه هر مخاطبی را شامل گردد که در نتیجه پیامبر(ص) بارزترین مصداق مورد نظر خواهد بود برداشت یاد شده استفاده می شود.

کیفر طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۸ - ۵

۵ - بازگشت انسان ها به خداوند و به کیفر رسیدن طغیان گران ، جلوه های ربوبیت خداوند و در راستای تدبیر امور انسان ها است .

ربّک

ضمیر خطاب در <ربک>، ممکن است خطاب به

هر کس باشد که سخن را می شنود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۵

۵ - گناهان زبانی و عملی طغیان گران ، گرفتار سازنده آنان به کیفری ذلت آفرین

لیطغی . .. ناصیه کذبه خاطئه

<کذب> از مصداق های گناه زبانی می باشد و <خطا>، گناه عملی و یا شامل زبانی و عملی است.

گناه طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۵

۵ - گناهان زبانی و عملی طغیان گران ، گرفتار سازنده آنان به کیفری ذلت آفرین

لیطغی . .. ناصیه کذبه خاطئه

<کذب> از مصداق های گناه زبانی می باشد و <خطا>، گناه عملی و یا شامل زبانی و عملی است.

مبارزه با طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۴ - ۵

۵ - مبارزه با طغیان گران ، از شاخص ترین برنامه های رسالت پیامبران است .

اذهب إلی فرعون إنّه طغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۷ - ۳

۳ - مبارزه با طغیان گران ، از شاخص ترین برنامه های رسالت پیامبران

اذهب إلی فرعون إنّه طغی

محرومیت اخروی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۴ - ۱،۲

۱ - طغیان گران در دوزخ ، از هر گونه احساس خنکی و تخفیف حرارت سوزان جهنم ، محروم خواهند بود .

لایذوقون فیها بردًا

<ذوق>; یعنی، درک مزه (مصباح)، این واژه در رابطه با اجسام به طور حقیقت و در مورد معنویات، به طور

مجاز استعمال می شود. در آیه شریفه بین معنای حقیقی و مجازی آن جمع شده است; زیرا تعبیر چشیدن برای احساس سردی مجاز است. مراد از <بَرْد> به قرینه تقابل آن با نوشیدنی هر گونه احساس سردی است; هر چند با سایه و امثال آن باشد.

۲ - دوزخیان طغیان گر ، از تسکین عطش خود و حتی از چشیدن طعم آب ، محروم خواهند بود .

لایذوقون فیها . .. و لا شرابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۴

۴ - محرومیت دوزخیان از هوای مطبوع و آب ، عقوبتی مناسب با انکار معاد

لایذوقون فیها بردًا و لا شرابًا . .. إنّهم کانوا لایرجون حسابًا

کیفر دوزخیان در آیات پیشین، به دو صورت نفی و اثبات بیان شده است; آنان از هوای سرد و نوشیدنی، محروم اند(نفی) و به نوشیدن <حمیم> و <غسّاق> مجبور خواهند بود(اثبات). <جزاء وفاقاً> آن را کیفری مناسب با کردار آنان که آن هم به صورت نفی و اثبات بوده بیان کرده است; آنها معاد را باور نداشتند(نفی) و آیات خدا را تکذیب می کردند(اثبات). آیه <جزاء وفاقاً> دلالت دارد که محرومیت، کیفری مناسب با بی اعتقادی است و نوشیدن مایع داغ و چرکین، کیفر مناسب تکذیب است.

محرومیت طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ طغیان گران بی ایمان به جهان آخرت ، مردمانی سرگردان و محروم از هدایت الهی اند .

فنذر الذین لایرجون لقاءنا فی طغینهم یعمهون

<عَمَه> (به معنای تحیر و سرگردانی) کنایه از محروم

شدن از هدایتهای الهی است.

مخالفت طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۵ - ۳

۳ - طاغیان ، در صف مخالف تقواپیشگان اند .

إنّ للمتّقین لحسن مئاب . .. هذا و إنّ للطغین لشرّ مئاب

<هذا> اشاره به سرنوشت خوب متقین است. بر این اساس پیام آیه شریفه می تواند چنین باشد: این سرنوشت تقواپیشگان است; اما در مقابل آنان طاغیان هستند که دچار فرجامی بدند.

مدت تشنگی اخروی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۴ - ۳

۳ - محرومیت طغیان گران از مایعات و کاهش و حرارت در جهنم ، سالیانی فراوان ادامه خواهد یافت .

لبثین فیها أحقابًا . لایذوقون فیها بردًا و لا شرابًا

چنانچه جمله <لایذوقون. ..> حال برای ضمیر <لابثین> باشد، می توان به دست آورد که درنگ دوزخیان، همراه با حالت محرومیت از سرما و آب، دائمی نیست; زیرا ممکن است کلمه <أحقاباً> در آیه قبل، به سال های محرومیت آنان نظر داشته باشد; گرچه پس از گذشت آن دوران، بقای آنان در دوزخ به شکل دیگری ادامه خواهد یافت.

مدت توقف طغیانگران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۳ - ۱

۱ - درنگ طغیان گران در جهنم ، دارای دوره هایی پیاپی و زمانی طولانی است .

لبثین فیها أحقابًا

<أحقاب>، جمع <حقب> بر وزن <فعل> است. برای <حقب> چنـدین معنا ذکر شده است; از قبیل: <دهر> و <یک سال> و <دو سال> و <هشتاد سال> (لسان العرب). مراد از <أحقاب> لزوماً زمان محدود نیست;

بلکه با آمدن هر <حُقب> در پی دیگری تا بی نهایت نیز سازگار است که در آن صورت با خلود در آتش تنافی ندارد.

مدت محرومیت اخروی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۴ - ۳

۳ - محرومیت طغیان گران از مایعات و کاهش و حرارت در جهنم ، سالیانی فراوان ادامه خواهد یافت .

لبثین فیها أحقابًا . لایذوقون فیها بردًا و لا شرابًا

چنانچه جمله <لایذوقون. ..> حال برای ضمیر <لابثین> باشد، می توان به دست آورد که درنگ دوزخیان، همراه با حالت محرومیت از سرما و آب، دائمی نیست; زیرا ممکن است کلمه <أحقاباً> در آیه قبل، به سال های محرومیت آنان نظر داشته باشد; گرچه پس از گذشت آن دوران، بقای آنان در دوزخ به شکل دیگری ادامه خواهد یافت.

مراحل عذاب طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۳ - ۲

۲ - عذاب طغیان گران و فرورفتگان در گناه ، دارای مراحل گوناگونی است .

لبثین فیها أحقابًا

<لابثین> حال برای <الطاغین> در آیه قبل است. تعدد حُقب (مرحله زمانی)، نشانگر تفاوت هر مرحله با مراحل دیگر است.

منازعه پیروان طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۰ - ۴

۴ - بحث و جدل طاغیان با پیروانشان در جهنم ، درباره چرایی و سبب دوزخی شدن آنان

لامرحبًا بهم . .. قالوا بل أنتم لامرحبًا بکم أنتم قدّمتموه لنا فبئس القرار

منازعه طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۰ - ۴

۴

- بحث و جدل طاغیان با پیروانشان در جهنم ، درباره چرایی و سبب دوزخی شدن آنان

لامرحبًا بهم . .. قالوا بل أنتم لامرحبًا بکم أنتم قدّمتموه لنا فبئس القرار

مهلت به طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵ - ۷

۷ - مهلت دادن به منافقان ، گمراهان و طغیانگران از سنت های الهی است .

و یمدّهم فی طغینهم یعمهون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: <مدّ> (مصدر یمدّ) به معنای مهلت دادن باشد. در لسان العرب آمده است: <مده فی غیه یعنی، امهله (او را مهلت داد).>

نفرین بر طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۱ - ۳

۳ - طغیان گران ، مورد نفرین پیروانشان در دوزخ

قالوا ربّنا من قدّم لنا هذا فزده عذابًا ضعفًا فی النار

نفرین پیروان طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۱ - ۳

۳ - طغیان گران ، مورد نفرین پیروانشان در دوزخ

قالوا ربّنا من قدّم لنا هذا فزده عذابًا ضعفًا فی النار

نقش پیروان طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۰ – ۵

۵ – طاغیان و پیروانشان ، درصدد تبرئه خود و مقصر دانستن دیگری در دوزخی شدن آنان هستند .

قالوا بل أنتم لامرحبًا بکم أنتم قدّمتموه لنا فبئس القرار

نقش طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۰ – ۳،۵

۳ – پیروان طاغیان ، آنان را عامل دوزخی شدن خود معرفی می کنند .

أنتم

قدّمتموه لنا

۵ – طاغیان و پیروانشان ، درصدد تبرئه خود و مقصر دانستن دیگری در دوزخی شدن آنان هستند .

قالوا بل أنتم لامرحبًا بکم أنتم قدّمتموه لنا فبئس القرار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۱ – ۴

۴ – طاغیان ، به اعتقاد پیروانشان ، عامل دوزخی شدن آنان هستند .

قالوا ربّنا من قدّم لنا هذا فزده عذابًا ضعفًا فی النار

درخواست عذاب دوچندان برای طاغیان از سوی پیروان آنان، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

نواهی طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱۹ – ۱۲

۱۲ – طغیان گران ، از سجده برای خداوند ، پرهیز داشته و دیگران را از آن نهی می کنند .

لیطغی . .. ینهی . عبدًا إذا صلّی ... و اسجد

هدایت طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۲۵ – ۳

۳ – راهنمایی و ارشاد طغیان گران و تبلیغ پیام الهی ، نیازمند شرح صدر وتحمل فراوان است .

اذهب . .. قال ربّ اشرح لی صدری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۵۴ – ۱

۱ – سلب مسؤولیت از پیامبر (ص) ، در مورد تبلیغ و هدایت کافران طغیانگر

بل هم قوم طاغون . فتولّ عنهم

هشدار به طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۱ – ۳

۳ – فرجام شوم قارون ، درس عبرتی است برای همه ثروتمندان مغرور و طغیانگر .

إنّ قارون . .. فبغی

علیهم ... فخسفنا به و بداره الأرض

هلاکت طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۳

۳ - نابود ساختن سرکشان ، جلوه ربوبیت خداوند و در راستای رشد و تعالی راه پیامبران است .

ربّک

طغیانگری

آثار طغیانگری قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۲

۲ - هلاکت قارون ، بازتاب طغیان و رفتار ظالمانه وی با مردم خویش بود .

إنّ قرون کان من قوم موسی فبغی علیهم . .. فخسفنا به و بداره الأرض

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <فخسفنا> بر <فبغی علیهم> به دست می آید.

آثار طغیانگری قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۱ - ۸

۸ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < کذّبت ثمود بطغواها > یقول الطغیان حملها علی التکذیب ;

از امام باقر(ع) درباره قول خدا <کذّبت ثمود بطغواها> روایت شده که [خداوند]می فرماید: طغیان و سرکشی، قوم ثمود را به تکذیب [صالح] کشاند>.

آثار طغیانگری قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۳ - ۳

۳ - ظلم و طغیان ، عامل نابودی شهر های قوم لوط

إنّهم کانوا هم أظلم و أطغی . و المؤتفکه أهوی

از این که در آیه قبل، قوم نوح <أظلم> و <أطغی> معرفی شده اند، اصل ظلم و طغیان برای اقوام دیگری که در این بخش آمده اند، ثابت می شود.

آثار طغیانگری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸

- ذاریات - ۵۱ - ۵۳ - ۲

۲ - روحیه طغیان و سرکشی ، ریشه اصلی مواضع همگون کافران علیه پیامبران

أتواصوا به بل هم قوم طاغون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۲ - ۴

۴ - طغیان و سرکشی ، عامل اصلی رویارویی کافران علیه پیامبر (ص) و آرزوی خاموشی پیام وحی

نتربّص به ریب المنون . .. أم هم قوم طاغون

آثار طغیانگری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۰ - ۲

۲ - پیشوایان شرک ، عامل اصلی گمراهی مشرکان را ، روح طغیان و حق ناپذیری خود آنان معرفی خواهند کرد .

بل کنتم قومًا طغین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۱

۱ - روح طغیان گری و حق ناپذیری مشرکان ، موجب مستحق بودن آنان به عذاب الهی (دوزخ) در نظر سران شرک

بل کنتم قومًا طغین . فحقّ علینا قول ربّنا إنّا لذائقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۲ - ۲

۲ - روح طغیان گری و حق ناپذیری مشرکان ، زمینه ساز تأثیرپذیری آنان از اغواگری سردمداران شرک

بل کنتم قومًا طغین . .. فأغوینکم

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <فأغویناکم> می تواند متفرع بر جمله <بل کنتم قوما طاغین> باشد; یعنی، چون شما مردم سرکشی بودید، پس ما توانستیم به اغوای شما بپردازیم.

آثار طغیانگری مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ -

۱۱ - ۲۱

۱۱ درخواست نزول ملائکه برای خویش و رؤیت خداوند از سوی منکران معاد ، برخاسته از روح طغیان و سرکشی در وجود آنان

و قال الذین لایرجون لقاءنا لولا أُنزل علینا الملئکه أو نری ربّنا لقد استکبروا ف

تبری از طغیانگری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۷ - ۲

۲ تبرّی شیطان در قیامت ، از انحرافات و طغیان گری مشرکان

قال قرینه ربّنا ما أطغیته

بنابراین که مراد از <قرین> شیطان باشد، برداشت بالا به دست می آید.

طغیانگری انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۷ - ۶

۶ - وجود زمینه های طغیان و فزون طلبی در انسان

لبغوا فی الأرض

این که رفاه و ثروت، انسان ها را به طغیان و فساد می کشد، نشانگر آن است که در انسان زمینه طغیانگری وجود دارد.

طغیانگری دشمنان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۲ - ۳

۳ - آرزومندان نابودی اسلام و پیامبر (ص) ، مردمی طغیانگر و حق ستیز

نتربّص به ريب المنون . .. أم تأمرهم أحلمهم بهذا أم هم قوم طاغون

طغيانگرى دشمنان محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۳۲ – ۳

۳ – آرزومندان نابودى اسلام و پيامبر (ص) ، مردمى طغيانگر و حق ستيز

نتربّص به ريب المنون . .. أم تأمرهم أحلمهم بهذا أم هم قوم طاغون

طغيانگرى فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۲۴ –

۱ - فرعون ، مردی طغیان گر و سرکش در برابر خداوند بود .

اذهب إلی فرعون إنّه طغی

مراد از <طغیان فرعون> به قرینه رسالت موسی(ع)، سرکشی او در برابر خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۳ - ۱

۱ - فرعون ، مردی سرکش و خدانشناس بود .

اذهبا إلی فرعون إنّه طغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۷ - ۱

۱ - فرعون زمان موسی (ع) ، مردی طغیان گر و فرو رفته در پلیدی ها و گستاخ در برابر خداوند

إلی فرعون إنّه طغی

<طغیان>; یعنی، از حد گذراندن (مصباح) و مراد از <طغیان فرعون> به قرینه <تزکّی> و <فتخشی> در آیات بعد ناپاکی فرعون و بی باکی او، در برابر خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۸ - ۲،۷

۲ - خداوند ، راهنمای موسی (ع) در شیوه برخورد با طغیان گری فرعون

إنّه طغی . فقل

۷$ - فرعون ، طغیان گری محروم از هرگونه پاکی و صلاح

هل لک إلی أن تزکّی

سؤال موسی(ع) نشان می دهد که وی در وجود فرعون، به دنبال یافتن تمایلی هر چند اندک به سوی خیر و صلاح بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۱ - ۳

$۳ - فرعون ، طغیان گری بس گمراه و بی پروا

طغی . .. و أهدیک ... فتخشی ... فکذّب

تکذیب معجزه موسی(ع)، نشانه عمق محرومیت فرعون از هدایت و خشیت است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۱ - ۱،۴

۱ - فرعون و قوم عاد و ثمود ، در ممالك و سرزمین ها ، به طغیان گری پرداخته ، در گناه فرورفتند .

الذین طغوا فی البلد

طغیان، از حد گذراندن گناه است (مقاییس اللغه) و هر چیز که از مقدار خود فراتر رود، طغیان کرده است (العین). حرف <ال> در <البلاد>، برای استغراق عرفی است و مراد تمام سرزمین هایی است که برای اقوام یاد شده، دسترسی به آن امکان پذیر بوده است و می توان گفت: اصل آن <بلادهم> بوده و حرف <ال>، جانشین ضمیر <هم> است و مراد سرزمین هایی است که در قلمرو آنان بوده است.

۴ - طغیان ، عامل هلاکت قوم عاد و ثمود و زمینه ساز نابودی فرعون

ألم تر کیف فعل ربّک بعاد . .. و ثمود ... وفرعون ... الذین طغوا فی البلد

طغیانگری قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۲،۳

۲ - قارون ، عنصری متجاوز و طغیانگر بود .

إنّ قرون کان من قوم موسی فبغی علیهم

<بَغْی> (مصدر <بغی>) به معنای ظلم و تجاوز است.

۳ - رفتار ظالمانه و تجاوزکارانه قارون علیه بنی اسرائیل ، علی رغم پیوند نژادی وی با آنان

إنّ قرون کان من قوم موسی فبغی علیهم

طغیانگری قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۱ - ۳

۳ – قوم ثمود ، مردمی ستم کار و طغیانگر

و أنّه أهلك . .. و ثموداْ ... و قوم نوح ... هم أظلم و أطغی

از این

که در آیه بعد، قوم نوح <أظلم> و <أطغی> معرفی شده اند، اصل ظلم و طغیان برای قوم ثمود ثابت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۲ - ۴

۴ - عاد و ثمود و قوم نوح ، دارای ظلم و طغیانی فزون تر از دیگر اقوام نابود شده تاریخ

إنّهم کانوا هم أظلم و أطغی

بنابراین که ضمیر <هم> به قوم عاد و ثمود و نوح بازگردد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۱ - ۱،۴

۱ - فرعون و قوم عاد و ثمود ، در ممالک و سرزمین ها ، به طغیان گری پرداخته ، در گناه فرورفتند .

الذین طغوا فی البلد

طغیان، از حد گذراندن گناه است (مقاییس اللغه) و هر چیز که از مقدار خود فراتر رود، طغیان کرده است (العین). حرف <ال> در <البلاد>، برای استغراق عرفی است و مراد تمام سرزمین هایی است که برای اقوام یاد شده، دسترسی به آن امکان پذیر بوده است و می توان گفت: اصل آن <بلادهم> بوده و حرف <ال>، جانشین ضمیر <هم> است و مراد سرزمین هایی است که در قلمرو آنان بوده است.

۴ - طغیان ، عامل هلاکت قوم عاد و ثمود و زمینه ساز نابودی فرعون

ألم تر کیف فعل ربّک بعاد . .. و ثمود ... وفرعون ... الذین طغوا فی البلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۱ - ۲،۳

۲ - قوم ثمود ، مردمی طغیانگر و آلوده به گناه بی حد بودند

.

بطغویها

<طغوی>، اسم مصدر طغیان (گناه را از حد گذراندن) است. (مفردات)

۳ - طغیان گری قوم ثمود ، آنان را به تکذیب پیام های الهی کشاند .

کذّبت ثمود بطغویها

حرف <باء> در بطغواها> سببیه است; یعنی، طغیان زمینه ساز تکذیب بود.

طغیانگری قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۰ - ۳

۳ - قوم عاد ، مردمی ستم کار و طغیانگر

عادًا الأُولی . .. و قوم نوح ... هم أظلم و أطغی

از این که در آیات بعد، قوم نوح <أظلم> و <أطغی> معرفی شده اند، اصل ظلم و طغیان برای قوم عاد ثابت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۲ - ۴

۴ - عاد و ثمود و قوم نوح ، دارای ظلم و طغیانی فزون تر از دیگر اقوام نابود شده تاریخ

إنّهم کانوا هم أظلم و أطغی

بنابراین که ضمیر <هم> به قوم عاد و ثمود و نوح باز گردد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۱ - ۱،۴

۱ - فرعون و قوم عاد و ثمود ، در ممالک و سرزمین ها ، به طغیان گری پرداخته ، در گناه فرورفتند .

الذین طغوا فی البلد

طغیان، از حد گذراندن گناه است (مقاییس اللغه) و هر چیز که از مقدار خود فراتر رود، طغیان کرده است (العین). حرف <ال> در <البلاد>، برای استغراق عرفی است و مراد تمام سرزمین هایی است که برای اقوام یاد شده، دسترسی به آن امکان پذیر بوده است و می توان گفت: اصل آن

<بلادهم> بوده و حرف <ال>، جانشین ضمیر <هم> است و مراد سرزمین هایی است که در قلمرو آنان بوده است.

۴ - طغیان ، عامل هلاکت قوم عاد و ثمود و زمینه ساز نابودی فرعون

ألم تر کیف فعل ربّک بعاد . .. و ثمود ... وفرعون ... الذین طغوا فی البلد

طغیانگری قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۲ - ۴

۴ - عاد و ثمود و قوم نوح ، دارای ظلم و طغیانی فزون تر از دیگر اقوام نابود شده تاریخ

إنّهم کانوا هم أظلم و أطغی

بنابراین که ضمیر <هم> به قوم عاد و ثمود و نوح بازگردد، برداشت بالا استفاده می شود.

طغیانگری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ مخالفت مشرکان با رسالت پیامبر (ص) و قرآن کریم ، برخاسته از روح لجاجت و گردنکشی آنان

و إذا تتلی علیهم ءایاتنا بینت قال الذین لا یرجون لقاءنا ائت بقرءان غیر هذا أو بد

با توجه به اینکه آیات الهی، آشکار و واضح بود و در عین حال مشرکان از پذیرش آن امتناع ورزیدند، برداشت فوق استفاده می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۷ - ۲

۲ تبرّی شیطان در قیامت ، از انحرافات و طغیان گری مشرکان

قال قرینه ربّنا ما أطغیته

بنابراین که مراد از <قرین> شیطان باشد، برداشت بالا به دست می آید.

طغیانگری مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۳ - ۴

- ۴

تکذیب کنندگان تعالیم هدایت گر دین و دستورات تقواپیشگیِ آن ، طغیان گر و مورد تهدید الهی اند .

لیطغی . .. أرءیت إن کذّب و تولّی

سیاق آیات، بر تهدید دلالت دارد.

طغیانگری مکذبان متقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱۳ – ۴

۴ – تکذیب کنندگان تعالیم هدایت گر دین و دستورات تقواپیشگیِ آن ، طغیان گر و مورد تهدید الهی اند .

لیطغی . .. أرءیت إن کذّب و تولّی

سیاق آیات، بر تهدید دلالت دارد.

طغیانگری مکذبان معاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۱ – ۱۲

۱۲ منکران معاد ، مردمانی سخت سرکش و طغیانگراند .

و قال الذین لایرجون لقاءنا . .. و عتو عتوًّا کبیرًا

عوامل طغیانگری قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۶ – ۶

۶ – ثروت افسانه ای قارون ، موجب طغیان وی علیه ملت خود گردید .

و ءاتینه من الکنوز

بازگو کردن ثروت فراوان قارون، پس از معرفی وی به عنوان فردی متجاوز و طغیانگر، می تواند توضیح دهنده علیت این

طغیان و تجاوز باشد.

عوامل طغیانگری مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲۷ – ۷

۷ شیطان ، مدعی طغیان گری مشرکان ، در نتیجه گمراهی عمیق خودشان و نه اغواگری های او

قال قرینه ربّنا ما أطغیته و لکن کان فی ضلل بعید

کیفر اخروی طغیانگری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۶ – ۲

۲ – نوشاندن آب جوشان

و خونابه زخم به دوزخیانِ طغیان گر ، کیفری هم طراز با طغیان گری آنان است .

إلاّ حمیمًا و غسّاقًا . جزاء وفاقًا

چنانچه کلمه <جزاء> حال برای <حمیماً و غسّاقاً> باشد، نکته بالا قابل استفاده است.

ممانعت از طغیانگری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۴ - ۲

۲ - خداوند ، موسی (ع) را به حرکت به سوی فرعون و بازداشتن او از طغیان گری ، فرمان داد .

اذهب إلی فرعون إنّه طغی

نشانه های طغیانگری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۹ - ۴

۴- بهره کشی ظالمانه از بندگان الهی ، برتری جویی و گردنکشی در برابر خداوند است .

أن أدّوا إلیّ عباد اللّه . .. و أن لاتعلوا علی اللّه

بنابراین که عطف <أن لاتعلوا. ..> بر <أن أدّوا> تفسیری باشد، برداشت بالا به دست می آید.

نشانه های طغیانگری قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۲ - ۶

۶ - آمادگی شقی ترین فرد قوم ثمود ، برای مقابله با رسول الهی ، نمودار طغیانگری و مصداق بارز تکذیب گری آنان بود .

کذّبت ثمود بطغویها . إذ انبعث أشقیها

<إذ>، ظرف برای <کذّبت> و بیانگر زمان تکذیب قوم ثمود است; یعنی، زمانی تکذیب گری و طغیان گری قوم ثمود

عملی شد که شقی ترین فرد آنان تحریک شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۷

۷ - کشتن ناقه صالح ، جلوه طغیان گری قوم ثمود

کذّبت ثمود

بطغویها . .. فکذّبوه فعقروها

نگرانی از طغیانگری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۶ - ۲

۲ - خداوند به موسی و هارون (ع) اطمینان داد که فرعون فرصت ابلاغ پیام رسالت را از آنان نگرفته و بر طغیان خود نخواهند افزود .

نخاف أن یفرط . .. قال لاتخافا

طلا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

طلا

آثار زینت با طلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۳ - ۳

۳ - زینت و تجمل مردان به طلا ، ارزشی فرعونی *

قال . .. فلولا أُلقی علیه أسوره من ذهب

فواید طلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۳ - ۵

۵ - طلا ، مروارید ، بهترین وسایل زینت در بهشت

یحلّون فیها من أساور من ذهب و لؤلؤًا

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که آیه شریفه در مقام بر شمردن وسایل زینت بهشتیان می باشد. بنابراین اختصاص به ذکر یافتن این وسایل، گویای برداشت یاد شده است.

نقش طلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۵ - ۱

۱ - طلا و نقره ، نماد تجمل و اشرافی گری در دوره های تاریخ

سقفًا من فضّه . .. و زخرفًا

عـده ای از لغویـان <زخرف> را طلا دانسـته انـد. از ذکر طلا و نقره به عنوان نمادهای زیور و تجمل، مطلب بالا اسـتفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۳ - ۴

۴ - < طلا > نماد اشرافی گری

و تجمل در جامعه فرعونی

فلولا أُلقی علیه أسوره من ذهب

از تکیه فرعون بر زیورآلات طلا، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۲

۲ - ظرف ها و جام های بهشتیان ، از جنس طلا است .

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب

طلااندوزی

کیفر طلااندوزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ آنان که طلا و نقره می اندوزند و از انفاق آن در راه خدا ، امتناع میورزند ، مستحق عذابی دردناکند .

و الذین یکنزون الذهب و الفضه و لا ینفقونها فی سبیل اللّه فبشرهم بعذاب ألیم

طلاق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

طلاق

آثار طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۷ - ۱۴

۱۴ طلاق و مشکلات خانوادگی ، نباید موجب فراموشی ارزش ها و فضیلت ها (همانند عفو و احسان) گردد .

و ان طلّقتموهنّ . .. و ان تعفوا اقرب للتّقوی و لا تنسوا الفضل بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۱،۵،۹

۱ طلاق ، آخرین راه برای شکستن بن بست اختلافات مسالمت ناپذیر خانوادگی

و إن یتفرقا یغن اللّه

پس از به نتیجه نرسیدن راه حلهای قبلی که در آیات قبل اشاره شد، طلاق به عنوان راه پایان اختلافات پیشنهاد شده است.

۵ توجه به وعده الهی در مورد رفع نیاز ها ، برطرف کننده نگرانی های برخاسته از طلاق های ناگزیر

و إن یتفرقا یغن اللّه کلا من سعته

۹ اعتقاد به فضل

و رحمت الهی ، زمینه ساز اقدام به طلاق ، برای رهایی از بن بست زندگی اصلاح ناپذیر

و إن یتفرقا یغن اللّه کلا من سعته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۵

۵ توجه زنان و مردان به مالکیت مطلق خداوند ، برطرف کننده نگرانی آنان از کمبود ها و نیاز ها در صورت طلاق

و إن یتفرقا یغن اللّه کلا من سعته . .. و للّه ما فی السموت و ما فی الأرض

آداب طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - شایسته است که طلاق همسر ، با شایستگی و خوبی و به دور از خسارت و ضرر باشد .

أسرّحکنّ سراحًا جمیلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۵ - ۱۲

۱۲ - طلاق زنان ، باید پس از تلاش برای رفع نقص ها و ضعف های آنان و بی نتیجه ماندن آن باشد .

إن تتوبا إلی اللّه . .. عسی ربّه إن طلّقکنّ أن یبدّله أزوجًا خیرًا منکنّ ... ثیّ

برداشت یاد شده، از شیوه و مراحل برخورد خداوند با همسران رسول خدا، استفاده می شود; زیرا در آغاز، آنان را به توبه و اصلاح رفتار خویش ترغیب فرمود و سپس آنان را به طلاق تهدید کرد.

احکام سه طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۲۴

۲۴ - < عن سعدبن أبی خَلَف قال : سألت أباالحسن موسی بن جعفر (ع) : . .

.ألیس اللّه عزّوجلّ یقول : < لا ـتخرجوهنّ من بیوتهنّ و لا ـیخرجن > قال : فقال إنّما عنی بـذلک الّتی تطلّق تطیقه بعـد تطلیقه فتلک الّتی لا ـتَخرُج و لا ـتُخرَج حتّی تطلق الثـالثه فـإذا طلقت الثـالثه فقـد بانت منه و لانفقه ل ها ، و المرأه الّتی یطلّق ها الرجل تطلیقه ثمّ یدع ها حتّی یخلوا أجل ها فهذا أیضاً یقعد فی منزل زوج ها و ل ها النفقه و السکنی حتّی تنقضی عدّت ها ;

سعـدبن ابی خلف گویـد: از امـام کـاظم(ع) پرسـیدم. ..[و]گفتم: آیـا خداونـد عزّوجلّ نفرموده: <لاتخرجوهنّ و لایخرجن> حضـرت فرمود: خداونـد [دراین دسـتور]زنی را قصـد کرده که دو بار [به طلاق رجعی] طلاق داده می شود. این زن [نبایـد در زمـان عـدّه] از خانه خارج شود و نبایـد شوهر او را خارج کنـد تا این که طلاق سوم واقع شود. پس آن گاه که برای بار سوّم، طلاق داده شـد از شوهر جدا می شود و برای او نفقه نیست. و زنی که شوهر او یک بار طلاق داده و او را رها نموده تا این که عدّه اش تمام شود، او نیز در منزل شوهرش می نشیند [و نباید خارج شود] و حق نفقه و سکنی دارد تا عدّه اش تمام شود>.

احکام طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۶ - ۷

۷ وجوب آمیزش یا طلاق بر ایلاءکننده ، پس از گذشت چهار ماه از ایلاء

للذین یؤلون . .. فان فاءو ... و ان عزموا الطلاق

از اینکه <تربّص> تا چهار ماه است، معلوم می شود که پس از آن، شخص مُلزم به

یکی از دو کار است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۷ – ۱،۲

۱ تصمیم در طلاق ، با مرد است .

و ان عزموا الطلاق

۲ اعتبار قصد و لفظ در طلاق

و ان عزموا الطلاق فان اللّه سمیع علیم

به نظر می رسد آوردن دو صفت <سمیع> (شنوا) و <علیم> (دانا) اشاره به اعتبار قصد و لفظ در طلاق دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۸ – ۲،۳،۹،۱۰،۱۲،۱۳،۱۴

۲ عدّه به مدت سه طُهر و یا سه حیض ، مخصوص زنانی است که حیض می بینند .

و المطلقات یتربصن بانفسهنّ ثلثه قروء

مفروض آیه، ظاهراً زنانی هستند که حائض می شوند؛ چون عدّه را سه طهر و یا سه حیض قرار داد؛ لذا این حکم شامل زنان صغیره، یائسه و نظایر آنها نخواهد بود.

۳ عدّه زنان مطلّقه ، سه حیض است .

و المطلقات یتربصن بانفسهنّ ثلثه قروء

بنابراینکه <قُرء>، به معنای حیض باشد.

۹ حق رجوع شوهر به زن مُطلَقه خویش در مدت عدّه

و بعولتهنّ احق بردّهن فی ذلک

ذلک، اشاره به تربّص است؛ یعنی سه طُهری که زمان عدّه می باشد.

۱۰ حق رجوع شوهر به همسر مطلّقه خویش ، مشروط به قصد اصلاح در زندگی خانوادگی است .

و بعولتهن احق بردّهن فی ذلک ان ارادوا اصلاحاً

یعنی اگر شوهر مثلاـ در رجوع خویش قصد دارد که زن هنگامی که از عدّه خارج نشده است به وی رجوع کند و پس از رجوع، دوباره او را طلاق دهد تا بدین وسیله به او آزار رساند، رجوع با چنین

قصدی به حکم ظاهر آیه مشروع نیست.

۱۲ بازگشت مرد و همسر مطلّقه اش در زمان عدّه به زندگی قبلی احتیاج به عقد ندارد . *

و بعولتهن احق بردّهنّ

کلمه <بعوله> (شوهران) و اضافه آن به ضمیر <هُنّ> گویای این معناست که در زمان عدّه طلاق، علقه زوجیت باقی است، بنابراین برای رجوع نیاز به عقد نیست.

۱۳ حق رجوع مرد به همسر مطلّقه خود ، با انقضای مدّت عدّه ساقط می شود .

و بعولتهن احق بردّهن فی ذلک

از مفهوم کلمه <فی ذلک> استفاده می شود.

۱۴ رجوع شوهر آنگاه که به قصد آزار و اذیت زن مطلّقه اش باشد ، بی اثر و فاقد اعتبار است .

و بعولتهن احق بردّهن فی ذلک ان ارادوا اصلاحاً

حق رجوع در آیه مشروط به اصلاح است; بنابر مفهوم شرط، آن رجوعی که به قصد اصلاح نباشد و به طریق اولی اگر به قصد اضرار باشد، حقانیّت و اعتبار آن سلب می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۲۱، ۱،۳،۵،۷،۸،۹،۱۰،۱۲،۱۳،۱۵،۱۶،۱۹،۲۰

۱ مردان ، تنها در طلاق اول و دوّم ، حق رجوع دارند .

الطلاق مرتان فامساک بمعروف

الف و لام در <الطلاق>، عهد ذکری است; یعنی آن طلاقی که برای شوهران حقِ رجوع در آن بود <و بعولتهنّ احقّ . .. >، بیش از دو مرتبه نیست.

۳ عدم تحقق چند طلاق ، با اجرای یک یا چند صیغه و بدون رجوع (امساک) در بین طلاقها

الطلاق مرّتان

اوّلا در لفظ واحد <طلقتک ثلاثا>، مرّتین و مرّات صدق نمی کند و ثانیاً اگر رجوع نکند، طلاق دوم صدق نمی کند و

ثالثاً بایـد رجوع و بازگشت به زنـدگی به صورت امساک به معروف باشد و در مجلس واحد بین صـیغه اوّل و دوّم مثلا گفتن <راجعتُ>، امساک به معروف نیست.

۵ حق طلاق و رجوع ، با مرد است .

فامساک بمعروف

۷ رجوع مرد در ایّام عدّه ، نباید به قصد اضرار به زن باشد .

الطلاق مرّتان فامساک بمعروف او تسریح باحسان

۸ پس از طلاق دوّم و رجوع در آن ، یا باید زندگی بر اساس < معروف > باشد و یا طلاق بدون حق رجوع .

فامساک بمعروف او تسریح باحسان

بنـابراینکه مراد از <تسـریح باحسـان> طلاـق سوّم باشـد; چون تنهـا در دو طلاـق حق رجوع می باشـد: <الطلاق مرّتان>. و طلاق سوّم بدون حق رجوع خواهد بود.

۹ ر ها ساختن زن (طلاق) باید علاوه بر رعایت حقوق او ، آمیخته با احسان و نیکی و به دور از اضرار به وی باشد .

او تسریح باحسان

کلمه <احسان> گویای معنایی است فراتر از <معروف>; یعنی باید نسبت به زنان، افزون بر حقوق شناخته شده آنان، نیکی شود.

۱۰ بقای پیوند زوجیّت ، با طلاق رجعی در ایام عدّه

الطلاق مرّتان فامساک بمعروف

از لفـظ <امساک> اسـتفاده می شود که شوهر می توانـد زن را به همان عقـد سابق نگه دارد; و این معنا بیانگر بقای زوجیّت است.

۱۲ هنگام طلاق ، حرام است مالی را که شوهر به زن داده (مهریّه و . . .) بازپس گیرد .

و لا یحل لکم أن تأخذوا مما اتیتموهنّ شیئاً

۱۳ در صورت ترس از عدم اقامه حدود الهی در زندگی ، مرد می تواند مالی

را که به زن داده است ، بازپس بگیرد و او را طلاق دهد .

و لا یحل لکم ان تأخذوا . .. الا ان یخافا الا یقیما حدود اللّه

چنانچه حرمت بازپس گیری مَهریّه مانع طلاق میان زن و شوهر شود و در عین حال زندگی آن دو به نحوی است که حدود و احکام الهی بواسطه آن پایمال شود، پرداخت و گرفتن مَهریّه تجویز می شود تا طلاق صورت گیرد.

۱۵ ترس از عدم رعایت حدود الهی در خانواده ، مجوّز توافق زن و شوهر بر طلاق ، با بخشیدن مالی از سوی زن

فان خفتم الا یقیما حدود اللّه فلا جناح علیهما فیما افتدت به

۱۶ احتمال و ترس معقول و متعارف از مراعات نکردن حدود الهی در خانواده ، مُجوّز طلاق خُلع *

فان خفتم اَلّا یقیما حدود اللّه

با توجّه به اینکه <ان خفتم>، خطاب به عموم مردم است، معلوم می شود نگرانی زن و شوهر باید به نحوی باشد که عموم مردم نیز در صورت آگاهی، این نگرانی را داشته باشند.

۱۹ پرداخت مال از جانب زن به شوهر برای طلاق در غیر مورد طلاق خُلع جایز نیست .

و لا یحل لکم ان تأخذوا مما اتیتموهنّ . .. فان خفتم ... فلا جناح علیهما

گرچه در ابتدا حکم به حرمت اخذ برای مردان شده است; ولی در صورت ترس، با تعبیر <فلا جناح علیهما>، حرمت را از هر دو (زن و شوهر) برداشته است. بنابراین معلوم می شود که برای زن نیز قبلا حرمتی ثابت بوده است.

۲۰ لزوم نظارت حاکم (قاضی) بر اجرای مقررات طلاق خُلع *

فان خفتم الا یقیما حدود اللّه

فلا جناح علیهما

بنابراینکه <خفتم>، خطاب به حُکّام باشد; چنانچه آلوسی نظر داده است.

۲۱ احکام طلاق ، از حدود الهی ; و تعدی از آن حرام است .

المطلقات یتربصن . .. الطلاق مرّتان ... تلک حدود اللّه فلا تعتدوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۰ - ۱،۲،۳،۸،۹

۱ زندگی مرد با همسر خویش پس از طلاقِ سوم ، جز با فاصله شدن ازدواج با مرد دیگر (مُحَلِّل) ، جایز نیست .

الطّلاق مرّتان . .. فان طلقها فلا تحلّ له من بعد حتی تنکح زوجاً غیره

۲ ازدواج شوهر اوّل با زن سه طلاقه خود مشروط به نکاح دائمی با مرد دیگر و پیش آمدن طلاق است .

فان طلّقها فلا جناح علیهما ان یتراجعا

مطرح کردن طلاق از سوی شوهر دوّم حاکی است که باید ازدواج با او دائمی باشد و نه موقّت. چون در ازدواج موقّت، طلاق نیست.

۳ اختیار طلاق با مرد است .

فان طلّقها

۸ پس از طلاق شوهر دوّم ، زن و شوهر سابق ، در صورت گمان به مراعات حدود الهی در خانواده ، می توانند به زندگی بازگردند .

فلا جناح علیهما ان یتراجعا ان ظنّا ان یُقیما حدود اللّه

۹ احکام طلاق ، از حدود الهی است .

و تلک حدود اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۲،۳،۴،۲۱

۲ لزوم رعایت موازین شناخته شده شرعی و عرفی در طلاق و یا ادامه زندگی از سوی مردان

فامسکوهنّ بمعروف او سرِحوهن بمعروف

۳ اختیار طلاق با مرد است .

و اذا طلقتم النساء

۴

حرمت رجوع مرد به زن مُطلّقه ، به قصد آزار و اذیّت وی

و لا تمسکوهنّ ضراراً لتعتدوا

۲۱ هشدار الهی نسبت به مُتخلّفین از دستورات الهی و احکام طلاق

و اذ طلّقتم . .. و اتقوا اللّه و اعلموا انّ اللّه بکل شیء علیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۳۲ – ۳،۶

۳ از بین رفتن عُلقه زوجیّت با انقضای عِدّه ، و احتیاج به عقد مجدد برای ادامه زندگی با شوهر سابق

و اذا طلّقتم النّساء فبلغن اجلهنّ فلا تعضلوهنّ ان ینکحن

با توجّه به اینکه در آیات قبل، از ادامه زندگی قبل از انقضای عدّه، تعبیر به <امساك> و <ردّ> شده و در این آیه تعبیر <نکاح> آمده است، معلوم می شود با انقضای عدّه، عُلقه زوجیت تمام می شود.

۶ اختیار طلاق به دست مرد است .

و اذا طلّقتم النّساء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۳۶ – ۱،۲،۴،۶،۷،۸،۱۰

۱ جواز طلاق زنان ، قبل از آمیزش جنسی

لا جناح علیکم ان طلّقتم النّساء ما لم تمسّوهنّ

کلمه <مسّ> در آیه شریفه، کنایه از عمل زناشویی است. افزون بر این، مراد از آیه، رفع توهّم عدم جواز طلاق زنانی است که با آنان آمیزش نشده است.

۲ جواز طلاق زنان ، در صورت قرار ندادن مهریّه

لا جناح علیکم ان طلّقتم النّساء ما لم تمسّوهنّ او تفرضوا لهنّ فریضه

مراد از فرض <فریضه> تعیین مهر است و جمله <او تفرضوا . .. > عطف است بر جمله <ما لم تمسّوهنّ>; یعنی طلاق

زنانی که برای آنان مهریّه تعیین نشده، بی اشکال

است.

۴ پرداخت مهریه زنانی که قبل از آمیزش جنسی و تعیین مهر ، طلاق داده شوند ، واجب نیست . *

لا جناح علیکم . .. و متعوهنّ

برداشت فوق بر این مبناست که <لا جناح> به معنای نفی هر گونه وظیفه باشد و <او> به معنای واو جمع.

۶ لزوم پرداخت متاعی مناسب و پسندیده از سوی شوهران ، به زنان مُطلّقه ای که برای آنان مهریّه تعیین نشده است .

و متّعوهنّ . .. متاعاً بالمعروف

ظاهر این است که ضمیر در <متّعوهنّ>، به طایفه دوّم از زنان مُطلّقه برگردد; یعنی زنانی که مهر برای آنان تعیین نشده است.

۷ لزوم پرداخت متاعی مناسب و پسندیده از سوی شوهران ، به زنانی که قبل از آمیزش با آنان ، طلاق داده شوند .

ان طلّقتم النساء . .. و متّعوهنّ ... بالمعروف

بنابراین احتمال که ضمیر در <متّعوهنّ>، علاوه بر اینکه به طایفه دوّم ارجاع شود، شامل طایفه اوّل (یعنی زنانی که با آنان آمیزش نشده) نیز شود.

۸ مقدار متاع و کالای مناسب و پسندیده برای پرداخت به زن مُطلّقه ، باید متناسب با توان مالی شوهر باشد .

و متّعوهنّ علی الموسع قدرُهُ و علی المقتر قدرهُ متاعاً بالمعروف

۱۰ لزوم تناسب کالای پرداختی به زنان مُطلّقه ، با شؤونات اجتماعی زن و مرد

متّعوهنّ . .. متاعاً بالمعروف

در آیه مزبور توصیه شده که <متاع>، پسندیده باشد; و متاع آنگاه پسندیده است که نه خارج از شؤونات اجتماعی شوهر و نه خارج از شؤونات اجتماعی همسر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۷ - ۱،۲

۱ وجوب پرداخت نصف

مهریّه تعیین شده به زن مُطلّقه از سوی شوهر ، در صورت عدم آمیزش جنسی با او

و ان طلّقتموهنّ من قبل ان تمسّوهنّ و قد فرضتم لهنّ فریضه فنصف ما فرضتم

مفسّران برآنند که جمله <اَن تمسّوهنّ>، کنایه از آمیزش جنسی است ; نه مُجرّد لمس.

۲ طلاقِ زنان ، در اختیار همسران خویش است . *

و ان طلّقتموهنّ

با توجّه به ظهور خطاب <اِن طلّقتموهنّ>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۱ - ۱

۱ لزوم پرداخت کالای شایسته و مناسب به زنان مُطلّقه

و للمطلّقات متاع بالمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۹ - ۳

۳ لزوم طلاق همسر در صورتی که وی از زندگی کردن با شوهر خویش ناخشنود است و شوهر نیز هیچ نیازی به زندگی کردن با وی ندارد . *

لا یحلّ لکم ان ترثوا النّساء کرهاً

۲ <کرهاً> به معنای <کارهات>، حال برای <النساء> باشد. گفتنی است که <ان ترثوا> می رساند که هدف شوهر از زندگی با زن ارث بردن از اوست. یعنی نیاز دیگری به وی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۰ - ۱،۲

۱ مرد می تواند همسر خویش را طلاق داده و همسر دیگری انتخاب کند .

و ان اردتم استبدال زوج مکان زوج

۲ طلاق به دست مردان است . ❊

و ان اردتم استبدال زوج مکان زوج

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۵ – ۱۹

۱۹- < عن أبی جعفر (ع)

و أبی عبدالله (ع) قالا ـ : المملوك لا ـيجوز طلاقه و لا نكاحه إلّا بإذن سيده . . . < ضرب الله مثلًا عبداً مملوكاً لايقدر على شیء > . . . ;

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است که فرمودند: طلاق و نکاح مملوک (برده) نافذ نیست، مگر با اذن مالکش . .. ضرب الله مثلًا عبداً مملوكاً لايقدر على شیء...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۸ – ۱۱

۱۱ – امر طلاق ، به دست مرد است .

فتعالین أمتّعکنّ و أسرّحکنّ سراحًا جمیلًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۴۹ – ۱،۵

۱ – زنانی که به همسری مردانی درآمده اند و شوهرانشان پیش از تماس با آنان ، ایشان را طلاق داده اند ، عدّه ندارند .

یأیّها الذین ءامنوا إذا نکحتم المؤمنت ثمّ طلّقتموهنّ من قبل أن تمسّوهنّ فما لک

۵ – عُلقه ازدواج زنانی که بدون آمیزش ، طلاق داده شده اند ، بلافاصله پس از طلاق ، قطع می شود و آزادند تا ازدواج کنند .

إذا نکحتم . .. ثمّ طلّقتموهنّ من قبل أن تمسّوهنّ فما لکم علیهنّ من عدّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۱ – ۲،۱۳،۱۵

۲ – مشروعیت طلاق ، در شریعت اسلام

إذا طلّقتم النساء

۱۳ – مردان ، می توانند زنان مطلّقه خود را در صورت ارتکاب عملی بسیار زشت و روشن (مانند زنا و . . .) از خانه های خویش بیرون کنند .

و لايخرجن

إلّا أن يأتين بفحشه مبيّنه

به هر عمـل و گنـاهی که زشـتی آن شديـد و بزرگ باشـد، <فـاحشه> اطلاـق می شود; ماننـد زنـا در مورد زنـان (برگفته از قاموس المحيط و مفردات راغب).

۱۵ - احکام مربوط به زنان مطلّقه ، از حدود الهی است .

تلک حدود اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱،۲،۳،۵،۱۶

۱ - پس از پايان عدّه ، مرد يا بايد به زن مطلقه خود رجوع کند و يا کاملاً از او جدا شود .

فإذا بلغن أجلهنّ فأمسکوهنّ بمعروف أو فارقوهنّ

۲ - مخيّر بودن مرد ، در رجوع به همسر خويش برای تداوم زندگی مشترک و يا جدا شدن دائمی از او (از زمان اجرای صيغه طلاق تا پايان عدّه)

فامسکوهنّ بمعروف أو فارقوهنّ

۳ - از سرگيری زنـدگی بـا زن مطلّقه و يـا جـدايی هميشـگی از او ، پس از گـذشت زمان عـدّه ، بايـد به صورت پسـنديده و براساس موازين عقل و شرع باشد .

فامسکوهنّ بمعروف أو فارقوهنّ بمعروف

<معروف> اسم برای هر کاری است که از نظر عقل و شرع، حسن و خوبی آن شناخته شده باشد (مفردات راغب).

۵ - لزوم گواهی گرفتن دو شاهد عادل ، بر جدايی کامل مرد از زن مطلّقه خويش

و اشهدوا ذوی عدل

برداشت ياد شده، براساس نظريه بسـياری از مفسـران است که گفته اند: برای رجوع مرد به زن مطلّقه خود، شاهد لازم نيست و گرفتن گواهی، اختصاص به طلاق و جدايی کامل دارد.

۱۶ - < محمدبن أبی نصر قال : سألت أبا الحسن (ع) . . . فقلت له : فإن طلّق علی طهر

من غیر جماع بشاهد و امرأتین ؟ فقال : لاتجوز شهاده النساء فی الطلاق . . . ;

محمـدبن ابی نصـر گویـد: از امام رضا(ع) سؤال نمودم. .. اگر زنی را در پاکی بدون این که در آن پاکی آمیزشـی شده باشـد یک شاهد [مرد] و دو شاهد زن طلاق دهد؟ حضرت فرمود: شهادت زنان در طلاق نافذ و کارساز نیست...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۳ - ۱۲

۱۲ - احکام و رهنمود های الهی درباره طلاق ، مبتنی بر تقدیر حکیمانه خداوند است .

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ . ..فامسکوهنّ بمعروف أو فارقوهنّ ...قد جعل اللّه لکلّ شیء قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۱،۳

۱ - احکام طلاق و عدّه زنان مطلّقه و ادای حقوق آنان (همچون مسـکن ، هزینه زندگی و برخورد شایسـته) فرمان های نازل شده از سوی خداوند

إذا طلّقتم النساء فطلّقوهنّ لعدّتهنّ . .. ذلک أمر اللّه أنزله إلیکم

۳ - احکام طلاق و عدّه زنان مطلّقه ، تکلیفی مهم و مؤکّد برعهده همسران

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ . .. ذلک أمر اللّه أنزله إلیکم

مطلب یاد شده، از اطلاق تصریح <أمر اللّه> بر احکام مربوط به طلاق و عدّه زنان، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۱،۲،۳

۱ - مردان متمکّن و توانگر ، بایـد به میزان توانـایی و فراخْ دستی خویش ، هزینه زنـدگی زنان مطلّقه را در دوران شـیردادن به نوزادان افزون بر پرداخت اجرت شیردادن بپردازند .

لینفق

ذو سعه من سعته

در این که حکم انفاق در این آیه، اختصاص به دوران شیردادن زنان مطلّقه به نوزادشان دارد و یا شامل دوران عدّه نیز می شود، میان مفسران اختلاف هست. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۲ - مردان متمکن و توانا ، باید به میزان توانایی و فراخْ دستی خویش ، هزینه زندگی زنان مطلّقه خود را در دوران عدّه بپردازند .

لینفق ذو سعه من سعته

۳ - مردان تنگ دست ، باید به مقدار توانایی خویش هزینه زندگی زنان مطلّقه را در دوران شیردادن به نوزادان افزون بر پرداخت اجرت شیردادن بپردازند .

و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا ءاتیه اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۵ - ۱۲

۱۲ - طلاق زنان ، باید پس از تلاش برای رفع نقص ها و ضعف های آنان و بی نتیجه ماندن آن باشد .

إن تتوبا إلی اللّه . .. عسی ربّه إن طلّقکنّ أن یبدّله أزوجًا خیرًا منکنّ ... ثیّ

برداشت یاد شده، از شیوه و مراحل برخورد خداوند با همسران رسول خدا، استفاده می شود; زیرا در آغاز، آنان را به توبه و اصلاح رفتار خویش ترغیب فرمود و سپس آنان را به طلاق تهدید کرد.

احکام طلاق رجعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۹،۲۴

۱۹ - فراهم شدن فرصت های مناسب برای حل مشکل طلاق و زمینه های رجوع مردان به زنان مطلّقه خویش ، فلسفه تعیین عدّه طلاق

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ . .. لاتدری لعلّ اللّه یحدث بعد ذلک أمرًا

طبق نظر مفسران،

ذیل آیه شریفه (لاتـدری لعلّ اللّه. ..) اشاره به نگه داشـتن عـدّه برای طلاق دارد که شایـد خداونـد در مـدت نگه داری عدّه، جریانی (مانند آن که طلاق دهنده پشیمان شود و بخواهد رجوع کند) پدید آورد تا مشکل طلاق حل گردد.

۲۴ - < عن سعدبن أبی خَلَف قال : سألت أباالحسن موسی بن جعفر (ع) : . . .ألیس اللّه عزّوجلّ یقول : < لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ و لا یخرجن > قال : فقال إنّما عنی بذلک الّتی تطلّق تطیقه بعد تطلیقه فتلک الّتی لاتَخرُج و لاتُخرَج حتّی تطلق الثالثه فإذا طلقت الثالثه فقد بانت منه و لانفقه ل ها ، و المرأه الّتی یطلّق ها الرجل تطلیقه ثمّ یدع ها حتّی یخلوا أجل ها فهذا أیضاً یقعد فی منزل زوج ها و ل ها النفقه و السکنی حتّی تنقضی عدّت ها ;

سعدبن ابی خلف گوید: از امام کاظم(ع) پرسیدم. ..[و]گفتم: آیا خداوند عزّوجلّ نفرموده: <لاتخرجوهنّ و لایخرجن> حضرت فرمود: خداوند [دراین دستور]زنی را قصد کرده که دو بار [به طلاق رجعی] طلاق داده می شود. این زن [نبایـد در زمان عـدّه] از خانه خارج شود و نبایـد شوهر او را خارج کنـد تا این که طلاق سوم واقع شود. پس آن گاه که برای بار سوّم، طلاق داده شد از شوهر جدا می شود و برای او نفقه نیست. و زنی که شوهر او یک بار طلاق داده و او را رها نموده تا این که عدّه اش تمام شود، او نیز در منزل شوهرش می نشیند [و نباید خارج شود] و حق نفقه و سکنی دارد تا عدّه اش تمام

شود>.

احکام عده طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۳،۴،۵،۱۰،۱۱،۱۲،۲۳،۲۴،۲۵،۲۶

۳ - لزوم اجرای صیغه طلاق در زمان عدّه زن (زمانی که زن از عادت ماهانه پاک شده و با شوهرش درنیامیخته است .)

إذا طلّقتم النساء فطلّقوهنّ لعدّتهنّ

<لام> در <لعدّتهنّ> معادل <عند> است; یعنی، <فطلّقوهنّ عند عدّتهنّ> (نظیر <أقیموا الصلاه لدلوک الشمس>; یعنی <عند دلوک الشمس).

۴ - لزوم نگه داری عدّه طلاق و شمارش دقیق آن

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ و أحصوا العدّه

۵ - دقت در شمارش عدّه ، از امور مهم در مسأله طلاق

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ و أحصوا العدّه

مطلب یاد شده، از توصیه به شمارش دقیق عدّه پس از فرمان به نگه داری عدّه (فطلقوهنّ لعدّتهنّ) به دست می آید.

۱۰ - مردان ، حق ندارند زنان مطلّقه خود را در ایّام عدّه ، از خانه هایشان بیرون کنند .

لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ

انتساب خانه ها به زنان (بیوتهنّ) گویای این نکته است که زنان مطلّقه، باید در همان منازلی زندگی کنند که پیش از اقدام به طلاق در آن جا بوده اند.

۱۱ - محل سکونت زنان مطلّقه در ایّام عدّه ، همان محل پیش از طلاق است و مردان حق ندارند آن را تغییر دهند .

لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ

۱۲ - زنان مطلّقه ، حق ندارند در ایّام عدّه از خانه هایشان بیرون بروند .

و لایخرجن

۲۳ - < عن النبیّ (ص) < فطلّقوهنّ لعدّتهنّ > قال : طاهراً من غیر جماع ;

از پیامبر(ص) درباره <فطلّقوهنّ لعـدّتهنّ> روایت شده که فرمود: [زن باید در حالی طلاق داده شود] که از حیض پاک شده باشد; بدون این که

در آن پاکی، آمیزشی صورت گرفته باشد>.

۲۴ – < عن سعدبن أبی خَلَف قال : سألت أباالحسن موسی بن جعفر (ع) : . . .ألیس اللّه عزّوجلّ یقول : < لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ و لا یخرجن > قال : فقال إنّما عنی بذلک الّتی تطلّق تطیقه بعد تطلیقه فتلک الّتی لاتَخرُج و لاتُخرَج حتّی تطلق الثالثه فإذا طلقت الثالثه فقد بانت منه و لانفقه ل ها ، و المرأه الّتی یطلّق ها الرجل تطلیقه ثمّ یدع ها حتّی یخلوا أجل ها فهذا أیضاً یقعد فی منزل زوج ها و ل ها النفقه و السکنی حتّی تنقضی عدّت ها ;

سعدبن ابی خلف گوید: از امام کاظم(ع) پرسیدم. ..[و]گفتم: آیا خداوند عزّوجلّ نفرموده: <لاتخرجوهنّ و لایخرجن> حضرت فرمود: خداوند [دراین دستور]زنی را قصد کرده که دو بار [به طلاق رجعی] طلاق داده می شود. این زن [نباید در زمان عدّه] از خانه خارج شود و نباید شوهر او را خارج کند تا این که طلاق سوم واقع شود. پس آن گاه که برای بار سوّم، طلاق داده شد از شوهر جدا می شود و برای او نفقه نیست. و زنی که شوهر او یک بار طلاق داده و او را رها نموده تا این که عدّه اش تمام شود، او نیز در منزل شوهرش می نشیند [و نباید خارج شود] و حق نفقه و سکنی دارد تا عدّه اش تمام شود>.

۲۵ – < عن سماعه بن مهران ، قال : سألته عن المطلّقه أین تعتد ؟ قال فی بیتها لاتخرج و ان ارادت زیاره خرجت بعد نصف اللیل و لاتخرج نهاراً و لیس لها أن

تحجّ حتّی تنقض عدّتها ;

سماعه بن مهران گوید: از امام [صادق(ع)] پرسیدم: زنی که طلاق داده شده در کجا عدّه نگه دارد (عدّه خود را در کجا بگذارد)؟ فرمود: در خانه اش و از آن خارج نشود، و اگر قصد زیارتی (دیداری) را داشت، بعد از نیمه شب خارج گردد و روز بیرون نرود. و برای او جایز نیست حج به جا آورد، تا این که عدّه او تمام شود>.

۲۶ - < و سئل الصادق (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ : < و اتقوا اللّه ربّکم لاـتخرجوهنّ من بیوتهنّ و لاـیخرجن إلاّـ أن یأتین بفاحشه مبیّنه > قال : إلاّ أن تزنی فتخرج و یقام علیها الحدّ ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ: <. ..لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ الاّ أن یأتین بفاحشه مبیّنه> سؤال شد فرمود: [زن در عدّه طلاق رجعی نباید از خانه خارج شود] مگر این که مرتکب زنا شود. در این صورت او را از خانه بیرون می برند و بر او حد جاری می گردد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۸

۸ - برخورد شایسته با زنان مطلّقه ، ادای حقّ آنان و انتخاب دو شاهد عادل بر امر طلاق یا رجوع ، از موعظه های الهی به مردان و زنان مؤمن

لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ . .. و أقیموا الشهده للّه ذلکم یوعظ به

<ذلک> اشاره به مجموعه رهنموهای الهی در دو آیه این سوره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۴ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵

۱ - عدّه طلاق زنان یائسه چنانچه درباره

علت قطع شدن عادتشان تردیدی باشد سه ماه است .

و الّئی یئسن من المحیض من نسائکم إن ارتبتم فعدّتهنّ ثلثه أشهر

قیـد <إن ارتبتم> به این معنا است که اگر درباره یأس آنها از حیض شک داریـد; یعنی، این یأس به خاطر این است که سـن آنان به حد یأس رسیده است یا به خاطر عارض شدن (مثلاً بیماری) یائسه شده اند.

۲ - عدّه طلاق زنانی که حیض نمی بینند [با آن که در سن حیض دیدن هستند] ، سه ماه است .

فعدّتهنّ ثلثه أشهر و الّئی لم یحضن

<الّئی>، مبتـدا و خـبر آن بـه قرینـه <فعـدّتهنّ ثلاـثه أشـهر> محـذوف است و تقـدیر آن چنین می شـود: <الّئی لم یحضـن فعدتهنّ ثلاثه أشهر>.

۳ - زنان یائسه ، اگر درباره علت قطع عادتشان تردیـدی باشـد ، تنها پس از گذشت سه ماه از آغاز اجرای طلاق درباره آنها ، می توانند اقدام به ازدواج مجدد کنند و ازدواج آنان در ایّام عدّه باطل است .

و الّئی یئسن من المحیض . .. فعدّتهنّ ثلثه أشهر و الّئی لم یحضن

۴ - آن دسـته از زنانی که حیض نمی بیننـد ولی در سن حیض دیـدن هسـتند تنها پس از گذشت سه ماه از آغاز اجرای طلاق درباره آنها ، می توانند اقدام به ازدواج مجدد کنند .

و الّئی یئسن من المحیض . .. فعدّتهنّ ثلثه أشهر و الّئی لم یحضن

۵ - عدّه طلاق زنان باردار ، تا پایان بارداری آنان است .

و أُولت الأحمال أجلهنّ أن یضعن حملهنّ

۶ - زنان باردارِ طلاق داده شده ، پیش از وضع حمل ، حق ازدواج مجدد را ندارند و

تنها پس از آن می توانند ازدواج کنند .

و أُولت الأحمال أجلهنّ أن یضعن حملهنّ

۱۲ – < المروی عن أئمتنا (ع) : فلاتدرون لکبر ارتفع حیضهنّ أم لعارض ;

از امامـان مـا(ع) [در توضـیح معنای <ارتبتم> در آیه <و اللاّئی یئسن من المحیض من نسائکم إن ارتبتم>]روایت شـده که مقصود این است: [اگر شک داریـد و]نمی دانیـد که [قطع حیض زنانی که از حیض شـدن مأیوس شده اند] به علت بالا بودن سنّ است یا عارضه جسمی، [عدّه آنان سه ماه است]>.

۱۳ – < قال ابن عباس هی فی المطلّقات خاصه ، و هو المروی عن أئمّتنا ;

ابن عباس گفت: این [انقضای عدّه با وضع حمل]، مخصوص زنان مطلّقه است [نه زنانی که شوهرانشان فوت شده اند] و همین مطلب از ائمه ما(ع) روایت شده است>.

۱۴ – < عبدالرحمن بن الحجاج عن أبی الحسن (ع) قال : سألته عن الحلبی إذا طلّق ها زوجها فوضـعت سـقطاً تمّ أو لم یتمّ أو وضعته مضغه ، قال : کلّ شیء وضعته یستبین أنه حمل تمّ أو لم یتمّ فقد انقضت عدّتها و إن کانت مضغه ;

عبد الرحمان بن حجاج از امام کاظم(ع) روایت کرده و می گوید: از ایشان درباره زن باردار پرسیدم که اگر شوهر او را طلاق دهد و بعد از طلاق حمل خود را تمام شده یا تمام نشده سقط و یا به صورت مضغه فرود آورد [حکم عده او چیست؟]فرمود: هر چه را زن زمین بگـذارد که معلوم باشـد حمل بوده خلقش تمام باشـد یا ناتمام عـدّه او منقضـی شـده، اگر چه حمل مضـغه باشد>.

– < عن عبدالرحمن بن أبی عبداللّه البصری عن أبی عبداللّه (ع) قال : سألته عن رجل طلّق إمرأته و هی حبلی و کان فی بطنها إثنان فوضعت واحداً و بقی واحد ؟ قال : قال : تبین بالاوّل و لاتحلّ للأزواج حتّی تضع ما فی بطنها ;

عبدالرحمان بن ابی عبداللّه بصری می گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم: مردی زن حامله خود را طلاق داده و او دو فرزند داشته است، یکی را فرود آورده و دیگری باقیمانده است[حکم عدّه او چیست؟] امام فرمود: با فرود آمدن فرزند اوّل، از شوهر منقطع می گردد، ولی برای دیگران حلال نمی شود تا آن که آنچه در شکم دارد فرود آورد>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۵ – ۱

۱ – احکام طلاق و عدّه زنان مطلّقه و ادای حقوق آنان (همچون مسکن ، هزینه زندگی و برخورد شایسته) فرمان های نازل شده از سوی خداوند

إذا طلّقتم النساء فطلّقوهنّ لعدّتهنّ . .. ذلک أمر اللّه أنزله إلیکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۶ – ۱۱، ۱۰،۸،۷،۶،۵،۴،۳،۲،۱

۱ – مسکن زنان مطلّقه در ایّام عدّه ، برعهده همسرانشان است .

أسکنوهنّ

۲ – مسکن زنان مطلّقه ، باید در بخشی از همان محل سکونت و منزل همسرانشان باشد ; نه در منزل و محل دیگر .

أسکنوهنّ من حیث سکنتم

گفتنی است <من> در <من حیث سکنتم> برای تبعیض است; یعنی، در بخشی از منزل مسکونی خویش، همسران را اسکان دهید.

۳ – مسکن زنان مطلّقه از نظر کمیت و کیفیت ، باید به

مقدار دارایی و توانایی همسرانشان باشد ; نه کمتر از آن .

أسکنوهنّ من حیث سکنتم من وجدکم

<وجد>، به معنای وسع و طاقت (توانایی) است.

۴ - مردان حق ندارند با گزند رساندن و سخت گیری کردن ، عرصه را بر زنان مطلّقه خویش تنگ سازند و زندگی آنان را در خانه خود ، غیر قابل تحمل کنند .

و لاتضارّوهنّ لتضیّقوا علیهنّ

۵ - نفقه (هزینه زندگی) زنان مطلّقه تا وقت تولد فرزند ، برعهده همسرانشان است .

و إن کنّ أُولت حمل فأنفقوا علیهنّ حتّی یضعن حملهنّ

۶ - مردان باید به زنان مطلّقه ، بابت شیردادن فرزندان خود اجرت بپردازند .

فإن أرضعن لکم فاتوهنّ أُجورهنّ

۷ - زنان مطلّقه ، در شیردادن به نوزاد خویش و یا نپذیرفتن آن ، مختار و آزاداند .

فإن أرضعن لکم فاتوهنّ أُجورهنّ

۸ - مردان و زنان مطلّقه ، باید درباره شیر دادن و کیفیت نگه داری نوزادانشان ، به مشاوره و هم فکری بپردازند .

و أتمروا بینکم

۱۰ - در صورت به توافق نرسیدن مردان و زنان مطلّقه درباره شیردادن نوزاد خویش به خاطر دشوار بودن آن و یا سخت گیری آنان بر یکدیگر باید نوزاد را به دایه بسپارند .

و إن تعاسرتم فسترضع له أُخری

۱۱ - مسؤولیت نگهداری نوزادان زنان مطلّقه و گرفتن دایه برای آنان و هزینه آن ، برعهده مردان است .

و إن تعاسرتم فسترضع له أُخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۴

۴ – مردان تنگ دست ، باید به میزان توانایی خویش ، هزینه زندگی زنان مطلّقه را در ایّام عدّه بپردازند .

و من قدر

علیه رزقه فلینفق ممّا ءاتیه اللّه

اختیار همسران محمد(ص) در طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۸ - ۲،۵،۷،۱۲

۲ - پیامبر (ص) طبق فرمان خداوند ، همسران خود را مخیر کرد که یا دنیا و امکانات اش را انتخاب کنند و از پیامبر جدا شوند و یا آن حضرت را برگزینند و چنین خواسته هایی نداشته باشند .

قل لأزوجک إن کنتنّ تردن الحیوه الدنیا و زینتها فتعالین أمتّعکنّ و أسرّحکنّ سراحً

۵ - پیامبر (ص) طبق فرمان خداوند ، موظف بود که در صورت انتخاب طلاق از سوی همسران اش ، به آنها متاعی پرداخت کرده و با رویی خوش آنان را طلاق دهد .

قل لأزوجک إن کنتنّ تردن الحیوه الدنیا . .. أمتّعکنّ و أسرّحکنّ سراحًا جمیلًا

<سراح> در لغت، به معنای <رها کردن> است (مفردات راغب).

۷ - صرف انتخاب دنیا از سوی همسران پیامبر (ص) با مخیر بودن آنان به انتخاب یکی از دو امرِ دنیا و پیامبر (ص) برای طلاق کافی نبود ، بلکه آن حضرت ، باید درباره آنان تصمیمی هم اتخاذ می کرد .

قل لأزوجک إن کنتنّ تردن الحیوه الدنیا. .. فتعالین أمتّعکنّ و أسرّحکنّ سراحًا جمی

تصریح به <تسریح> نشان می دهد که صرف انتخاب دنیا از سوی همسران پیامبر برای طلاق کافی نبوده است.

۱۲ - < عیص بن قاسم عن أبی عبداللّه (ع) قال : سألته عن رجل خیّر إمرأته فاختارت نفسها بانت منه ؟ قال : لا ، إنّما هذا شیء کان لرسول اللّه (ص) خاصه ،

أَمر بـذلک ففعـل و لو اخترْنَ أنفسـهنّ لطلّقهنّ و هو قول اللّه عزّوجـلّ : < قـل لأزواجـک إن کنتنّ تردن الحیـاه الـدنیا و زینتها فتعالین أُمتّعکنّ و أُسرّحکنّ سراحاً جمیلًا > ;

عیص بن قاسم گویـد: از امام صادق(ع) پرسـیدم: اگر مردی اختیار را به همسـر خود بدهـد که نزد او بماند یا از او جدا شود و زن، جـدایی را انتخاب کنـد، آیا (بدون اجرای طلاق) زن از او جدا می شود؟ فرمود: نه. این حکم، مخصوص رسول اللّه(ص) بود. وی مأمور شـد تا همسـران خود را مخیر سازد و اگر همسـرانِ ایشان خود را اختیار می کردنـد (و نه ماندن نزد رسول خدا را) پیغمبر(ص) آنان را رها می کرد. آن، این سخن خدا است که می فرماید: قل لأزواجک...>.

اخلاص در گواهی طلاق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۲ – ۷

۷ – گواهی شاهـدان در امر طلاق زنان و یا رجوع همسـران به آنان ، بایـد برای خدا و خالصانه و به دور از چشـمداشت مادی باشد .

و أقیموا الشهده للّه

اهمیت طلاق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۵ – ۱۲

۱۲ – اهمیت مسائل خانوادگی (ازدواج ، طلاق ، حقوق همسران و . . .) ، در میان موضوعات اسلامی و آموزه های قرآنی

إذا طلّقتم النساء . .. اتّقوا اللّه ... من یتّق اللّه ... یعظم له أجرًا

اهمیت عده طلاق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۵ – ۳

۳ – احکام طلاق و عدّه

زنان مطلّقه ، تکلیفی مهم و مؤکّد برعهده همسران

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ . .. ذلک أمر اللّه أنزله إلیکم

مطلب یاد شده، از اطلاق تصریح <أمر اللّه> بر احکام مربوط به طلاق و عدّه زنان، به دست می آید.

تشریع طلاق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۰ – ۱۱

۱۱ تشریع طلاق از جانب خداوند ، برای زندگی های مسالمت ناپذیر ، حکمی حکیمانه است .

و إن یتفرقا . .. و کان اللّه وسعاً حکیماً

تشویق به طلاق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۰ – ۶

۶ طلاق و جدایی زن و شوهر ناسازگار علی رغم چشم پوشی هر یک از برخی حقوق زناشویی ، مورد ترغیب و تشویق خداوند

و إن تصلحوا و تتقوا . .. و إن یتفرقا یغن اللّه کلا من سعته

<یغن اللّه> که حاکی از وعده الهی به رفع نیازهای زن و شوهر در صورت جدایی است، دلالت بر تشویق به طلاق دارد.

تقوا در طلاق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۱ – ۶

۶ – توصیه خداوند به مردان و همسرانشان ، مبنی بر رعایت تقوا و خداپرستی در مسائل مربوط به طلاق

إذا طلّقتم النساء . .. و اتّقوا اللّه ربّکم

تهدید به طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۵ - ۱

۱ - تهدیـد شـدن همسـران خطاکـار پیامبراکرم (ص) از سوی خداونـد به طلاق ، در صورت ادامه راه خطای خویش و ترک توبه

عسی ربّه

إن طلّقكنّ أن يبدّله أزوجًا خيرًا منكنّ

از لحن آیه شریفه استفاده می شود که این آیه در مقام تهدید و هشدار است تا بلکه موجب بیداری و تنبّه همسران رسول خدا شود; نه این که پیامبر(ص) تصمیم بر طلاق آنان داشت. گفتنی است اقدام نکردن پیامبر(ص) به طلاق همسرانش، مؤید همین مطلب است.

زمینه طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۹

۹ اعتقاد به فضل و رحمت الهی ، زمینه ساز اقدام به طلاق ، برای رهایی از بن بست زندگی اصلاح ناپذیر

و إن یتفرقا یغن اللّه کلا من سعته

سوگند به طلاق همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۱۸

۱۸ - از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود : < ان من خطوات الشیطان الحلف بالطلاق و النذور فی المعاصی و کل یمین بغیر اللّه ;

از گامهای شیطان است قسم خوردن به طلاق همسر و نذر در گناهان و هر سوگندی که به غیر خداوند باشد>.

شرایط طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۰ - ۷

۷ شرط طلاق در ازدواج زن سه طلاقه با محلّل ، بی اثر و فاقد اعتبار است . *

حتی تنکح زوجاً غیره فان طلّقها

استناد طلاق به مُحلّل (فان طلّقها) و بیان آن با <اِن> شرطیّه، که توقع حصول در آن لحاظ نمی شود، دلالت بر اختیار کامل

محلّل در طلاق دارد و لازمه آن، بی اعتباری شرط طلاق، بر فرض وجود است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۳،۲۲،۲۳

۳ - لزوم اجرای صیغه طلاق در زمان عدّه زن (زمانی که زن از عادت ماهانه پاك شده و با شوهرش درنیامیخته است .)

إذا طلّقتم النساء فطلّقوهنّ لعدّتهنّ

<لام> در <لعدّتهنّ> معادل <عند> است; یعنی، <فطلّقوهنّ عند عدّتهنّ> (نظیر <أقیموا الصلاه لدلوك الشمس>; یعنی <عند دلوك الشمس).

۲۲ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < فطلّقوهنّ لعدّتهنّ > و العدّه الطُّهر من الحیض . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا <فطلّقوهنّ لعدّتهنّ> روایت شده که مراد از عدّه، پاکی از حیض است>.

۲۳ - < عن النبیّ (ص) < فطلّقوهنّ لعدّتهنّ > قال : طاهراً من غیر جماع ;

از پیامبر(ص) درباره <فطلّقوهنّ لعدّتهنّ> روایت شده که فرمود: [زن باید در حالی طلاق داده شود] که از حیض پاك شده باشد; بدون این که در آن پاکی، آمیزشی صورت گرفته باشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۵،۱۶

۵ - لزوم گواهی گرفتن دو شاهد عادل ، بر جدایی کامل مرد از زن مطلّقه خویش

و اشهدوا ذوی عدل

برداشت یاد شده، براساس نظریه بسیاری از مفسران است که گفته اند: برای رجوع مرد به زن مطلّقه خود، شاهد لازم نیست و گرفتن گواهی، اختصاص به طلاق و جدایی کامل دارد.

۱۶ - < محمدبن أبی نصر قال : سألت أبا الحسن (ع) . . . فقلت له : فإن طلّق علی طهر من غیر جماع بشاهد و امرأتین ؟ فقال : لاتجوز شهاده النساء فی الطلاق .

;..

محمـدبن ابی نصـر گویـد: از امام رضا(ع) سؤال نمودم. .. اگر زنی را در پاکی بدون این که در آن پاکی آمیزشـی شده باشـد یک شاهد [مرد] و دو شاهد زن طلاق دهد؟ حضرت فرمود: شهادت زنان در طلاق نافذ و کارساز نیست...>.

شمارش عده طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۴،۵

۴ - لزوم نگه داری عدّه طلاق و شمارش دقیق آن

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ و أحصوا العدّه

۵ - دقت در شمارش عدّه ، از امور مهم در مسأله طلاق

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ و أحصوا العدّه

مطلب یاد شده، از توصیه به شمارش دقیق عدّه پس از فرمان به نگه داری عدّه (فطلقوهنّ لعدّتهنّ) به دست می آید.

طلاق باین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۰ - ۱،۲،۵

۱ زندگی مرد با همسر خویش پس از طلاقِ سوم ، جز با فاصله شدن ازدواج با مرد دیگر (مُحَلِّل) ، جایز نیست .

الطّلاق مرّتان . .. فان طلقها فلا تحلّ له من بعد حتی تنکح زوجاً غیره

۲ ازدواج شوهر اوّل با زن سه طلاقه خود مشروط به نکاح دائمی با مرد دیگر و پیش آمدن طلاق است .

فان طلّقها فلا جناح علیهما ان یتراجعا

مطرح کردن طلاق از سوی شوهر دوّم حاکی است که باید ازدواج با او دائمی باشد و نه موقّت. چون در ازدواج موقّت، طلاق نیست.

۵ جواز ازدواج مرد با زن سه طلاقه خود ، مشروط به آمیزش محلِّل با آن زن است .

حتی تنکح زوجاً غیره

انتخاب کلمه <زوجاً>

به جای <رجلا>، دلالت بر عقد ازدواج دارد; بنابراین کلمه <تنکح>، باید بر معنایی زیادتر از عقد دلالت کند و آن معنا، همان آمیزش خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۲ - ۳،۵

۳ از بین رفتن عُلقه زوجیّت با انقضای عِدّه ، و احتیاج به عقد مجدد برای ادامه زندگی با شوهر سابق

و اذا طلّقتم النّساء فبلغن اجلهنّ فلا تعضلوهنّ ان ینکحن

با توجّه به اینکه در آیات قبل، از ادامه زندگی قبل از انقضای عدّه، تعبیر به <امساک> و <ردّ> شده و در این آیه تعبیر <نکاح> آمده است، معلوم می شود با انقضای عدّه، عُلقه زوجیت تمام می شود.

۵ شوهر ، حقّ جلوگیری از ازدواج زن مطلّقه خویش را پس از انقضای عِدّه ندارد .

و اذا طلّقتم النّساء فبلغن اجلهنّ فلا تعضلوهنّ

بنابراینکه <فلا تعضلوهنّ> خطاب به شوهر سابق باشد، بر این مبنا مراد از <ازواجهن> نیز مردی غیر از شوهر سابق خواهد بود.

طلاق پس از آمیزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۹ - ۲

۲ - لازم است که زنان مطلّقه ای که شوهران شان با آنان تماس داشته اند ، عدّه نگه دارند .

إذا نکحتم المؤمنت ثمّ طلّقتموهنّ من قبل أن تمسّوهنّ فما لکم علیهنّ من عدّه

طلاق پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۲،۶

۲ عدم لزوم حفظ کانون خانواده در صورت ناتوانی زن و یا شوهر بر سازش و رعایت تقوا در محیط خانواده

و إن امراه خافت من بعلها

نشوزاً او اعراضاً . .. و إن يتفرقا يغن اللّه

پیشنهاد طلاق، بلکه ترغیب به آن در مواردی خاص، دلالت بر عدم لزوم حفظ کانون خانواده در آن شرایط دارد.

۶ طلاق و جدایی زن و شوهر ناسازگار علی رغم چشم پوشی هر یک از برخی حقوق زناشویی ، مورد ترغیب و تشویق خداوند

و إن تصلحوا و تتقوا . .. و إن يتفرقا يغن اللّه كلا من سعته

<يغن اللّه> که حاکی از وعده الهی به رفع نیازهای زن و شوهر در صورت جدایی است، دلالت بر تشویق به طلاق دارد.

طلاق خلع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۱۴،۱۵،۱۶،۱۹،۲۰

۱۴ چشمپوشی زن از مال خود (مَهریّه) و گرفتن طلاق ، بهتر از زندگی زناشویی بدون رعایت حدود الهی است .

و لا يحل لكم ان تأخذوا مما اتيتموهنّ شيئاً الاّ ان يخافا الاّ يقيما حدود اللّه

۱۵ ترس از عدم رعایت حدود الهی در خانواده ، مجوّز توافق زن و شوهر بر طلاق ، با بخشیدن مالی از سوی زن

فان خفتم الا يقيما حدود اللّه فلا جناح عليهما فيما افتدت به

۱۶ احتمال و ترس معقول و متعارف از مراعات نکردن حدود الهی در خانواده ، مُجوّز طلاق خُلع *

فان خفتم اَلاّ يقيما حدود اللّه

با توجّه به اینکه <ان خفتم>، خطاب به عموم مردم است، معلوم می شود نگرانی زن و شوهر باید به نحوی باشد که عموم مردم نیز در صورت آگاهی، این نگرانی را داشته باشند.

۱۹ پرداخت مال از جانب زن به شوهر برای طلاق در غیر مورد طلاق خُلع

جایز نیست .

و لا یحل لکم ان تأخذوا مما اتیتموهنّ . .. فان خفتم ... فلا جناح علیهما

گرچه در ابتدا حکم به حرمت اخذ برای مردان شده است; ولی در صورت ترس، با تعبیر <فلا جناح علیهما>، حرمت را از هر دو (زن و شوهر) برداشته است. بنابراین معلوم می شود که برای زن نیز قبلا حرمتی ثابت بوده است.

۲۰ لزوم نظارت حاکم (قاضی) بر اجرای مقررات طلاق خُلع *

فان خفتم الا یقیما حدود اللّه فلا جناح علیهما

بنابراینکه <خفتم>، خطاب به حُکّام باشد; چنانچه آلوسی نظر داده است.

طلاق در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۲

۲ نامحدود بودن دفعات طلاق رجعی در جاهلیّت و محدود شدن آن در اسلام

الطّلاق مرّتان

با توجّه به شأن نزول: کان الرجل فی الجاهلیّه اذا طلّق امرأته ثم راجعها قبل ان تنقضی عِدّتها . .. و إن طلقها الف مرّه ... فذکرت ذلک لرسول اللّه (ص) فنزلت: <الطلاق مرّتان ... >. (مجمع البیان، ذیل آیه.)

طلاق رجعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۲۸،۲۱،۱۴،۱۳،۱۲،۱۰،۹

۹ حق رجوع شوهر به زن مُطلَقه خویش در مدت عدّه

و بعولتهنّ احق بردّهن فی ذلک

ذلک، اشاره به تربّص است; یعنی سه طُهری که زمان عدّه می باشد.

۱۰ حق رجوع شوهر به همسر مطلّقه خویش ، مشروط به قصد اصلاح در زندگی خانوادگی است .

و بعولتهن احق بردّهن فی ذلک ان ارادوا اصلاحاً

یعنی اگر شوهر مثلا در رجوع خویش قصد دارد که زن هنگامی که از عدّه خارج

نشده است به وی رجوع کند و پس از رجوع، دوباره او را طلاق دهد تا بدین وسیله به او آزار رساند، رجوع با چنین قصدی به حکم ظاهر آیه مشروع نیست.

۱۲ بازگشت مرد و همسر مطلّقه اش در زمان عدّه به زندگی قبلی احتیاج به عقد ندارد . *

و بعولتهن احق بردّهنّ

کلمه <بعوله> (شوهران) و اضافه آن به ضمیر <هُنّ> گویای این معناست که در زمان عدّه طلاق، علقه زوجیت باقی است، بنابراین برای رجوع نیاز به عقد نیست.

۱۳ حق رجوع مرد به همسر مطلّقه خود ، با انقضای مدّت عدّه ساقط می شود .

و بعولتهن احق بردّهن فی ذلک

از مفهوم کلمه <فی ذلک> استفاده می شود.

۱۴ رجوع شوهر آنگاه که به قصد آزار و اذیت زن مطلّقه اش باشد ، بی اثر و فاقد اعتبار است .

و بعولتهن احق بردّهن فی ذلک ان ارادوا اصلاحاً

حق رجوع در آیه مشروط به اصلاح است؛ بنابر مفهوم شرط، آن رجوعی که به قصد اصلاح نباشد و به طریق اولی اگر به قصد اضرار باشد، حقانیّت و اعتبار آن سلب می شود.

۲۱ تصمیم به رعایت حقوق متعارف زن مُطلّقه ، شرط حق رجوع شوهر به او

ان ارادوا اصلاحاً و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف

بیان حقوق زنان بر مردان پس از مقیّد کردن حق رجوع به اصلاح، این نتیجه را در بردارد که از مصادیق اراده اصلاح (ارادوا اصلاحاً)، تصمیم مرد بر رعایت حقوق زن مُطلّقه خویش است.

۲۸ رجوع شوهران به زنان مطلّقه خویش ، امر پسندیده و مورد ترغیب خداوند

و بعولتهنّ احق بردّهنّ فی ذلک

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۱،۲،۵،۶،۷،۸،۱۰

۱ مردان ، تنها در طلاق اول و دوّم ، حق رجوع دارند .

الطلاق مرتان فامساک بمعروف

الف و لام در <الطلاق>، عهد ذکری است؛ یعنی آن طلاقی که برای شوهران حقِ رجوع در آن بود <و بعولتهنّ احقّ . .. >، بیش از دو مرتبه نیست.

۲ نامحدود بودن دفعات طلاق رجعی در جاهلیّت و محدود شدن آن در اسلام

الطّلاق مرّتان

با توجّه به شأن نزول: کان الرجل فی الجاهلیّه اذا طلّق امرأته ثم راجعها قبل ان تنقضی عِدّتها . .. و إن طلقها الف مرّه ... فذکرت ذلک لرسول اللّه (ص) فنزلت: <الطلاق مرّتان ... >. (مجمع البیان، ذیل آیه.)

۵ حق طلاق و رجوع ، با مرد است .

فامساک بمعروف

۶ رفتار مرد با زن خود پس از رجوع در طلاق ، باید بر اساس موازین شناخته شده عقل و شرع باشد .

الطلاق مرّتان فامساک بمعروف

۷ رجوع مرد در ایّام عدّه ، نباید به قصد اضرار به زن باشد .

الطلاق مرّتان فامساک بمعروف او تسریح باحسان

۸ پس از طلاق دوّم و رجوع در آن ، یا باید زندگی بر اساس < معروف > باشد و یا طلاق بدون حق رجوع .

فامساک بمعروف او تسریح باحسان

بنابراینکه مراد از <تسریح باحسان> طلاق سوّم باشد؛ چون تنها در دو طلاق حق رجوع می باشد: <الطلاق مرّتان>. و طلاق سوّم بدون حق رجوع خواهد بود.

۱۰ بقای پیوند زوجیّت ، با طلاق رجعی در ایام عدّه

الطلاق مرّتان فامساک بمعروف

از لفظ <امساک> استفاده می شود که شوهر می تواند زن را به همان عقد سابق نگه دارد;

و این معنا بیانگر بقای زوجیّت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۱،۴،۵،۶،۱۰

۱ شوهر در آستانه پایان عدّه زن ، می تواند به او رجوع کند و یا او را ر ها سازد .

و اذا طلّقتم النساء فبلغن اجلهنّ فامسکوهنّ بمعروف او سرّحوهنّ بمعروف

مراد از <فبلغن اجلهنّ> در این آیه، نزدیک شدن پایان عدّه است; نه تمام شدن آن. چون کلمه <بلوغ> همان گونه که در پایان مهلت استعمال می شود، در آستانه پایان نیز استعمال می شود. (المیزان)

۴ حرمت رجوع مرد به زن مُطلّقه ، به قصد آزار و اذیّت وی

و لا تمسکوهنّ ضراراً لتعتدوا

۵ رجوع مرد به زن به قصد آزار و اذیّت ، تعدّی به حدود الهی و ظلم است .

تلک حدود اللّه فلا تعتدوها و من یتعد حدود اللّه فاولئک هم الظالمون . .. و لا تمس

۶ رجوع مرد به زن مُطلّقه با قصد آزار ، ظلم به خویشتن است .

و لا تمسکوهنّ ضراراً لتعتدوا و من یفعل ذلک فقد ظلم نفسه

۱۰ رجوع مرد به زن مُطلّقه به قصد آزار ، مسخره گرفتن آیات الهی است .

و لا تمسکوهنّ ضراراً . .. و لا تتّخذوا ایات اللّه هُزُواً

طلاق زینب بنت جحش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۱۷،۳۱

۱۷ - زیدبن حارثه ، پس از کام گیری از همسرش ، او را طلاق داد و از وی جدا شد .

فلمّا قضی زید منها وطرًا زوّجنکها

<وطر> در لغت <نیاز مهم> را گویند (مفردات راغب). در آیه،

<قضى ... وطراً> کنایه از به پایان رسیدن حاجت زید از نکاح با زینب و به اتمام رسیدن زمان مجاز زناشویی آن دو است.

۳۱ – رخداد مطلَّقه شدن زینب و ازدواج اش با پیامبر (ص) از جمله حوادثی است که براساس خواست خداوند ، تحقق پیدا کرده است .

فلمّا قضی زید منها وطرًا زوّجنکها . .. و کان أمر اللّه مفعولاً

طلاق قبل از آمیزش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۴۹ – ۱،۵

۱ – زنانی که به همسری مردانی درآمده اند و شوهرانشان پیش از تماس با آنان ، ایشان را طلاق داده اند ، عدّه ندارند .

یأیّها الذین ءامنوا إذا نکحتم المؤمنت ثمّ طلّقتموهنّ من قبل أن تمسّوهنّ فما لک

۵ – عُلقه ازدواج زنانی که بدون آمیزش ، طلاق داده شده اند ، بلافاصله پس از طلاق ، قطع می شود و آزادند تا ازدواج کنند .

إذا نکحتم . .. ثمّ طلّقتموهنّ من قبل أن تمسّوهنّ فما لکم علیهنّ من عدّه

طلاق همسر زید بن حارثه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۷ – ۶

۶ – همسر زیدبن حارثه ، با وی ناسازگار بود و زید ، تصمیم گرفت از او جدا شود .

و إذ تقول للذی أنعم اللّه علیه . .. أمسک علیک زوجک

در شأن نزول آیه آورده انـد که زینب، همسـر زیـد، به خاطر این که زید، برده ای آزاد شده است، با او ناسازگاری می کرد و این، بر زید ناگوار بود و از این رو تصمیم گرفت زینب را طلاق دهد.

امر <أمسک>، به این مطلب اشاره دارد و نیز فرمانی است به زید از عملی ساختن تصمیم اش.

طلاق همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۲ - ۲،۹

۲ - پیامبر (ص) مجاز نبود که همسران خود را طلاق داده و دیگرانی را جایگزین آنان کند .

لایحلّ لک . .. و لا أن تبدّل بهنّ من أزوج

۹ - مجاز نبودن پیامبر (ص) به طلاق همسران خود و جایگزین کردن دیگران به جای آنان ، به خاطر جلب رضایت همسران و اطمینان بخشی به آنان است .

ذلک أدنی أن تقرّ أعینهنّ . .. لایحلّ ... و لا أن تبدّل بهنّ من أزوج

عدالت گواهان طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۸

۸ - برخورد شایسته با زنان مطلّقه ، ادای حقّ آنان و انتخاب دو شاهد عادل بر امر طلاق یا رجوع ، از موعظه های الهی به مردان و زنان مؤمن

لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ . .. و أقیموا الشهده للّه ذلکم یوعظ به

<ذلک> اشاره به مجموعه رهنموهای الهی در دو آیه این سوره است.

عده طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۹ - ۳،۴

۳ - عدّه طلاق ، از آثار و توابع آمیزش مرد و زن است ، نه تابع عقد .

إذا نکحتم المؤمنت ثمّ طلّقتموهنّ من قبل أن تمسّوهنّ فما لکم علیهنّ من عدّه تعتد

۴ – عدّه نگه داشتن زنان مطلّقه ، به نفع مردان ، و از حقوق آنان است .

فما لکم

علیهنّ من عدّه

مخاطب <لکم> در آیه، مردانی انـد که زنانی را به ازدواج درآورده و آنها را مطلّقه کرده انـد. قرار دادن عـدّه برای آنان، به مصلحت و سود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱،۲

۱ - پس از پایان عدّه ، مرد یا باید به زن مطلقه خود رجوع کند و یا کاملاً از او جدا شود .

فإذا بلغن أجلهنّ فأمسکوهنّ بمعروف أو فارقوهنّ

۲ - مخیّر بودن مرد ، در رجوع به همسر خویش برای تداوم زندگی مشترک و یا جدا شدن دائمی از او (از زمان اجرای صیغه طلاق تا پایان عدّه)

فامسکوهنّ بمعروف أو فارقوهنّ

عده طلاق باردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۴ - ۵،۶،۱۳،۱۴،۱۵

۵ - عدّه طلاق زنان باردار ، تا پایان بارداری آنان است .

و أُولت الأحمال أجلهنّ أن یضعن حملهنّ

۶ - زنان باردارِ طلاق داده شده ، پیش از وضع حمل ، حق ازدواج مجدد را ندارند و تنها پس از آن می توانند ازدواج کنند .

و أُولت الأحمال أجلهنّ أن یضعن حملهنّ

۱۳ - < قال ابن عباس هی فی المطلّقات خاصه ، و هو المروی عن أئمّتنا ;

ابن عباس گفت: این [انقضای عدّه با وضع حمل]، مخصوص زنان مطلّقه است [نه زنانی که شوهرانشان فوت شده اند] و همین مطلب از ائمه ما(ع) روایت شده است>.

۱۴ - < عبدالرحمن بن الحجاج عن أبی الحسن (ع) قال : سألته عن الحلبی إذا طلّق ها زوجها فوضـعت سـقطاً تمّ أو لم یتمّ أو

وضعته مضغه

، قال : كلّ شیء وضعته يستبين أنه حمل تمّ أو لم يتمّ فقد انقضت عدّتها و إن كانت مضغه ;

عبد الرحمان بن حجاج از امام كاظم(ع) روايت كرده و می گويد: از ايشان درباره زن باردار پرسيدم كه اگر شوهر او را طلاق دهد و بعد از طلاق حمل خود را تمام شده يا تمام نشده سقط و يا به صورت مضغه فرود آورد [حكم عده او چيست؟]فرمود: هر چه را زن زمين بگذارد كه معلوم باشد حمل بوده خلقش تمام باشد يا ناتمام عدّه او منقضی شده، اگر چه حمل مضغه باشد>.

۱۵ - < عن عبدالرحمن بن أبی عبداللّه البصری عن أبی عبداللّه (ع) قال : سألته عن رجل طلّق إمرأته و هی حبلی و كان فی بطنها إثنان فوضعت واحداً و بقی واحد ؟ قال : قال : تبين بالاوّل و لاتحلّ للأزواج حتّی تضع ما فی بطنها ;

عبدالرحمان بن ابی عبداللّه بصری می گويد: از امام صادق(ع) پرسيدم: مردی زن حامله خود را طلاق داده و او دو فرزند داشته است، يكی را فرود آورده و ديگری باقيمانده است[حكم عدّه او چيست؟] امام فرمود: با فرود آمدن فرزند اوّل، از شوهر منقطع می گردد، ولی برای ديگران حلال نمی شود تا آن كه آنچه در شكم دارد فرود آورد>.

عده طلاق غيرحائض

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۴ - ۲،۴،۱۲

۲ - عدّه طلاق زنانی كه حيض نمی بينند [با آن كه در سن حيض ديدن هستند] ، سه ماه است .

فعدّتهنّ ثلثه أشهر و الّئی

لم یحضن

<الّئی>، مبتدا و خبر آن به قرینه <فعدّتهنّ ثلاثه أشهر> محذوف است و تقدیر آن چنین می شود: <الّئی لم یحضن فعدتهنّ ثلاثه أشهر>.

۴ - آن دسته از زنانی که حیض نمی بینند ولی در سن حیض دیدن هستند تنها پس از گذشت سه ماه از آغاز اجرای طلاق درباره آنها ، می توانند اقدام به ازدواج مجدد کنند .

و الّئی یئسن من المحیض . .. فعدّتهنّ ثلثه أشهر و الّئی لم یحضن

۱۲ - < المروی عن أئمتنا (ع) : فلاتدرون لکبر ارتفع حیضهنّ أم لعارض ;

از امامان ما(ع) [در توضیح معنای <ارتبتم> در آیه <و اللاّئی یئسن من المحیض من نسائکم إن ارتبتم>]روایت شده که مقصود این است: [اگر شک دارید و]نمی دانید که [قطع حیض زنانی که از حیض شدن مأیوس شده اند] به علت بالا بودن سنّ است یا عارضه جسمی، [عدّه آنان سه ماه است]>.

عده طلاق یائسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۴ - ۱،۳

۱ - عدّه طلاق زنان یائسه چنانچه درباره علت قطع شدن عادتشان تردیدی باشد سه ماه است .

و الّئی یئسن من المحیض من نسائکم إن ارتبتم فعدّتهنّ ثلثه أشهر

قید <إن ارتبتم> به این معنا است که اگر درباره یأس آنها از حیض شک دارید; یعنی، این یأس به خاطر این است که سن آنان به حد یأس رسیده است یا به خاطر عارض شدن (مثلاً بیماری) یائسه شده اند.

۳ - زنان یائسه ، اگر درباره علت قطع عادتشان تردیدی باشد ، تنها پس از گذشت سه ماه از

آغاز اجرای طلاق درباره آنها ، می توانند اقدام به ازدواج مجدد کنند و ازدواج آنان در ایّام عدّه باطل است .

و الّئی یئسن من المحیض . .. فعدّتهنّ ثلثه أشهر و الّئی لم یحضن

عوامل طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۲۳

۲۳ عدم مراعات حقوق متقابل زن و شوهر ، از عوامل طلاق

و المطلّقات یتربصن بانفسهن ثلثه قروء . .. و لهنّ مثل الذی علیهنّ

فلسفه طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۷ - ۴

۴ طلاق ، آخرین راه حل مشکل ناسازگاری میان زن و شوهر است .

للذین یؤلون . .. و ان عزموا الطلاق فان اللّه سمیع علیم

تأخیر ذکری امر طلاق، می تواند اشاره باشد به این که باید از طلاق، برای حل مشکل در آخرین مرحله استفاده کرد.

فلسفه عده طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۹،۲۰،۲۸

۱۹ - فراهم شدن فرصت های مناسب برای حل مشکل طلاق و زمینه های رجوع مردان به زنان مطلّقه خویش ، فلسفه تعیین عدّه طلاق

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ . .. لاتدری لعلّ اللّه یحدث بعد ذلک أمرًا

طبق نظر مفسران، ذیل آیه شریفه (لاتدری لعلّ اللّه. ..) اشاره به نگه داشتن عدّه برای طلاق دارد که شاید خداوند در مدت نگه داری عدّه، جریانی (مانند آن که طلاق دهنده پشیمان شود و بخواهد رجوع کند) پدید آورد تا مشکل طلاق حل گردد.

۲۰ – بشارت و امید دادن خداوند به همسران مؤمن ، مبنی بر پایان یافتن

مناقشات آنان و پدید آمدن زمینه های رجوع و بازگشت آنها به زندگی مشترک خویش در ایّام عدّه

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ . .. لاتدری لعلّ اللّه یحدث بعد ذلک أمرًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که ذیل آیه شریفه، درصدد دلداری به همسران و ایجاد امید در جان و روح آنان است.

۲۸ - < عن أبی عبداللّه (ع) قال : المطلّقه تکتحل و تختضب و تطیب و تلبس ما شاءت من الثیاب لأنّ اللّه عزّوجلّ یقول : < لعلّ اللّه یحدث بعد ذلک أمراً > لعلّها أن تقع فی نفسه فیراجعها ;

از امام صادق(ع) روایت شده: زن مطلّقه [رجعی]خوب است سرمه کشد و خضاب کند و خود را خوشبو نماید و آنچه دوست دارد، از لباس ها بپوشد; چون خدای عزّوجلّ فرمود است: <لعلّ اللّه یحدث بعد ذلک أمراً>. شاید آن زن در دل شوهرش [محبوب] واقع شود و شوهر به او رجوع کند>.

گواهی در طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۵۸،۸،۱۶

۵ - لزوم گواهی گرفتن دو شاهد عادل ، بر جدایی کامل مرد از زن مطلّقه خویش

و اشهدوا ذوی عدل

برداشت یاد شده، براساس نظریه بسیاری از مفسران است که گفته اند: برای رجوع مرد به زن مطلّقه خود، شاهد لازم نیست و گرفتن گواهی، اختصاص به طلاق و جدایی کامل دارد.

۸ - برخورد شایسته با زنان مطلّقه ، ادای حقّ آنان و انتخاب دو شاهد عادل بر امر طلاق یا رجوع ، از موعظه های الهی به مردان و زنان مؤمن

لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ . .. و أقیموا الشهده للّه ذلکم

یوعظ به

<ذلک> اشاره به مجموعه رهنموهای الهی در دو آیه این سوره است.

۱۶ - < محمدبن أبی نصر قال : سألت أبا الحسن (ع) . . . فقلت له : فإن طلّق علی طهر من غیر جماع بشاهد و امرأتین ؟ فقال : لاتجوز شهاده النساء فی الطلاق . . . ;

محمدبن ابی نصر گوید: از امام رضا(ع) سؤال نمودم. .. اگر زنی را در پاکی بدون این که در آن پاکی آمیزشی شده باشد یک شاهد [مرد] و دو شاهد زن طلاق دهد؟ حضرت فرمود: شهادت زنان در طلاق نافذ و کارساز نیست...>.

محمد(ص) و طلاق همسران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۸ - ۷،۱۲

۷ - صرف انتخاب دنیا از سوی همسران پیامبر (ص) با مخیر بودن آنان به انتخاب یکی از دو امرِ دنیا و پیامبر (ص) برای طلاق کافی نبود ، بلکه آن حضرت ، باید درباره آنان تصمیمی هم اتخاذ می کرد .

قل لأزوجک إن کنتنّ تردن الحیوه الدنیا. .. فتعالین أمتّعکنّ و أسرّحکنّ سراحًا جمی

تصریح به <تسریح> نشان می دهد که صرف انتخاب دنیا از سوی همسران پیامبر برای طلاق کافی نبوده است.

۱۲ - < عیص بن قاسم عن أبی عبدالله (ع) قال : سألته عن رجل خیّر إمرأته فاختارت نفسها بانت منه ؟ قال : لا ، إنّما هذا شیء کان لرسول الله (ص) خاصه ، أُمر بذلک ففعل و لو اخترْنَ أنفسهنّ لطلّقهنّ و هو قول الله عزّوجلّ : < قل لأزواجک إن کنتنّ تردن

الحیاه الدنیا و زینتها فتعالین أَمتّعکنّ و أَسرّحکنّ سراحاً جمیلًا > ;

عیص بن قاسم گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم: اگر مردی اختیار را به همسر خود بدهد که نزد او بماند یا از او جدا شود و زن، جدایی را انتخاب کند، آیا (بدون اجرای طلاق) زن از او جدا می شود؟ فرمود: نه. این حکم، مخصوص رسول اللّه(ص) بود. وی مأمور شد تا همسران خود را مخیر سازد و اگر همسرانِ ایشان خود را اختیار می کردند (و نه ماندن نزد رسول خدا را) پیغمبر(ص) آنان را رها می کرد. آن، این سخن خدا است که می فرماید: قل لأزواجک...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۱ - ۲،۴،۸

۲ - پیامبر (ص) ، مجاز است هر یک از زنان خود را طلاق دهد و یا به زندگی با آنان ادامه دهد .

ترجی من تشاء منهنّ و تئوی إلیک من تشاء

برداشت بالاـ بنابراین احتمال است که مرجع ضمیر در <منهنّ> واژه <أزواج> در آیه پیش باشد. <ترجی> (به تأخیر بیندازی) و <تئوی> (مکانْ بدهی) کنایه از طلاق و نگهداری است.

۴ - واگذاری حق تصمیم و اختیار درباره همبستری با همسران ، به خود پیامبر (ص) به خاطر رفع مشقت از آن حضرت است .

لکیلا یکون علیک حرج . .. ترجی من تشاء منهنّ

۸ - واگذارشدن طلاق هر یک از همسران و یا عدم آن ، به پیامبر (ص) به منظور رفع نگرانی از همسران آن حضرت است .

ترجی من تشاء منهنّ . .. ذلک أدنی أن تقرّ أعینهنّ و لایحزنّ

<تقرّ> از

ریشه <قرّ> به معنای <سردی>، و <قرّه العین> کنایه از سرور و خوشحالی است (مفردات راغب). لازم به ذکر است که برداشت بالا، بنابراین است که مشارالیه <ذلک> عبارت <ترجی من تشاء ... و تؤوی إلیک من تشاء> باشد.

مراد از عده طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۲۲

۲۲ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < فطلّقوهنّ لعدّتهنّ > و العدّه الطُّهر من الحیض . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا <فطلّقوهنّ لعدّتهنّ> روایت شده که مراد از عدّه، پاکی از حیض است>.

ممانعت از طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۱۲

۱۲ منع از طلاق با وجود اختلافات غیر قابل تحمل ، حرکتی غیر منطقی است .

و إن یتفرقا یغن اللّه کلا من سعته و کان اللّه وسعاً حکیماً

جمله <و کان اللّه واسعاً> می تواند بیانگر دلیل تشریع طلاق باشد، یعنی حکمت خداوند، منشأ تشریع طلاق است، بنابراین می توان گفت منع از طلاق در شرایطی خاص، نتیجه عدم واقع بینی است.

موانع طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۰ - ۱۴

۱۴ مُحلِّل ، عامل بازدانده مرد از طلاق های مکرر *

فان طلقها فلا تحل له من بعد حتی تنکح زوجاً غیره

اشتراط مُحلِّل برای بازگشت به زندگی پس از طلاق سوّم، به منزله مانع تراشی برای طلاقهای مکرر و بی مورد است; خصوصاً با توجّه به حساسیّت مردان در این مورد.

- آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۲۰

۲۰ جواز گذشت زن از برخی حقوق خویش ، به انگیزه جلوگیری از ناسازگاری شوهر و رخ ندادن طلاق

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: هذا تکون عنده المراه لا_تعجبه فیرید طلاقها فتقول له: امسکنی و لاتطلقنی و ادع لک ما علی ظهرک و اعطیک من مالی و احللک من یومی و لیلتی فقد طاب ذلک له کله .

کافی، ج ۶، ص ۱۴۵، ح ۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۸، ح ۶۰۰.

ناپسندی طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۶ - ۱۰

۱۰ بازگشت به زندگی زناشویی پس از ایلاء ، بهتر از طلاق است .

فان فاءو فانّ اللّه غفور رحیم. و ان عزموا الطلاق فان اللّه سمیع علیم

تقدیم ذکری بازگشت به زندگی عادی (فان فاءو)، نشانه تقدم رُتبی آن است و نیز وعده رحمت و مغفرت در صورت بازگشت و رعایت حق زن، حاکی از اولویت امر اوّل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۷ - ۷

۷ ناپسندی طلاق در پیشگاه خداوند *

و ان عزموا الطلاق فان اللّه سمیع علیم

با توجّه به اینکه در بازگشت به زناشویی، وعده به غفران و رحمت خدا داده شده است; ولی در طلاق، تکیه بر دو صفت <سمیع> و <علیم> شده که دلالت بر نوعی تهدید دارد.

نیت در طلاق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۷ –

۲ اعتبار قصد و لفظ در طلاق

و ان عزموا الطلاق فان اللّه سمیع علیم

به نظر می رسد آوردن دو صفت <سمیع> (شنوا) و <علیم> (دانا) اشاره به اعتبار قصد و لفظ در طلاق دارد.

طمع از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

طمع

آثار طمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۱۲

۱۲ بخل و آزمندی ، از عوامل مهم ناهمسازی و مانع عمده صلح و آشتی است .

و الصلح خیر و احضرت الانفس الشح

<شح>، بخل همراه با حرص و آزمندی است. ظاهراً عنوان کردن بخل پس از صلحی که مستلزم گذشت از حقوق است، بیانگر این معناست که اگر صلح را نپذیرفتید، بدانید که بخل مانع آن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۷،۱۰

۷ حرص و آزمندی به دنیا ، مایه تحریف احکام و حقایق دین

یحرفون الکلم من بعد مواضعه . .. اکلون للسحت

۱۰ رشوه گیری ، حرامخواری و آزمندی به دنیا ، مایه خواری و رسوایی در دنیا و عذابی بزرگ در آخرت

لهم فی الدنیا خزی و لهم فی الاخره عذاب عظیم . .. اکلون للسحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۴ – ۳۹

۳۹ سودجویی و طمعورزی ، از عوامل نادیده گرفتن احکام الهی و حکم نکردن بر اساس آن

یحکم بها . .. و لاتشتروا بایتی ثمناً قلیلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۱ – ۸

۸ – خیره شدن و دل بستگی به دنیا و زندگی مرفه

دیگران ، مانع از دسترسی به مقام رضا است .

لعلّک ترضی . و لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا

ممکن است این آیه در ارتباط با آخرین جمله آیه قبل باشد. مقتضای این ارتباط آن است که علاوه بر تسبیح و تنزیه پروردگار در شبانه روز که موجب کسب رضایت خاطر است چشم ندوختن به مال و منال دنیای دیگران نیز، دارای نقش مؤثر در وصول انسان به مقام رضا است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۹ – ۱۴

۱۴ – حرص و چشمداشت به مال و حقوق دیگران ، از موانع جدی رستگاری است .

و من یوق شحّ نفسه فأُولئک هم المفلحون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۶ – ۳

۳ – منّت نهادن و چشم داشت داشتن در انفاق ها و عطایا ، از مصادیق اخلاق و اوصاف پلید و آلوده

و الرجز فاهجر . و لاتمنن تستکثر

برداشت یاد شده، از مناسبت عطف جمله <لاتمنن تستکثر> به <و الرجز فاهجر> استفاده می شود.

آثار طمع آدم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۱ – ۳

۳ – تمایل آدم (ع) و طمع وی در مورد خلود و جاودانگی و ملک بی زوال ، او و همسرش را به تناول از درخت ممنوع شده واداشت .

هل أدّلک علی شجره الخلد . .. فأکلا منها

اجتناب از طمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۹ - ۱

۱ لزوم خشنود بودن به عطای

خدا و رسولش و طمع نداشتن به بیش از حق خود

و لو أنهم رضوا ما ءاتیهم اللّه و رسوله

انصار و طمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۹ - ۷

۷ - انصار ، به دور از کمترین حسد و چشمداشت نسبت به اموال عطا شده به مهاجران از < فیء >

و لایجدون فی صدورهم حاجه ممّا أُوتوا

با توجه به این که حسد مسبوق به چشمداشت است و انصار هیچ گونه چشمداشتی نسبت به اموال عطا شده به مهاجران نداشتند; از آیه شریفه نفی هرگونه حسادت استفاده می شود.

اهمیت اجتناب از طمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۸ - ۵

۵ - خوشنودی به دستاورد و پرهیز از آز و طمع ، موهبتی الهی است . *

و أنّه هو أغنی و أقنی

بنابر معنایی که برای <أقنی> در لغت یاد شده است (رضا) مطلب بالا به دست می آید.

دفع طمع کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۷

۷ نرمش نشان ندادن به کافران و قطع طمع آنان از تعرض و سلطه بر مؤمنان ، امری لازم و ضروری است .

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

سرزنش طمع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۲ – ۱۷،۶،۵،۲

۲ لزوم خودداری از طمعورزی و آرزوی دستیابی به نعمت های خدادادی دیگران

و لا تتمنّوا ما فضّل اللّه به بعضکم علی بعض

۵ چشمداشت و آرزوی دستیابی به نعمت های

دیگران ، زمینه ارتکاب گناه

ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه . .. و لا تتمنّوا ما فضّل اللّه

نهی از آرزوی دستیابی به نعمتهای دیگران، پس از ترغیب به اجتناب گناهان، می تواند اشاره به ریشه برخی گناهان کبیره و ارشاد به راه مبارزه با آن باشد.

۶ چشمداشت و آرزوی دستیابی به نعمت های خدادادی دیگران ، زمینه حرامخواری و ناهنجاری های اقتصادی

لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل . .. و لا تتمنّوا ما فضّل اللّه به بعضکم علی بعض

نهی از آرزوی دستیابی به نعمتهای دیگران، پس از بیان حکم تصرفات ناروا در اموال مردم، می تواند بیانگر این باشد که تملک اموال دیگران از راه باطل، ریشه در طمعورزی به نعمتهای دیگران دارد.

۱۷ آدمی باید کمبود های خویش را با تقاضای از خدا جبران کند ، نه با طمعورزی و دست اندازی به حقوق دیگران

و لا تتمنّوا ما فضّل اللّه . .. و سئلوا اللّه من فضله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۸ – ۶

۶– چشم دوختن و غبطه خوردن به مال و منال دنیا ، امری نکوهیده و ناپسند

لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۱ – ۵

۵ – چشم دوختن و غبطه خوردن بر مال و منال دنیاداران ، امری نکوهیده ونارو است .

و لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

طمع اصحاب الجنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۸ – ۱،۲

۱ - سوگند صاحبان باغ یمنی ،

مبنی بر جدا نکردن سهم مستمندان و نیازمندان از میوه های چیده شده

إذ أقسموا لیصرمنّها مصبحین . و لایستثنون

<استثنا> به معنای خارج کردن است و <لایستثنون> عطف بر <لیصرمنّ> می باشد.

۲ - اطمینان همراه با غرور باغداران یمنی ، به موفقیت خویش در چیدن تمامی محصولات باغ برای خود

إذ أقسموا لیصرمنّها مصبحین . و لایستثنون

سوگند باغداران، همراه با تأکید بر این که تمامی محصولات را بدون استثنا برای خود خواهند چید، گویای مطلب یاد شده است.

طمع انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۱۱

۱۱ جان آدمیان ، عجین با بخل و آزمندی

و احضرت الانفس الشح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۲

۲ ملاک حلیت اشیا ، پاکیزگی و سازگاری آنها با طبع است .

الیوم احل لکم الطیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۵ - ۲

۲ - انسان ، موجودی بی نهایت طلب و افزون خواه ، در به چنگ آوردن ثروت و قدرت

ثمّ یطمع أن أزید

طمع به ثروتمندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۵ – ۱۴

۱۴ ترحم به فقیران و بیزاری از ثروتمنـدان و یـا بی اعتنـایی به فقیران و طمع به ثروتمنـدان ، نبایـد مؤمنان را از شـهادت به حق بازدارد .

کونوا قومین بالقسط شهداء للّه . .. ان یکن غنیاً او فقیراً فاللّه اولی بهما

شهادت درباره فقیر و ثروتمند چهار صورت دارد: یا شهادت علیه ثروتمند است به خاطر گرایش

ضـد اسـتکباری، یـا به نفع اوست به خـاطر طمع یا ترس، یا علیه فقیر است به خاطر بی اعتنایی به او، و یا به نفع اوست به خاطر ترحم و گرایش به مستضعفان، خداوند دخالت دادن این موارد را در ادای شهادت ممنوع دانسته است.

طمع به غنایم غزوه بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۹

۹ - چشمداشت برخی از مسلمانان ، به داشتن سهمی در غنایم به دست آمده از بنی نضیر *

و ما أفاء اللّه علی رسوله منهم فما أوجفتم علیه . .. و لکنّ اللّه یسلّط رسله

بیان این نکته که شـما مسـلمانان، اسب تازی در این جنگ نداشتیـد و این خـدا بود که این پیروزی را فراهم ساخت، می تواند پاسخی برای انتظارات مسلمین در تقسیم غنایم میانشان باشد.

طمع در انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۶ - ۳

۳ - منّت نهادن و چشم داشت داشتن در انفاق ها و عطایا ، از مصادیق اخلاق و اوصاف پلید و آلوده

و الرجز فاهجر . و لاتمنن تستکثر

برداشت یاد شده، از مناسبت عطف جمله <لاتمنن تستکثر> به <و الرجز فاهجر> استفاده می شود.

طمع علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۶

۶ حرص و آزمندی شدید عالمان یهود عصر پیامبر (ص) به متاع دنیا

اکلون للسحت

صیغه مبالغه <اکلون> نشان از رغبت و حرص فراوان عالمان یهود دارد.

طمع مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹

- مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۳

۳ - دلـداری خداونـد به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت های کافران عنود ، قدرت طلب و افزون خواه (همچون ولیدبن مغیره)

ثمّ یطمع أن أزید . کلّا

برداشت یـاد شـده، با توجه به این نکته است که مخالفان پیامبر(ص) از جمله ولیـدبن مغیره از ثروت انـدوزان و قـدرت منـدان بودند. نفی ازدیاد قدرت و ثروت آنان با تعبیر (کلّا) از سوی خداوند، می تواند به منظور دلداری به پیامبر(ص) باشد.

طمع منازعان قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۳ - ۳

۳ - طمع کردن برادر دارای ۹۹ میش به تنها میش برادر خود ، ادعانامه برادر شاکی به حضور داوود (ع)

و لی نعجه وحده فقال أکفلنیها

تعبیر <أکفلنیهـا> (کفـالت آن را به من واگـذار) کنایه از بخشـش و هـدیه کردن است; یعنی، این یک میش را به من هـدیه کن.

طمع منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۲

۲ فرصت طلبی ، طمعکاری و برخورد های طلبکارانه ، از ویژ گی های اهل نفاق است .

الذین یتربّصون بکم فإن کان لکم فتح من اللّه . .. و نمنعکم من المؤمنین

طمع منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۵

۵ چشمداشت منافقان صدر اسلام به دریافت صدقات ، با وجود عدم استحقاق آنان

و منهم من یلمزک فی الصدقت فإن أعطوا منها رضوا . .. إنما الصدقت للفقراء ... و

ابن

طمع ولید بن مغیره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۵ – ۱

۱ – ولیدبن مغیره ، فردی طمع کار و افزون خواه

و جعلت له مالاً ممدودًا . .. ثمّ یطمع أن أزید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۶ – ۱،۳

۱ – ولیدبن مغیره ، هرگز به تمامی آرزو های مادی خود نرسید و عطش زیاده خواهی او سیراب نگردید .

ثمّ یطمع أن أزید . کلّا

۳ – دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت های کافران عنود ، قدرت طلب و افزون خواه (همچون ولیدبن مغیره)

ثمّ یطمع أن أزید . کلّا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که مخالفان پیامبر(ص) از جمله ولیدبن مغیره از ثروت اندوزان و قدرت مندان بودند. نفی ازدیاد قدرت و ثروت آنان با تعبیر (کلّا) از سوی خداوند، می تواند به منظور دلداری به پیامبر(ص) باشد.

موانع طمع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۲ – ۲۰

۲۰ امیدواری به فضل الهی ، زمینه ساز پرهیز از طمعورزی نسبت به دارایی های دیگران

و لا تتمنّوا ما فضّل اللّه . .. و سئلوا اللّه من فضله

نهی از تمنی و طمعورزی، و آنگاه امر به تقاضا از خدا، که نتیجه آن امیدبخشی به فضل الهی است، در حقیقت ارائه راهی

است برای اجتناب از حسرت و دست اندازی به نعمتهای دیگران.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۱

۲۲ – توجه به رزق پایدار و سرتاسر خیر پروردگار ، زمینه ساز دوری گزینی از چشم دوختن به امکانات دنیایی دیگران است .

و لاتمدّنّ عینیک . .. و رزق ربّک خیر و أبقی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۲ – ۱۰

۱۰ – اقامه نماز و مداومت بر آن ، سدّی در برابر تمایلات دنیاطلبانه و مانع چشم دوختن به دنیای دیگران است .

و لاتمدّنّ عینیک . .. وأمر أهلک بالصلوه واصطبر علیها

فرمان به اقامه پی گیر نماز، پس از نهی از چشم دوختن به دارایی های دنیاداران، این نکته را گوشزد می کند که با اقامه نماز و گسترش دامنه آن، می توان زمینه را برای دل بریدن از ثروت های کافران فراهم آورد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۹ – ۱۳

۱۳ – ایمان و امداد های معنوی خداوند ، بازدارنده انسان از بخل و آز *

و من یوق شحّ نفسه

از مجهول آمدن <یُوق>، استفاده می شود که عامل بازدارنده، عاملی است ورای خود انسان و احتمال می رود آن عامل، ایمان و امدادهای معنوی حق باشد.

ناپسندی طمع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۵ – ۳

۳ – طمعورزی و افزون خواهی در به چنگ آوردن ثروت و قدرت بیشتر ، خصلتی ناپسند و محکوم است .

ثمّ یطمع أن أزید

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این دسته از آیات که درباره افراد کافر و دین ستیزی همچون ولیدبن مغیره

است

درصدد بیان خصلت های زشت آنان و محکوم کردن آنها است.

طواف از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

طواف

آداب طواف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۲

۲ - ورود به مسجدالحرام برای انجام طواف ، با سر و تن آلوده و نیاراسته ، ممنوع است .

ثمّ لیقضوا تفثهم

احکام طواف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۴

۴ - وجوب طواف ، پس از تقصیر و خروج از احرام

ثمّ لیقضوا تفثهم . .. و لیطّوّفوا

تأخیر طواف در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۵

۵ - جواز تأخیر در اجرای تقصیر و طواف ، پس از انجام قربانی

ثمّ لیقضوا تفثهم . .. و لیطّوّفوا

به کارگیری <ثمّ> که برای تراخی در زمان است بیانگر مطلب یاد شده است.

طواف در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۸،۹

۸ - < عن أمیرالمؤمنین (ع) أنّه قال فی قول اللّه عزّوجلّ : < ثمّ لیقضوا تفثهم و لیوفوا نذورهم و لیطوفوا بالبیت العتیق > قال : التفث الرمی و الحلق و النذور من نذر أن یمشی و الطواف هو طواف الزیاره . . . ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که در باره سخن خداوند عزّوجلّ <ثمّ لیقضوا تفثهم و لیوحوا نذورهم و لیطوفوا بالبیت العتیق> فرمود: مراد از <تفث> رمی جمرات و تراشیدن سر است و مراد از <نذور> کسی است که نذر کرده که پیاده برود(۱) و مراد از

طواف، طواف زیارت است. ..>. ۱ محتمل است مقصود این باشد که شخص نذر کرده که پیاده از منا به مکّه برود; نه این که نذر کرده است از وطنش پیاده به حج برود; چون در این صورت با ظاهر آیه سازگار نیست.

۹ - < عن أبی عبد اللّه (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ : < و لیطّوّفوا بالبیت العتیق > قال : طواف النساء ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره سخن خداوند عزّوجلّ <و لیطّوّفوا بالبیت العتیق> فرمود: [مراد]طواف نسا است>.

طواف در دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۲۱

۲۱ - طواف خانه خدا و اعتکاف در آن جایگاه ، از احکام شریعت ابراهیم

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱۷

۱۷ - طواف و نماز ، از تکالیف مقرر در شریعت حضرت ابراهیم (ع)

و طهّر بیتی للطّائفین و القائمین و الرکّع السجود

طواف در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱۴،۱۵

۱۴ - طواف ، قیام ، رکوع و سجود (نماز) از آداب زیارت مسجدالحرام

و طهّر بیتی للطّائفین و القائمین و الرکّع السجود

ظاهر این است که مراد از <القائمین و الرکع السجود> نمازگزاران است; یعنی، <خانه مرا برای طواف کنندگان و نمازگزاران آماده کن>.

۱۵ - لزوم تقديم طواف بر نماز در زيارت مسجدالحرام

للطّائفين و القائمين و الركّع السجود

طواف كعبه

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۱۴،۱۸،۲۰،۲۱

۱۴ - مهیّا کردن و آماده ساختن خانه خدا برای طواف ، عبادت ، رکوع و سجود ، فرمان خدا به ابراهیم و اسماعیل (ع)

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین و الرکع السجود

در برداشت فوق <تطهیر> - چنانچه بعضی از مفسران گفته اند - کنایه از مهیّا ساختن و اختصاص دادن، گرفته شده است.

۱۸ - خانه خدا جایگاه طواف ، اعتکاف ، عبادت ، رکوع و سجود (نماز) است .

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین و الرکع السجود

عکوف مصدر (عاکفین) به معنای ماندن و اقامت کردن در مکانی است و مراد از آن در آیه شریفه - به قرینه طواف، رکوع و سجود - یا مطلق عبادت و پرستش خداست و یا مقصود از آن، اعتکاف - که عبادتی خاص با شرایطی ویژه از قبیل روزه گرفتن و . .. است - می باشد.

۲۰ - طواف کنندگان ، عبادت کنندگان و نمازگزاران در خانه خدا ، دارای مقامی ارجمند در پیشگاه خداوند

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین و الرکع السجود

از اینکه پیامبرانی بزرگ، همچون ابراهیم و اسماعیل(ع) مأمور به تطهیر خانه خدا برای طواف کنندگان و . .. بودند، ارجمندی طواف کنندگان و ... در پیشگاه خدا به دست می آید.

۲۱ - طواف خانه خدا و اعتکاف در آن جایگاه ، از احکام شریعت ابراهیم

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین

طواف نساء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۹

۹ - < عن أبی عبد اللّه (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ

: < و لیطّوّفوا بالبیت العتیق > قال : طواف النساء ;

از امـام صـادق(ع) روایت شـده است که دربـاره سـخن خداونـد عزّوجلّ <و لیطّوّفوا بالبیت العتیق> فرمود: [مراد]طواف نسـا است>.

مقامات طواف کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۲۰

۲۰ - طواف کنندگان ، عبادت کنندگان و نمازگزاران در خانه خدا ، دارای مقامی ارجمند در پیشگاه خداوند

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین و الرکع السجود

از اینکه پیامبرانی بزرگ، همچون ابراهیم و اسماعیل(ع) مأمور به تطهیر خانه خدا برای طواف کنندگان و . .. بودند، ارجمندی طواف کنندگان و ... در پیشگاه خدا به دست می آید.

نماز طواف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۳۱، ۳۰، ۷

۷ - زیارت کنندگان خانه خدا ، باید در مقام ابراهیم ، نماز بخوانند .

و اتخذوا من مقام إبرهیم مصلًّی

گویا مقصود از نمازی که باید در مقام ابراهیم خوانده شود، نماز طواف است، نه سایر نمازها.

۳۰ - < عن ابی الصـباح الکنانی ، قال سألت اباعبداللّه (ع) عن رجل نسی ان یصلی رکعتین عند مقام ابراهیم (ع) فی طواف الحـج و العمره ، فقـال : ان کان فی البلـد صـلی رکعتین عنـد مقام ابراهیم (ع) فان اللّه عز و جل یقول : < و اتخـذوا من مقام ابراهیم مصلًّی > و ان کان قد ارتحل فلا آمره ان یرجع ;

ابی الصـباح کنـانی از امـام صـادق(ع) سؤال کرد دربـاره کسـی که دو رکعت نمـاز طواف حـج و عمره را در مقام ابراهیم(ع) فراموش کرده

است، حضرت فرمود: اگر هنوز در شهر مکه است، باید نماز را در مقام ابراهیم (ع) به جا آورد; زیرا خداوند عز و جل فرموده: مقام ابراهیم را برای نماز خود قرار دهید و اگر از شهر مکه کوچ کرده است من به او نمی گویم برگرد>.

۳۱ - ابن مسکان گوید : < حدثنی من سأله عن رجل نسی رکعتی طواف الفریضه حتی یخرج فقال : . . . ان کان جاوز میقات أهل أرضه فلیرجع و لیصلهما فإن اللّه یقول : < و اتخذوا من مقام إبراهیم مصلًّی . . . ;

به من خبر داد کسی که از او]امام (ع) [سؤال کرد درباره شخصی که دو رکعت نماز فریضه طواف را از روی فراموشی نخوانده و از محل]مکه[خارج شده بود، امام (ع) فرمودند: . .. اگر از میقات حجاج شهرش گذشته باید برگردد و دو رکعت نماز را بخواند; زیرا خداوند می فرماید: <و اتخذوا من مقام ابراهیم مصلی ... >.

طهارت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

طهارت

احکام طهارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۳۷،۴۱

۳۷ تماس بدنی با زن ، بدون آمیزش جنسی ، ناقض طهارت نیست .

او لمستم النساء

امام باقر (ع) در پاسخ سؤال درباره کسی که پس از وضو با کنیزش تماس بدنی داشته است فرمود: لا و اللّه ما بذلک بأس . .. و ما یعنی بهذا <او لمستم النساء> الّا المواقعه فی الفرج.

تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۵، ۱۰ ; تهذیب شیخ طوسی، ج ۱، ص ۲۲، ح ۵۵، ب ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۵، ح

۲۷۱ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۳، ح ۱۳۹.

۴۱ زمین پاکیزه جایگزین آب ، برای تحصیل طهارت ، اگر چه فقدان آب به طول انجامد .

فتیمّموا صعیداً طیباً

رسول خدا(ص) فرمود: الصعید الطیب وضوء المسلم ولو الی عشر سنین ... .

<وضو>، به فتح <واو>، آبی است که با آن شستشو می نمایند.

الدر المنثور، ج ۲، ص ۵۵۲، ذیل آیه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۵

۵ طهارت و پاکی اهل کتاب

و طعام الذین اوتوا الکتب حل لکم

حلیت غذاهای اهل کتاب فرع بر طهارت و پاکی آنهاست. زیرا نوعاً خوراکیها دارای رطوبت سرایت کننده است و غالباً با دست ملاقات می کند. بنابراین اگر اهل کتاب نجس بودند، استفاده از طعام آنها برای مسلمانان جایز نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۳۷

۳۷ تماس بدنی با زن بدون آمیزش جنسی ، ناقض طهارت نیست .

او لمستم النساء

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال درباره کسی که پس از وضو با کنیزش، تماس بدنی داشته است فرمود: لا واللّه ما بذلک یأس . .. و ما یعنی بهذا <او لامستم النساء> الا المواقعه فی الفرج.

تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۵; تهذیب، ج ۱، ص ۲۲، ح ۵۵، ب ۱.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۷۹ – ۱۰۹

۱ – حرمت دست زدن به نوشته های قرآن بدون طهارت

لایمسّه إلّا المطهّرون

ضمیر در <لایمسّه>، می تواند به قرآن بازگردد و نیز می تواند راجع به <کتاب مکنون> باشد.

در صورت اول جمله <لایمسّه...> انشا در قالب اخبار بوده و مفاد آن نهی از لمس قرآن بدون طهارت می باشد. برداشت یاد شده بر پایه همین احتمال است.

۹ - < عن ابراهیم بن عبدالحمید عن أبی الحسن (ع) قال المصحف لاتمسّه علی غیر طهر و لاجنباً إنّ اللّه یقول : < لایمسّه إلّا المطهّرون > ;

ابراهیم بن عبدالحمید از امام کاظم(ع) روایت نموده که فرمود: قرآن را بدون طهارت و در حال جنابت مس نکن. .. زیرا خدا فرموده: لایمسّه إلّا المطهّرون>.

ارزش طهارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۳۰

۳۰ اهمیت و ارزش والای نماز و طهارت

یأیها الذین ءامنوا إذا قمتم إلی الصّلوه فاغسلوا . .. و لکن یرید لیطهرکم

ساقط نشدن نماز در صورت نیافتن آب، دلیل اهمیت نماز و تکرار و تأکید بر طهارت، نشانه اهمیت طهارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ طهارت جسمی و روحی از ارزش های الهی

لیطهّرکم به و یذهب عنکم رجز الشیطن

اهمیت طهارت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۲۸

۲۸ - حفظ طهارت قلب ، امری لازم و بایسته است .

فسئلوهنّ من وراء حجاب ذلکم أطهر لقلوبکم و قلوبهنّ

رعایت طهارت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۱۴ – ۶

۶ – لزوم پاک نگه داشتن قرآن از هر آلودگی و خباثت

مطهّره

طهارت اهل بیت(ع)

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۳ – ۱۵،۱۷،۲۱

۱۵ – تعلق قطعی اراده خداوند ، برای از بین بردن همیشگی هرگونه پلیدی از اهل بیت پیامبر (ص)

إنّما یرید اللّه لیذهب عنکم الرجس أهل البیت

<رجس> در لغت، به چیز پلید گفته می شود (مفردات راغب). <ال> در <البیت> برای عهد و اشاره به بیت نبوت است.

۱۷ – خداوند ، اهل بیت پیامبر (ص) را از هرگونه آلودگی ، کاملاً پاک کرده است .

و یطهّرکم تطهیرًا

۲۱ – < قال علی بن أبی طالب (ع) إنّ اللّه فضّلنا أهل البیت و کیف لایکون کذلک و اللّه عزّوجلّ یقول فی کتابه < إنّما یرید اللّه لیذهب عنکم الرجس أهل البیت و یطهّرکم تطهیراً > فقد طهّرنا من الفواحش ما ظهر منها و مابطن . . . ;

از علی بن ابی طالب(ع) روایت شده که فرمود: خداوند، ما اهل بیت را برتری بخشیده و چرا چنین نباشد در حالی که در قرآن اش می فرماید: <إنّما یرید اللّه لیذهب عنکم الرجس. ..> خداوند، ما را از هرگونه آلودگی، چه آشکار و چه نهان، پاک گردانیده است...>.

طهارت اهل کتاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵ – ۵

۵ طهارت و پاکی اهل کتاب

و طعام الذین اوتوا الکتب حل لکم

حلیت غذاهای اهل کتاب فرع بر طهارت و پاکی آنهاست. زیرا نوعاً خوراکیها دارای رطوبت سرایت کننده است و غالباً با دست ملاقات می کند. بنابراین اگر اهل کتاب نجس بودند، استفاده از طعام آنها برای مسلمانان جایز نبود.

طهارت عیسی(ع)

جلد – نام سوره –

سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۵۵ – ۱،۴،۹

۱ توفّی (نجات) ، عروج ، تطهیر حضرت عیسی (ع) و غلبه پیروان آن حضرت بر دشمنان ، مکر خداوند در برابر مکر کافران

و مکروا و مکر اللّه . .. اذ قال اللّه یا عیسی انّی متوفّیک ... فوق الذین کفروا

بنابراینکه <اذ>، متعلّق به <مکر اللّه> باشد، یعنی مکر خداوند هنگام بوده که عیسی را بسوی خویش عروج داد و . .. .

۴ نجات و تطهیر حضرت عیسی (ع) ، توسّط خداوند

انّی متوفّیک . .. و مطهّرک

۹ تنزیه حضرت عیسی (ع) از تهمت های ناروای کافران ، توسّط خداوند

و مطهّرک من الذین کفروا

بنابراینکه متعلّق تطهیر به قرینه آیات سابق، اتهاماتی باشد که به حضرتش زدند و <من>، نشویّه باشد.

طهارت قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۵۳ – ۲۹

۲۹ – اجتناب از مطالبه کردن چیزی از همسران پیامبر ، به صورت رو در رو ، به خاطر حفظ طهارت قلب مؤمنان و همسران پیامبر است .

فسئلوهنّ من وراء حجاب ذلکم أطهر لقلوبکم و قلوبهنّ

طهارت مسجد الحرام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۸ – ۲

۲ مسجدالحرام ، مکانی است مقدس و دور داشتن هر گونه آلودگی از آن ، لازم می باشد .

إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجدالحرام

طهارت مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – مائده – ۵ – ۶ – ۲۹

۲۹ هدف از تشريع وضو

، غسل و تیمم ، طهارت مؤمنان و اتمام نعمت الهی به آنان است ، نه ایجاد حرج و مشقت .

إذا قمتم إلی الصّلوه فاغسلوا . .. و لکن یرید لیطهرکم ولیتم نعمته علیکم

طهارت همسران بهشتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۵ – ۱۳،۱۷

۱۳ – بهشتیان در بهشت ، همسرانی پاک و مطهر خواهند داشت .

و لهم فیها ازوج مطهره

۱۷ – < سئل الصادق (ع) عن قول اللّه عز و جل < لهم فیها أزواج مطهره > قال : الأزواج المطهره اللاتی لا یحضن و لایحدثن ;

از امام صادق (ع) درباره سخن خدای عز و جل که می فرماید: <برای مؤمنان در بهشت همسران پاکیزه هست> سؤال شد فرمود: یعنی همسران بهشتی آلوده به حیض و حدث نمی شوند>.

عبادت و طهارت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۵ – ۲۴

۲۴ – ارتباط تنگاتنگ عبادت با طهارت و نظافت

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین و الرکع السجود

مبطلات طهارت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶ – ۳۷

۳۷ تماس بدنی با زن بدون آمیزش جنسی ، ناقض طهارت نیست .

او لمستم النساء

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال درباره کسی که پس از وضو با کنیزش، تماس بدنی داشته است فرمود: لا واللّه ما بذلک یأس . .. و ما یعنی بهذا <او لامستم النساء> الا المواقعه فی الفرج.

تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۵; تهذیب، ج ۱، ص ۲۲، ح ۵۵، ب ۱.

نواقض طهارت

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۳۷

۳۷ تماس بدنی با زن ، بدون آمیزش جنسی ، ناقض طهارت نیست .

او لمستم النساء

امام باقر (ع) در پاسخ سؤال درباره کسی که پس از وضو با کنیزش تماس بدنی داشته است فرمود: لا و اللّه ما بذلک بأس . .. و ما یعنی بهذا <او لمستم النساء> الّا المواقعه فی الفرج.

تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۵، ۱۰ ; تهذیب شیخ طوسی، ج ۱، ص ۲۲، ح ۵۵، ب ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۵، ح ۲۷۱ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۳، ح ۱۳۹.

طهر

طهر غیر مواقع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۲۳

۲۳ - < عن النبیّ (ص) < فطلّقوهنّ لعدّتهنّ > قال : طاهراً من غیر جماع ;

از پیامبر(ص) درباره <فطلّقوهنّ لعدّتهنّ> روایت شده که فرمود: [زن باید در حالی طلاق داده شود] که از حیض پاک شده باشد; بدون این که در آن پاکی، آمیزشی صورت گرفته باشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۶

۱۶ - < محمدبن أبی نصر قال : سألت أبا الحسن (ع) . . . فقلت له : فإن طلّق علی طهر من غیر جماع بشاهد و امرأتین ؟ فقال : لاتجوز شهاده النساء فی الطلاق . . . ;

محمدبن ابی نصر گوید: از امام رضا(ع) سؤال نمودم. .. اگر زنی را در پاکی بدون این که در آن پاکی آمیزشی شده

باشد یک شاهد [مرد] و دو شاهد زن طلاق دهد؟ حضرت فرمود: شهادت زنان در طلاق نافذ و کارساز نیست...>.

طیبات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

طیبات

اجتناب از طیبات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۹ – ۱۱

۱۱ – پرهیز از نعمت های حلال و طیب ، استفاده از پلیدی ها و حرام خواری ، از کار های بد و ناپسند است .

کلو مما فی الأرض حلالا طیباً . .. إنما یأمرکم بالسوء و الفحشاء

اجتناب مسیحیان از طیبات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۷ – ۱۹

۱۹ یهود و نصارا در پیش از اسلام ، مبتلا به بهره گیری از ناپاکی ها و پرهیز از برخی پاکی ها و پاکیزه ها

یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبئث

مراد از ضمیر <هم> در <لهم> و <علیهم> به قرینه <التوریه و الانجیل>، یهود و نصارا است.

اجتناب یهود از طیبات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۷ – ۱۹

۱۹ یهود و نصارا در پیش از اسلام ، مبتلا به بهره گیری از ناپاکی ها و پرهیز از برخی پاکی ها و پاکیزه ها

یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبئث

مراد از ضمیر <هم> در <لهم> و <علیهم> به قرینه <التوریه و الانجیل>، یهود و نصارا است.

ارزش طیبات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۰ – ۱،۳،۵،۸،۹

۱ هرگز بد ها و ناپاک ها به ارزش مساوی با خوب ها و پاک ها نخواهند رسید .

قل لایستوی الخبیث

و الطيب

۳ پاکی و ناپاکی از جمله ملاک های حرمت و حليت اشياء

لايستوی الخبيث و الطيب

۵ پاکی و ناپاکی از جمله ملاک های ارزشگذاری اشياء

قل لايستوی الخبيث و الطيب و لو اعجبک کثره الخبيث

۸ تنها خردمندان ، دانا به نابرابری پاک و ناپاک و واقف به ارزش برتر پاکيهايند گرچه اندک باشد .

لايستوی الخبيث و الطيب . .. فاتقوا اللّه ياولی الالبب

توجه خطاب به صاحبان خرد با اينکه همگان وظيفه دار رعايت تقوا با گرايش به پاکيها و پرهيز از ناپاکيها هستند، می تواند اشاره به اين باشد که شناخت پاکی از ناپاکی و درک ارزش برتر پاکيها هر چند از نظر مقدار اندک باشد، تنها از عهده صاحبان عقل و خرد ناب ساخته است.

۹ عقل و خرد ابزار شناخت پاکی ها و ناپاکی ها و دست يابی به ارزش برتر پاکيها

لايستوی الخبيث و الطيب . .. فاتقوا اللّه ياولی الالبب

استفاده از طيبات

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۵۷ – ۸،۱۴

۸ – بهره گيری از < منّ > و < سلوی > و روزی های پاکيزه و حلال توصيه خداوند به بنی اسرائيل

کلوا من طيبت ما رزقنکم

برداشت فوق با توجه به فعل امر <کلوا> استفاده شده است.

۱۴ – بهره گيری از نعمت ها و روزی های حلال و پاکيزه ، توصيه خداوند به بندگان

کلوا من طيبت ما رزقنکم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۲ - ۲

۲ - مسلمانان نباید روزی ها و نعمت های پاکیزه را حرام شمرده و خویشتن را از

منافع آنها محروم سازند .

یأیها الذین ءامنوا کلوا من طیبت ما رزقنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۱

۱ استفاده از طیبات (چیز های مطبوع و پسندیده) حلال است .

الیوم احل لکم الطیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۱،۵،۱۱،۱۹

۱ اهل ایمان نباید خویشتن را از بهرهوری مواهب پاکیزه و حلال الهی منع کنند .

یایها الذین ءامنوا لاتحرموا طیبت ما احل اللّه لکم

برداشت فوق بر این مبناست که تحریم در <لاـتحرموا . ..>، تحریم عملی باشد یعنی خودداری کردن و استفاده نبردن از حلالهای الهی بدون اعتقاد به حرمت آن

۵ مؤمنان ، شایسته ترین انسان ها برای بهره جویی از مواهب پاکیزه خداوند

یایها الذین ءامنوا لاتحرموا طیبت ما احل اللّه لکم

مخاطب قرار دادن اهل ایمان نه همه مردم و سپس توصیه به بهره برداری از طیبات، اشاره به این است که تنها مؤمنان شایسته ترین افراد برای بهره مندی از مواهب الهی هستند.

۱۱ لزوم رعایت اعتدال و میانه روی و پرهیز از افراط و تفریط در بهره جویی از مواهب و طیبات

لاتحرموا . .. و لاتعتدوا

بدان احتمال که جمله <لاتعتدوا> توضیحی درباره <لاتحرموا طیبات ما احل اللّه> باشد نه تأکید و تفسیر آن، یعنی از حلالها استفاده کنید ولی نه به گونه ای که از حد بگذرانید و تجاوز کنید.

۱۹ افراط و تفریط در بهره جویی از مواهب پاکیزه و حلال الهی ، عامل محرومیت از محبت خداوند

لاتحرموا . .. و لاتعتدوا إنّ اللّه لايحب المعتدين

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۸ - ۴

۴ ضرورت بهره گیری از امکانات و روزی های الهی به شیوه حلال و پاکیزه (در چارچوب احکام و قوانین الهی)

و کلوا مما رزقکم اللّه حللا طیباً

برداشت فوق بر این اساس است که <حللا طیباً> صفت برای مفعول مطلق محذوف <اکلا> باشد. بر این مبنا بهره جستن و استفاده از امکانات خدادادی به دو گونه تقسیم می شود یکی استفاده به گونه حلال و دیگر بهره وری به شیوه حرام. هر چند خود امکانات حلال و طیب باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۹

۹ جواز استفاده مؤمن و کافر از زیباییها و روزیهای پاکیزه خدا در دنیا

قل هی للذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا خالصه یوم القیمه

کلمه <خالصه> حال است برای <هی> و <یوم القیامه> متعلق به آن می باشد. ذکر نشدن این کلمه در مورد <الحیاه الدنیا> حاکی از انحصاری نبودن مواهب دنیا برای مؤمنان است. یعنی: قل هی للذین آمنوا و لغیر هم فی الحیاه الدنیا و لهم خالصه یوم القیامه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۲۴

۲۴ بهره گیری از نعمت های پاکیزه ، توصیه خداوند به بندگان

کلوا من طیبت ما رزقنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۹

۹- بهرهوری انسان از غذا های پاکیزه و دلپذیر ، از نعمت های خداوند و نشانه های اوست .

و الله جعل لكم .

.. و رزقکم من الطّیّبت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۱ – ۲

۲ – بهره گیری از رزق های گوارا و پاکیزه ، توصیه خداوند به بنی اسرائیل

کلوا من طیّبت ما رزقنکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۵۱ – ۲،۶

۲ – بهرهوری از نعمت های الهی و تغذیه از غذا های پاکیزه ، توصیه خداوند به یکایک پیامبران

یأیّها الرسل کلوا من الطّیّبت

از آن جایی که پیامبران الهی به صورت متفرق و جدا جدا و در طول تاریخ فرستاده شده اند، این آیه می تواند به این معنا باشد که: <ما به یکایک پیامبران، توصیه کردیم که از طیبات بهره گیرند و. ..>.

۶ – خداوند ، خواهان بهرهوری انسان ها ، از روزی های حلال و اجتناب از حرام خواری است .

یأیّها الرسل کلوا من الطّیّبت

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <طیّب> در لغت به معنای حلال به کار رود.

اسلام و طیبات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۷ – ۲۳

۲۳ دین اسلام احیاگر ارزش ها و پاکی ها و به دور از تکالیف شاق و خرافه های اسارتبار است .

یحل لهم الطیبت و یحرم . .. و یضع عنهم إصرهم و الأغلل التی کانت علیهم

انبیا و استفاده از طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۲ - ۱

۱ - یکی بودن شیوه زندگی همه پیامبران ، در بهره گیری سالم و حلال از نعمت های الهی

، کردار نیک و پرستش خدای یگانه

یأیّها الرسل کلوا من الطّیّبت . .. و إنّ هذه أُمّتکم أُمّه وحده و أنا ربّکم

<هذه> اشاره به طریقه زندگی است که از سوی خدا به یکایک پیامبران توصیه شده بود (یا أیّها الرسل کلوا من الطّیّبات و اعملوا صالحاً). <أُمّه> نیز به معنای طریقه، شیوه و آیین است.

تحریم طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۲ - ۱۲،۱۳

۱۲ - برخی از مسلمانان صدر اسلام با حرام پنداشتن بعضی از طیبات ، از خوردن آنها امتناع می کردند . *

یأیها الذین ءامنوا کلوا من طیبت . .. إن کنتم إیاه تعبدون

تأکید خداوند بر مباح بودن طیبات و استفاده از آنها گویای این است که: گروهی از مسلمانان از خوردن برخی از طیبات امتناع می کردند. آیه بعد (إنما حرّم ...) می رساند که امتناع آنان به خاطر اعتقاد به حرمت آن دسته از طیبات بوده است.

۱۳ - زهد گرایی با تحریم طیبات و مواهب الهی بر خویش ، امری نابجا و ناشایست .

یأیها الذین ءامنوا کلوا من طیبت . .. إن کنتم إیاه تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۰ - ۱،۹،۱۳

۱ ظلم یهود ، موجب حرام گشتن برخی از نعمت های پاکیزه و حلال بر آنان

فبظلم من الذین هادوا حرّمنا علیهم طیبت أحلت لهم

۹ انحراف عمیق یهود از راه خدا و بازداری مردمان از پیوستن به آن ، موجب تحریم نعمت های پاکیزه و حلال بر آنان

حرّمنا علیهم طیبت أحلت لهم و بصدّهم عن سبیل اللّه کثیراً

ظاهراً کلمه

<بصـدهم> عطف بر <بظلم> است، یعنی <بظلم من الـذین هـادوا و بصـدهم حرمنا علیهم>. گفتنی است که تکرار باء در <بصدهم> اشاره به این دارد که بازداری آنان از راه خدا نیز می توانست نقش مستقلی در تحریم داشته باشد.

۱۳ گوشت شتر ، گاو و گوسفند ، طیبات حرام شده بر بنی اسرائیل از سوی خداوند بخاطر ظلم آنان

فبظلم من الذین هادوا حرّمنا علیهم طیبت أحلت لهم

امام صادق(ع) درباره <طیبت> در آیه فوق فرمود: . .. یعنی لحوم الابل و البقر و الغنم ... .

کافی، ج ۵، ص ۳۰۶، ح ۹; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۲، ح ۶۶۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۴

۴ مؤمنان نبایستی مواهب پاکیزه و حلال الهی را با قسم و امثال آن بر خویش تحریم کنند .

یایها الذین ءامنوا لاتحرموا طیبت ما احل اللّه لکم

بـا توجه به ارتبـاط این بخش از آیـات و بیـان احکام قسم در آیه ۸۹ می تـوان گفـت مراد از <لاـتحرموا . ..> نهی از تحریم طیبـات به وسـیله قسم و امثال آن است گفتنی است که بر این مبنا مراد از تحریم، تحریم حقیقی و واقعی (حرام کردن) خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۲۸

۲۸ سوگند بر تحریم طیبات و لذایذ بر خویشتن ، لغو است و شکستن آن ، مؤاخذه الهی را در پی ندارد .

لایؤاخذکم اللّه باللغو فی أیمنکم

از رسول خدا(ص) روایت شده که پس از حمد و ثنای الهی، خطاب به اصحابش فرمود: <فما بال اقوام

یحرمون علی انفسهم الطیبات . .. فقاموا هولاء فقالوا یا رسول اللّه فقد حلفنا علی ذلک فانزل اللّه تعالی <لایؤاخذکم اللّه باللغو فی أیمنکم ...>.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۸۰; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۵، ح ۳۲۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۲

۲ تحریم کنندگان زیباییها و زینتهای خدادادی و روزیهای پاکیزه، مورد نکوهش و توبیخ خداوند هستند.

قل من حرم . .. والطیبت من الرزق

استفهام در جمله <من حرم . ..> استفهام انکار توبیخی است. یعنی خداوند علاوه بر این که تحریم طیبات را صحیح نمی داند، تحریم کننده را نیز سرزنش می کند.

ترک استفاده از طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۱۴

۱۴ محروم نمودن خویش از مواهب پاکیزه و حلال الهی ، زیان رسانی به خود آدمی است .

و لاتحرموا طیبت ما احل اللّه لکم و لاتعتدوا

چنانچه تحریم طیبات به معنای محروم ساختن خویش از مواهب الهی گرفته شود جمله <لاتعتدوا> می تواند بیانگر فلسفه ای برای جمله <لاتحرموا . ..> باشد یعنی مبادا طیبات را از خود دریغ دارید چرا که این کار تعدی به خود و پایمال کردن حقوق خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۸ - ۱۰

۱۰ تحریم مواهب خدادادی بر خویش و یا دیگران و بهره نجستن از آنها خلاف تقواست .

و کلوا مما رزقکم اللّه حللا طیباً و اتقوا اللّه

امر به تقوا پس از تصریح به اباحه مواهب خدادادی و نهی از تحریم

حلالها می تواند اشاره به این باشد که اگر اعتقاد و یا التزام عملی بر خلاف این احکام باشد، به دور از تقواپیشگی است.

حلیت طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۳

۳ خوردن طیبات (چیز های پاکیزه و ملایم با طبع) حلال است .

قل احل لکم الطیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۱۶،۱۷،۱۸

۱۶ حکم به حلّیت همه پاکیزه ها و تحریم همه ناپاکی ها ، از وظایف پیامبر (ص) و از اهداف رسالت اوست .

و یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبئث

۱۷ هر چیز طیب و پاکیزه ، حلال و هر چیز خبیث و ناپاك ، حرام است .

و یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبئث

۱۸ امر به معروف و نهی از منکر ، حلال دانستن پاکیزه ها و حرام شمردن ناپاکی ها ، از علامت های موجود در تورات و انجیل برای شناسایی پیامبر اسلام

الذی یجدونه . .. یأمرهم بالمعروف ... و یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبئث

جمله های <یأمرهم و . .. > حال برای ضمیر مفعولی در <یجدونه> است و لذا می رساند که مفاد این جمله ها به عنوان صفات پیامبر موعود در تورات و انجیل بیان شده است. بر این اساس می توان گفت که از اهداف بیان این ویژگیها در تورات و انجیل، راهنمایی اهل کتاب است به اموری که باید در شناسایی پیامبر موعود در نظر داشته باشند.

طیبات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۱ – ۱

۱ – < منّ و سلوی > ، عطیه الهی به بنی اسرائیل و از روزی های پاکیزه و گوارا

و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی . کلوا من طیّبت ما رزقنکم

طیب، چیزی است که قوای حسی و نفس آدمی از آن لذت ببرد (مفردات راغب). <طاب>; یعنی، لذیذ و پاکیزه شد (قاموس). البته یکی از معانی <طیّب>، <حلال> است، ولی چون همه رزق های الهی حلال می باشد، معنایی که مفهوم آن تقسیم رزق به حلال و حرام است، معنای مناسبی نخواهد بود.

عوامل تشخیص طیبات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۰ – ۹

۹ عقل و خرد ابزار شناخت پاکی ها و ناپاکی ها و دست یابی به ارزش برتر پاکیها

لایستوی الخبیث و الطیب . .. فاتقوا اللّه یاولی الالبب

کافران و طیبات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۲ – ۹

۹ جواز استفاده مؤمن و کافر از زیباییها و روزیهای پاکیزه خدا در دنیا

قل هی للذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا خالصه یوم القیمه

کلمه <خالصه> حال است برای <هی> و <یوم القیامه> متعلق به آن می باشد. ذکر نشدن این کلمه در مورد <الحیاه الدنیا> حاکی از انحصاری نبودن مواهب دنیا برای مؤمنان است. یعنی: قل هی للذین آمنوا و لغیر هم فی الحیاه الدنیا و لهم خالصه یوم القیامه.

گرایش به طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۷،۱۰،۱۷

۷ لزوم رعایت تقوا با پرهیز از

ناپاکی ها و گرایش به پاکیها

لایستوی الخبیث و الطیب . .. فاتقوا اللّه

۱۰ تنها خردمندان زمینه دار دوری جستن از ناپاکی ها و گرایش به پاکیها

لایستوی الخبیث و الطیب . .. فاتقوا اللّه یاولی الالبب

۱۷ پرهیز از پلید و ناپاك و گرایش به پاکی ها ، زمینه نیل به فلاح و رستگاری

لایستوی الخبیث و الطیب . .. لعلکم تفلحون

مبدأ طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۱

۱ خداوند، پدیدآورنده زینتها و روزیهای پاکیزه

زینه الله التی أخرج لعباده

محرومیت از طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۰،۱۲،۱۴

۱۰ رباخواری و حرامخواری یهودیان ، موجب محرومیت آنان از برخی طیبات *

فبظلم من الذین هادوا و حرّمنا علیهم الطیبت . .. و أکلهم أموال الناس بالبطل

بدان احتمال که مراد از تحریم، تحریم تکوینی باشد.

۱۲ تحریم طیبات بر تمامی یهود کافر و مؤمن و عذاب قیامت تنها از آن کافران ایشان

حرّمنا علیهم الطیبت . .. و أعتدنا للکفرین منهم عذاباً ألیماً

با توجه به جمله <اعتدنا للکفرین منهم> و جمله <حرمنا علیهم الطیبت> که در یکی کلمه <منهم> آمده و در دیگری

نیامـده، معلوم می شود برای همه یهودیان چه کافر و چه مؤمن طیبات تحریم شـده ولی عذاب قیامت، تنها از آن کافران ایشان است.

۱۴ آلوده شدن گروهی از یهودیان به گناه ، موجب تحریم طیبات الهی بر تمامی آنان

فبظلم من الذین هادوا حرّمنا علیهم . .. و أعتدنا للکفرین منهم عذاباً ألیماً

مراد از طیبات

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۱۷،۱۸

۱۷ - < أبـان بن تغلب قال : سألت جعفربن محمـد (ع) عن قول اللّه عزّ ذکره : < یاأیّها الرسل کلوا من الطّیّبات ، قال : الرزق الحلال ;

ابان بن تغلب گویـد: از امام صادق(ع) درباره سـخن خداونـد عزّ ذکره <یا أیّها الرسل کلوا من الطّیّبات> سؤال کردم، فرمود: [مراد] روزی حلال است>.

۱۸ - < عن النبی (ص) فی قوله < یاأیّهاالرسل کلوا من الطّیّبات > (الآیه) قال : ذاک عیسی بن مریم یأکل من غزل أُمّه ;

از رسول خـدا(ص) درباره سـخن خداونـد <یا أیّها الرسل. ..> روایت شده است که فرمود: یکی از پیامبران که از طیبات می خورد عیسی بن مریم است. او از دستمزد نخ ریسی مادرش ارتزاق می کرد>.

ملاک تشخیص طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۷ - ۹

۹ عدم پذیرش و کراهت وجدان آدمی از گرفتن پاره ای اموال ، نشانه ای برای تشخیص نامرغوب از مرغوب

و لا تیمّموا الخبیث منه تنفقون و لستم باخذیه

موارد طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۸

۱۸ صید سگ شکاری تعلیم دیده از طیبات است .

احل لکم الطیبت و ما علمتم من الجوارح

عطف <ما علمتم>، عطف خاص بر عام است.

نعمت طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۱۱

۱۱- روزی های حلال و دلپذیر

، از نعمت های شایان شکرگزاری است .

فکلوا ممّا رزقکم الله حللاً طیبًا و اشکروا نعمت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۶

۶ - روزی های الهی ، مواهبی پاکیزه و خوشگوار برای انسان

طیّبت ما رزقنکم

اضافه <طیّبات> به <ما رزقناکم> ممکن است بیانیه بوده و گویای این نکته باشد که هر آنچه به شما روزی کرده ایم، طیّب و پاکیزه است.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹